

به نام خدا



توسعه تأسیسات و تجهیزات

نشریه سنديکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران

شماره استاندارد بین المللی: ۱۵۸-۰۱۷۳۵

بهار و تابستان ۱۳۹۹ / دوره جدید / شماره شصت

- مدیر مسوول: مهندس مصطفی امیری فر
- سردبیر: محمد حسین دانایی
- کمیسیون انتشارات و هیأت تحریریه (به ترتیب الفبای نام خانوادگی): دبیر تحریریه: منیژه فرهنگی
- مهندسان: همایون ابراهیمی، مصطفی امیری فر، احمدعلی پیروزفرد، طراحی روی جلد: آریا برزن فروزان
- محمدمهدی تابع قانون، رضا حاج کریم، سید ابراهیم طاهری، مرتضی قضا، صفحه آرای: حسین شیبانی، فاطمه بدیعی
- محمدرضا محمدآبادی کمره ای، مهدی مسعودی آشتیانی، سعید منوچهریان، عکس: مرصیه براری
- علی میرزایی
- مشاور عالی: مهندس منوچهر معتمدی کردستانی
- نشانی سنديکا: تهران- سعادت آباد- میدان کاج- خیابان نهم- پلاک ۱۸
- تلفن: ۲۲۰۸۳۴۲۰ - ۲۲۰۸۳۷۶۵ - ۲۲۰۸۳۹۶۱ - ۲۲۰۸۳۹۵۹
- نماير: ۲۲۰۸۴۰۳۰
- پایگاه اینترنتی: www.ismeic.org ایمیل: towsaeh@ismeic.org

مطالب لزوماً نظر سنديکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران نیست.

۹ _____ تشکل‌ها و مسوولیت‌های اجتماعی

۱۰ _____ انتقادات و انتظارات از قوه مقننه

۲۱ _____ کرونا و پیمانکاران

۲۶ _____ خصوصی‌ها در چنگال خصولتی‌ها

۲۸ _____ نقشه عمران کشور در سال جاری

۳۰ _____ کارفرمایان و حوادث شغلی

۳۲ _____ نگاهی به محیط کسب و کار در ایران

۳۵ _____ پولدارترین مهندسان دنیا

۳۸ _____ طراحی نادرست فضاهاى تأسیساتی در پروژه‌ها

۴۱ _____ دوروش تازه برای تولید الکتریسیته

۴۲ _____ بیست تغییر بزرگ تکنولوژی تا سال ۲۰۵۰

۴۴ _____ اقتصاد ایران در پنجمین سالگرد برجام

۴۶ _____ بازار سرمایه، خرد فرد یا خرد جمع؟

۵۰ _____ گلگشت

۵۲ _____ ماشین در برابر انسان

۵۶ _____ عشق با ریاضی

۵۸ _____ «سواد» چیست؟

۵۹ _____ اخبار

یادداشت

ویژه

صنفی

فنی

عمومی



تشکل‌ها و مسوولیت‌های اجتماعی

فقط سرمایه‌های فیزیکی و سرمایه‌های انسانی نیستند که به عنوان عامل تولید به صحنه می‌آیند و موجب رونق کسب‌وکار و رشد و توسعه جوامع می‌شوند، بلکه سرمایه‌های اجتماعی، شامل حس همبستگی، اعتماد و همدردی نیز مانند یک شبکه اجتماعی عمل می‌کنند، تا اولاً «گروه» یا «جامعه» به معنای واقعی کلمه شکل بگیرد، ثانیاً موجب انباشت سرمایه و استفاده حداکثری از منابع فیزیکی و انسانی شود و در نتیجه، دارایی و توانایی کل جامعه بالا برود. بزرگترین نماد سرمایه‌های اجتماعی نیز تشکل‌های مردمی (NGO) می‌باشند.

هر چند که شکل‌گیری تشکل‌های مردمی در ابتدا با رویکردی سیاسی برای تقسیم قدرت حاکمیتی کلید خورده و احزاب سیاسی به عنوان اولین نهادهای مدنی وارد صحنه اجتماع شده‌اند، اما همین امر باعث شناخت همگانی از کارکرد تشکل‌ها گردیده و سرمشقی شده‌است برای دیگر گروه‌های انسانی که به سوی تشکل‌گرایی حرکت کنند.

از سوی دیگر، در دنیای امروز اکثر تشکل‌ها-اعم از صنفی، سیاسی (احزاب)، حمایتی (محیط زیست) و غیره- به این باور دست یافته‌اند که فارغ از نوع و سطح فعالیت، و خاستگاه اجتماعی و یا منافع و مصالح گروهی خودشان، در برابر کل جامعه نیز تعهدات و مسوولیت‌هایی دارند و می‌باید در این زمینه هم نقش پررنگی را ایفا نمایند، اما نکته مهم در این رابطه آن است که اینگونه تشکل‌ها تا چه حد و اندازه اجازه و فرصت بروز و ظهور خواهند داشت؟

آیا حاکمیت‌ها وجود اینگونه تشکل‌ها را اصولاً ضروری و مفید می‌دانند، یا آنها را به عنوان رقیبی تلقی می‌کنند که می‌خواهد سهمی از قدرت را به دست بگیرد و سیطره مطلق حکومت‌ها را تضعیف کند؟ تجربیات جهانی نشان از آن دارند که در هر کجا که حاکمیت‌ها به حضور تشکل‌های مردمی تن داده‌اند و سهمی از قدرت را از طریق آن‌ها به آحاد مردم واگذار کرده‌اند، حاصلش ایجاد حکومتی مقتدرتر و در عین حال، محبوب‌تر و کارآمدتر بوده و در نتیجه، تمامی ارکان و اجزای حکومت توانسته‌اند با حمایت عمومی، شرایط دشوار و بحرانی خود و جامعه را بهتر مدیریت کنند و تصمیمات مطلوب‌تری را اتخاذ نمایند.

وقوع بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ با تمام آلام و رنج‌ها و مصیبت‌هایش، محک خوبی بود، هم برای مردم و هم برای نهادهای مردمی و حکومت‌ها، چون همه نیروهای اجتماعی را دچار دردسرهای عظیم و زیان‌های اقتصادی- اجتماعی فراوان نمود و این وضعیت ممکن است تا سال‌ها ادامه داشته باشد. لذا اکنون زمان مناسبی برای حضور و نقش‌آفرینی است، هم برای تشکل‌ها و هم برای دولت‌ها، تا صمیمانه و صادقانه به میدان بیایند و با ایفای مسوولیت‌های اجتماعی خویش، خودآزمایی و خودنمایی کنند.

در کشور ما نیز از ابتدای شیوع این بیماری، گروه‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های مردمی، علیرغم مشکلات مالی و کمبودهای تحمیلی در طول

سالیان گذشته و با وجود زخم‌های ناشی از بی‌مهری دولتمردان و آزرده‌گی به خاطر تضییع مکرر حقوق منطقی و قانونی‌شان، وارد میدان شدند و همیاری و همکاری با دولت و سایر نهادهای حاکمیتی را در اولویت کاری خود قرار دادند. این تجربه نشان می‌دهد که تشکل‌های موجود، به عنوان پاره‌هایی کارآمد از کالبد اجتماعی، می‌توانند با درک عمیق مسوولیت‌ها و تعهدات اجتماعی خویش و با بکارگیری امکانات هر چند ناچیز خود، همراه مردم شوند و در عین حال، یاریگر دولت باشند، اما و صد اما، به شرط آنکه دولت و حاکمیت و سایر نیروهایی که در هر صورت، سهمی از قدرت را به دست آورده‌اند، نیز این تشکل‌ها را به رسمیت بشناسند و به آنها فرصت حضور و خدمت‌گزاری بدهند. بدون تردید، با این رویکرد، تمامی مردم و دولت و کلیه نهادهای مردمی و حاکمیتی، همچون رشته‌ها و تارپودهای الیافی در هم تنیده خواهند شد و ریسمانی فربه و ناگسستنی را بوجود خواهند آورد، ریسمانی که در هر شرایطی به درد جامعه خواهد خورد و از سقوط حکومت و جامعه به پرتگاه‌های مهلک جلوگیری خواهد کرد.

آری، بهار امسال این چنین آغاز شد تا به ما و حکومت‌هایمان درس‌هایی بدهد، درس‌هایی از جنس همدلی، انصاف، انسانیت و احترام به طبیعت. امیدواریم که همگی مان این درس‌ها را خوب فرا بگیریم و آنها را به کار ببندیم.

ه. ابراهیمی



گزارش میزگرد

انتقادات و انتظارات از قوه مقننه

ارزیابی عملکرد مجلس دهم و انتظارات بخش خصوصی از مجلس یازدهم

ویژه

• منیژه فرهنگی

اشاره

آغاز بکار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، بار دیگر نقش و جایگاه قوه مقننه و علل ناکارآمدی این نهاد در کاهش مشکلات و رفع معضلات کشور را در مرکز توجه مردم و فعالان اقتصادی قرار داد. از این رو، موضوع ویژه این شماره مجله توسعه تاسیسات و تجهیزات هم به ارزیابی عملکرد مجلس دهم و انتظارات بخش خصوصی از مجلس یازدهم اختصاص یافت.

در این میزگرد، که توسط آقای محمدحسین دانایی، سردبیر مجله توسعه اداره شد، مهندس حسن نوری، دبیر کل انجمن صنفی شرکت‌های ساختمانی، تأسیساتی و راهسازی استان اصفهان و دبیر اسبق کانون سراسری پیمانکاران عمرانی ایران - دکتر مهدی مختاری، مدرس حقوق دانشگاه تهران - مهندس احمد خرم، رییس سازمان نظام مهندسی کشور - مهندس مرتضی زمانی، عضو مجمع پیشکسوتان سندیکا و مهندس علی میرزایی، عضو هیأت تحریریه مجله توسعه حضور داشتند. در ادامه توجه شما را به گزیده‌ای از آرای صاحب‌نظران در این نشست جلب می‌کنیم.

توسعه تاسیسات و تجهیزات

از فعالیت مجلس دهم، مجلس را به جایگاه اصلی آن برسانند!

در رویداد سوم، سخنگوی شورای نگهبان، ضمن ارایه گزارشی از جریان رسیدگی به صلاحیت داوطلبان دوره یازدهم اعلام کرد که از میان ۲۳۷ نفر نمایندگان دوره دهم مجلس، صلاحیت ۱۳۵ نفر برای شرکت در انتخابات مجلس یازدهم تأیید، یا احراز نشده و این بدان معناست که ۵۷ درصد از نمایندگان دوره دهم مجلس که با احراز صلاحیت به مجلس راه

نوبت، به جلوی میز نام‌نویسی می‌رود و ثبت نام می‌کند و بعد هم با خیال راحت از حوزه خارج می‌شود! ایشان در مجلس یازدهم یکی از شخصیت‌های معتبر در نظام قانونگذاری ایران خواهد بود.

در رویداد دوم، تعداد ۴۰ نفر از نمایندگان دوره دهم به علت آنکه «مجلس در رأس امور نیست»، از شرکت در انتخابات دور بعد انصراف دادند و با تشکیل فراکسیون منصرفین، اعلام کردند که تلاش می‌کنند تا در روزهای باقیمانده

کلیات موضوع

در ابتدای این نشست، سردبیر مجله توسعه به عنوان مقدمه به سه رویداد جالب توجه و معنی‌دار مرتبط با آغاز بکار مجلس یازدهم اشاره کرد و گفت: در رویداد اول، یکی از داوطلبان نمایندگی دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی که سوابقی هم در امور نظامی، انتظامی و مدیریت شهری دارد، وارد یکی از حوزه‌های ثبت نام می‌شود و بدون اعتنا به صف داوطلبان و بدون رعایت



دکتر مهدی مختاری: مجلس محل تجلی اصل حاکمیت ملی است و اگر حکومت و قانون اساسی بر این پایه استوار نباشند، طبیعتاً مجلس نمی تواند محل تجلی اراده ملی باشد.

مرتبه حاکمیت بود و پس از او، پادشاهان و دوک‌ها و... قرار داشتند. در قرون وسطا، پاپ می‌گفت که حکومت متعلق به خداست و خدا هم از طریق کتاب مقدس بر ما حکومت می‌کند و کتاب مقدس را هم من می‌فهمم! جالب‌تر اینکه روحانیان مسیحی حتی اجازه ترجمه انجیل را نمی‌دادند تا مردم به محتوای آن پی نبرند، چون ممکن بود به حقایقی دست یابند که به نفع روحانیان حاکم نباشد، چنانچه همین حالا هم پاپ به زبان لاتین با مردم صحبت می‌کند! این وضع ادامه داشت تا آنکه «مارتین لوتر» کشیش متجدد آلمانی، در اوایل قرن شانزدهم میلادی برای اولین بار انجیل را به زبان آلمانی ترجمه کرد.

دکتر مختاری در ادامه سخنانش، رنسانس و آغاز عصر روشنگری را پایان‌بخش حکومت مسیحیت بر جوامع ذکر کرد و گفت: ریشه تحولات مهم اجتماعی و فکری قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی، به قرون ۱۵ و ۱۶ برمی‌گردد، یعنی اول رنسانس اتفاق افتاد و بعد به تبع آن، عصر روشنگری آغاز شد و پس از آن، انقلاب صنعتی روی داد. بنابراین، قرون ۱۷ و ۱۸، نقطه اوج عصر روشنگری بودند و فلاسفه و متفکران بزرگ آن دوره مثل «کانت»، «روسو»، «مونتسکیو»،

دیگری به پیش می‌روند؟

آقای دانایی سپس از دکتر مهدی مختاری خواست تا کلیاتی را در زمینه فلسفه قانون و قانونگذاری و اهمیت آن و نیز در مورد جایگاه قانون در جوامع مدنی، نقش نهادهای قانونگذاری در احقاق حقوق مردم، نقش قانون در تنظیم روابط مردم با یکدیگر و در رابطه مردم با حاکمیت بیان کند و نهایتاً هم توضیح دهد که مطابق قانون اساسی، نظام قانونگذاری ایران باید واجد چه ویژگی‌هایی باشد؟

مبانی نظری نظام قانونگذاری

دکتر مهدی مختاری، مدرس حقوق دانشگاه تهران، ضمن بیان مبانی نظری نظام قانونگذاری گفت: مجلس و قانونگذاری، مهمترین محمل تجلی دموکراسی و مردم‌سالاری است. البته مجلس تشریفاتی و مشورتی هم وجود دارند، ولی وجود مجلس قانونگذاری و پارلمان، به معنای آن است که اراده مردم، منشأ ایجاد قوانین و انتخاب حاکمان است. لذا در نظام‌های دموکراتیک، پارلمان منشأ تجلی و تبلور اراده یک ملت و تعیین‌کننده دواصل مهم در حکومت‌داری است، یعنی چه چیزی حکومت می‌کند و چه کسی حکومت می‌کند.

این استاد دانشگاه سپس ضمن مروری بر تاریخچه پیدایش مجالس قانونگذاری در جهان گفت: سابقه پیدایش مجالس قانونگذاری، به دولت-شهر آتن (یونان کنونی) در ۲۵۰۰ سال قبل بازمی‌گردد. لذا گفته می‌شود که آتن خاستگاه دموکراسی است، یعنی در آن زمان مردم آتن در میدان اصلی شهر به نام «آگورا»، جمع می‌شدند و با رأی خودشان، حاکمان را تعیین و قوانین را تصویب می‌کردند. چنانکه حاکمان بزرگ یونان مانند «پریکلس» هم به همین ترتیب انتخاب شدند. وی در ادامه افزود: پس از دموکراسی آتن، یک دوره فترت طولانی بوجود آمد و دوران تاریکی یا قرون وسطا پدیدار شد و در یک دوره هزارساله، اروپا تحت حاکمیت مسیحیت بود و تعالیم مسیحیت به عنوان قانون در جوامع اروپایی جاری و حاکم شد و پاپ هم طبیعتاً بالاترین

یافته بودند، در طول دوره چهارساله نمایندگی، صلاحیت خود را از دست داده‌اند!

سردبیر مجله توسعه در ادامه افزود: حال می‌خواهیم ببینیم که مجلسی با این اوصاف، واقعاً در رأس امور هست؟ و آیا مجلسی در این تراز و با این کیفیات مقدماتی، اصولاً می‌تواند در رأس امور باشد و نقش کلاسیک و ذاتی خودش را به عنوان نظام قانونگذاری کشور ایفا کند، یا خیر؟ همچنین آیا مجالس گذشته، مخصوصاً مجلس دهم، در ایفای نقش خویش موفق بوده‌اند یا نبوده‌اند و چه عواملی بر این وضع اثر گذاشته‌اند؟ آیا اعضای مجلس خودشان در ایجاد این وضعیت مؤثر و مقصر بوده‌اند، یا عوامل و نهادهای دیگری باعث این وضعیت شده‌اند؟ آیا چنین مجلسی واقعاً تعیین‌کننده سرنوشت کشور است، یا وظیفه و کارکردش تنها در حد ریل‌گذاری و ایجاد پوشش و توجیه قانونی برای تحقق اهدافی است که از سوی نهادهای دیگر تعیین و خواسته می‌شود، اهدافی که بعضاً هم در راستای منافع ملی و عمومی نیستند و در مسیر



آقای محمدحسین دانایی: رداصلاحیت، یا عدم احراز صلاحیت ۵۷ درصد از نمایندگان دوره دهم مجلس برای حضور در انتخابات دوره بعد، نشان‌دهنده آن است که در مجلس یازدهم شاهد تغییرات وسیعی از لحاظ کیفیت عامل انسانی خواهیم بود، یعنی جنس مجلس یازدهم، با جنس مجلس دهم متفاوت خواهد بود.



مهندس حسن نوری: اگر چه مجلس ادعا می‌کند که نظارت صددرصدی بر عملکرد مسوولان دارد، ولی اینطور نیست و وجود اختلاس‌های وسیع، نشاندهنده عدم نظارت صحیح مجلس است.

مجلس دهم در بُعد ایفای وظیفه نظارتی‌اش را مردود دانست و گفت: اگر چه مجلس ادعا می‌کند که نظارت صددرصدی بر عملکرد مسوولان دارد، ولی اینطور نیست و وجود اختلاس‌های وسیع، نشاندهنده عدم نظارت صحیح مجلس است. وی در ادامه افزود: به عنوان یکی از افراد جامعه پیمانکاری که با مردم و شرکت‌های پیمانکاری بسیاری ارتباط دارم، معتقدم که مردم از عملکرد مجلس دهم راضی نیستند و آن را قابل قبول نمی‌دانند و ادعای بعضی از نمایندگان فعلی هم برای جبران کم‌کاری‌های مجلس، بجا نیست، چون اینها چهار سال برای انجام کارهای لازم فرصت داشتند، ولی نتوانستند انتظارات مردم را برآورده کنند و در این مدت کوتاه باقیمانده هم نمی‌توانند تحولی ایجاد کنند.

مهندس نوری سپس دعوای جناحی و فقدان آگاهی و دانش کافی نمایندگان را عمده‌ترین علت ناکارایی مجلس دهم ذکر کرد و گفت: با وجود آنکه یکی از شروط نمایندگی مجلس، دارا بودن مدارک علمی و دانشگاهی است، ولی متأسفانه بعضی از نمایندگان مجلس، آگاهی لازم

انتخابات است. لذا در جوامع دموکراتیک، وظیفه احزاب و مردم، مشارکت جدی، آگاهانه و مسوولانه در انتخابات است.

دکتر مختاری در فراز دیگری از سخنانش اظهار داشت که مهمترین ویژگی یک نظام انتخاباتی سالم که حتی کشورهای دموکراتیک به اعتراف خودشان هنوز به آن نرسیده‌اند، ولی در مسیر تحقق آن تلاش می‌کنند، اصل یک نفر-یک رأی است، یعنی در حالت آرمانی، تمام مردم یک جامعه باید بتوانند هم انتخاب کنند و هم انتخاب بشوند. وی سپس در مورد نظام انتخاباتی ایران گفت: در ایران همه می‌توانند انتخاب کنند، ولی همه نمی‌توانند انتخاب شوند. به عبارت دیگر، در قانون انتخابات ایران، لیست بلندبالایی از محدودیت‌ها برای انتخاب‌شوندگان وجود دارد و پس از آن، سازوکار محدودیت بعدی، یعنی شورای نگهبان را داریم که حتی نمایندگان فعلی مجلس را هم رد صلاحیت می‌کند، یا صلاحیتشان را احراز نمی‌کند! حال آنکه دموکراسی به شکل آرمانی باید زمینه‌ای را فراهم کند تا آحاد مردم بتوانند هم به عنوان انتخاب‌کننده و هم به عنوان انتخاب‌شونده در انتخابات شرکت داشته باشند.

پس از اظهارات دکتر مختاری در خصوص مبانی نظام قانونگذاری و مروری بر تاریخچه پیدایش پارلمان در جهان، آقای دانایی از حاضران خواست که از منظر فعالان اقتصادی بخش خصوصی نظریاتشان را در مورد عملکرد مجلس دهم بیان کنند.

بخش اول

ارزیابی عملکرد مجلس دهم

مردم از عملکرد مجلس دهم راضی نیستند

مهندس حسن نوری، دبیرکل انجمن شرکت‌های ساختمانی، تأسیساتی و راهسازی استان اصفهان و رییس اسبق هیأت مدیره کانون سراسری پیمانکاران عمرانی ایران، کارنامه

«اسپینوزا» و دائرةالمعارف‌نویسان فرانسه مثل «دالامبر» و «دیدرو» تفکرات و باورهای قرون وسطا را زیرورو کردند، یعنی چنان تحولاتی در آنها بوجود آوردند که از آن زمان به بعد، دنیا هم متحول شد. مهمترین تغییری که در این رابطه اتفاق افتاد، جان‌نشین کردن انسان به جای خدا بود، یعنی در عصر روشنگری، هر آنچه به خدا نسبت داده می‌شد، به انسان نسبت داده شد و بر این اساس، انسان منشأ قانونگذاری و مقام تعیین‌کننده حاکمان شد و نتیجه عملی آن هم ظهور پدیده «دموکراسی» بود. به عبارت دیگر، در اثر این تحول، خدا از عرصه عمومی کنار رفت و انسان، به عنوان منبع مشروعیت شناخته شد، به این معنا که اگر اکثریت جامعه با رأی خود قانونی را بپذیرد و تصویب کند، یا اینکه در یک فرایند صحیح، حاکمی را تعیین و نصب کنند، تنها آن قانون و آن حاکم مشروعیت دارند و لاغیر. به صورت خلاصه، اصل و اساس دموکراسی این است که انسان منشأ حاکمیت است و مشروعیت هر حکومتی از مردم آن جامعه نشأت می‌گیرد.

این استاد دانشگاه سپس ایجاد مفهوم حقوق و آزادی‌های بنیادین را یکی دیگر از محصولات مهم عصر روشنگری ذکر کرد و گفت: در عصر روشنگری که دوره اومانیسم یا اصالت انسان است و انسان جان‌نشین خدا شده، حقوق انسان در رأس امور قرار گرفت و بزرگترین متفکر این دوره هم «کانت»، فیلسوف آلمانی بود که جایگاه انسان را چنان بالا برد که به جایگاه خدا پهلو می‌زد. وی در ادامه تصریح کرد: البته بسیاری از متفکران و فلاسفه دیگر هم معتقدند که حق تعیین سرنوشت سیاسی، جزو حقوق و آزادی‌های بنیادین انسان‌هاست. حال این پرسش مطرح می‌شود که اگر حق تعیین سرنوشت سیاسی را به عنوان یکی از حقوق و آزادی‌های بنیادین انسان‌ها قبول کنیم، چگونه باید این حق را در جامعه محقق و اجرا کرد؟ تجارب تاریخی متعدد نشان داده‌اند که در جوامع دموکراتیک، تحقق این حق و جابجایی قدرت به روش مسالمت‌آمیز انجام می‌شود و تنها کانال آن هم برگزاری

نمایندگان مجلس زبان گویای مردم نیستند

مهندس مرتضی زمانی، عضو مجمع پیشکسوتان سندیکا نیز با انتقاد از شیوه رد یا عدم احراز صلاحیت گسترده داوطلبان انتخابات مجلس گفت: در خیلی از کشورهای دنیا، هیچ محدودیتی برای داوطلبان نمایندگی انتخابات نیست و همه افراد حق دارند که نامزد انتخابات بشوند و انتخاب کنندگان تصمیم می‌گیرند که به چه کسی رأی بدهند، اما در عین حال، برای جلوگیری از انتخاب افراد نامناسب، کسانی که سابقه محکومیت کیفری داشته باشند، حق رأی‌دادن ندارند. وی سپس افزود: اگر داوطلبان نمایندگی بدون محدودیت حق انتخاب شدن داشته باشند، آنوقت جامعه می‌تواند کسانی را به نمایندگی انتخاب کند که زبان گویای مردم باشند، ولی اگر چنین افرادی رد صلاحیت بشوند، یا صلاحیتشان احراز نشود، ناگزیر افراد غیرموثر به مجلس راه پیدا می‌کنند.

مهندس زمانی همچنین تصریح کرد که کاندیدای نمایندگی مجلس باید زبان گویای حوزه انتخابیه خودش باشد و جرأت حرف‌زدن و فکر کردن داشته باشد و اگر شرایط طوری نباشد که نماینده بتواند حرفش را بزند، نمی‌توان از



مهندس مرتضی زمانی: اگر نماینده مردم در مجلس نتواند حرفش را بزند، نمی‌توان از آن مجلس انتظار اثربخشی داشت.



مهندس احمد خرم: متأسفانه نمایندگان مجلس با دانش روز آشنایی ندارند و اکثراً فاقد تجربه اجرایی هستند و در نتیجه، عملکرد مجلس کم‌محتوا می‌شود و نمی‌تواند حلال مشکلات مردم باشد.

بالتر چه می‌گویند. روابطشان با مردم هم یک رابطه ظاهری و صوری و در حد یک سلام و علیک و یک گفتگوی سرپایی است و در نتیجه، مردم فرصت پیدا نمی‌کنند که مسایل و مشکلات ریشه‌ای و عمیق خودشان را با نمایندگانشان در میان بگذارند. اینها مسایلی است که تمام مجالس ما-از مجلس اول تا الآن- روز به روز تهی‌تر و عملکرد آنها را سطحی‌تر کرده‌است و در نتیجه، به جای آنکه قوانین ما ساده‌تر، موجزتر و در عین حال، عمیق‌تر و قوی‌تر شده باشند، طولانی‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند و سردرگمی مردم را بیشتر کرده‌اند.

مهندس خرم همچنین نبود معیارهای مناسب برای تشخیص یا احراز صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس را از دیگر علل ناکارآمدی ادوار مختلف مجلس ذکر کرد و در ادامه گفت: وقتی که رد صلاحیت به عدم احراز صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی به طور فله‌ای صورت می‌گیرد و افراد باسواد، به علت خط و ربط و مواضع سیاسی‌شان از شرکت در انتخابات محروم می‌شوند، نمی‌توان انتظار نتایج بهتری از عملکرد مجلس داشت.

و کافی از مسایل کشور ندارند و حتی بعضی از آنها املای صحیح کلمات را هم نمی‌دانند که باعث تأسف است!

در این بخش از میزگرد، آقای دانایی با اشاره به دیدگاه مهندس نوری در خصوص دلایل ناکارآمدی مجلس دهم، اظهار داشت که قطعاً یکی از عوامل کاهش سطح کارآمدی مجلس دهم، پایین بودن سطح دانش، بینش، تخصص، مسوولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی نمایندگان است. وی سپس خاطرنشان ساخت که رد صلاحیت، یا عدم احراز صلاحیت ۵۷ درصد از نمایندگان دوره دهم مجلس برای حضور در انتخابات دوره بعد هم نشان‌دهنده این واقعیت است که در مجلس یازدهم شاهد تغییرات وسیعی از لحاظ کیفیت عامل انسانی خواهیم بود، یعنی جنس مجلس یازدهم، با جنس مجلس دهم متفاوت خواهد بود، ولی معلوم نیست که آیا این تفاوت به نفع عامه مردم است، یا به ضرر آنها؟ و آیا تغییر گسترده افراد می‌تواند باعث تغییر ساختار و هویت قوه مقننه هم بشود یا خیر؟

علل عمده ناکارآمدی ادوار مجلس شورای اسلامی

مهندس احمد خرم، رییس سازمان نظام مهندسی کشور نیز در این هنگام وارد بحث شد و در این رابطه اظهار داشت که مجلس جای اندیشیدن و تصمیم‌گیری است و نمایندگان مجلس باید به دانش روز مجهز باشند، اما متأسفانه، نمایندگان مجلس با دانش روز آشنایی ندارند و اکثراً فاقد تجربه اجرایی هم هستند و در نتیجه، عملکرد مجلس کم‌محتوا می‌شود و حلال مشکلات مردم نیست.

وی سپس ضمن بررسی علل ناکارآمدی ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی گفت: یکی از عواملی که باعث کارآمدی مجلس و عملکرد مثبت آن می‌شود، علاوه بر به‌روز اندیشیدن، داشتن شجاعت در ابراز نظر است، در حالی که اکثر نمایندگان مجلس شجاعت لازم را ندارند و نگاهشان به این است که صاحبان موقعیت‌های

مجلس انتظار اثربخشی داشت.

وی در بخش دیگری از سخنانش عدم اجرای برخی از مصوبات مجلس را یکی دیگر از علل ضعف مجلس ذکر کرد و گفت: بسیاری از قوانینی که از تصویب مجلس می‌گذرند، در سایر بخش‌های حکومت غیرقابل اجرا می‌شوند، مانند قانون تحقیق و تفحص که جلوی اجرای آن در صدا و سیما، شهرداری، زندان‌ها و برخی نهادهای دیگر گرفته شد، یا اینکه مطابق قانون مصوب مجلس، وزارت ارشاد تحت ضوابطی باید مجوز فعالیت هنری صادر کند، ولی بعضی از مسوولان این وزارتخانه در بعضی از شهرها مجوز برگزاری کنسرت و برنامه‌های هنری نمی‌دهند. در چنین شرایطی، طبیعتاً مجلس قدرت کافی ندارد و نمی‌تواند کارآمد و جوابگوی توقعات مردم باشد.

وجود بستر دموکراتیک ضروری است

مهندس علی میرزایی، عضو هیأت تحریریه مجله توسعه نیز در ادامه انتقادات قبلی، وارد بحث شد و وجود مجلس کارآمد در غیاب بستر دموکراتیک در جامعه را ناشدنی دانست و گفت: وجود بستر دموکراتیک در جامعه، لازمه انتخابات مجلس و یا ریاست جمهوری است. وی ادامه داد: به نظر من، لازمه انتخابات صحیح و داشتن مجلس کارآمد، وجود دموکراسی است و در جامعه فاقد بستر دموکراتیک و تحت حاکمیت ایدئولوژیک، فقط صورتی از نهادهای دموکراتیک، مانند مجلس شکل می‌گیرند. به عبارت دیگر، در جامعه تحت حاکمیت ایدئولوژیک، اصولاً نباید مجلسی وجود داشته باشد، چون در این نوع از حکومت‌ها، مجلس و یا رییس جمهور، مانند هنرپیشه‌ها فقط نقشی را که کارگردان، یعنی حاکمیت تعیین کرده، بازی می‌کنند و فقط مجری دستورات حاکمیتی هستند و میزان کارایی و اثربخشی آنها هم در همین حد است. بر همین اساس، از نظر شورای نگهبان، سواد و تخصص و توانایی افراد، ملاک تأیید صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس نیست، بلکه شرط مهم، داشتن التزام عملی به موازین مورد نظر شورای نگهبان است.



مهندس علی میرزایی: به نظر می‌رسد که در جامعه ایدئولوژیک ما، بحث مجلس و انتخابات آزاد، موضوعیت ندارد و فقط هزینه‌های گزافی را به کشور تحمیل می‌کند.

لذا مجلسی که بر این اساس تشکیل می‌شود، اصلاً قرار نیست کارایی و توان حل مشکلات مردم را داشته باشد و به همین علت هم تمام مجالس پس از انقلاب (به جز دوره اول که به علت شرایط سیاسی آن زمان، تا حدی مستقل بود) عملکرد مثبتی نداشته‌اند و مجلس جدید هم بسیار ناتوان‌تر از مجلس دهم خواهد بود.

وی در ادامه افزود: بنابراین، به نظر می‌رسد که در جامعه ایدئولوژیک ما، بحث مجلس و انتخابات آزاد، موضوعیت ندارد و فقط هزینه‌های گزافی را به کشور تحمیل می‌کند و به جرأت می‌توانم بگویم که اگر به جای تشکیل مجلس دهم، یک گروه پنج-شش نفری به قانونگذاری می‌پرداخت، شاید کارایی بیشتر و هزینه‌های کمتری برای کشور داشت.

مجلس تا به حال حتی یک قدم برای پیمانکاران برنداشته

مهندس حسن نوری در این بخش از میزگرد ضمن اظهار نظر دیگری متذکر شد که بعضاً قوانین خوبی در مملکت وجود دارند، ولی مجریان خوب نیستند و همین موضوع منشأ بسیاری از مشکلات است. وی سپس گفت:

در زمان تأسیس کانون سراسری پیمانکاران عمرانی کشور در سال ۱۳۷۸، مسایل و مشکلات پیمانکاران کشور طی نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی ارسال شد، ولی تا امروز هیچیک از آن مشکلات در مجلس مطرح نشده‌اند و اقدامی هم برای رفع آنها صورت نگرفته‌است. به عبارت دیگر، مجلس تا به حال حتی یک قدم برای سیستم پیمانکاری کشور که مسایل و مشکلاتش روز به روز بیشتر می‌شود، برنداشته‌است.

مهندس نوری در بخش دیگری از سخنانش با انتقاد از جفای مسوولان کشور به پیمانکاران گفت: حدود ۵۰ هزار شرکت ساختمانی، تأسیساتی و راهسازی در ایران وجود دارند که بار آبادانی کشور بر دوش آنهاست و تمام پروژه‌هایی که توسط وزرا، وکلا و سایر مقامات کشور افتتاح می‌شوند، توسط همین پیمانکاران اجرا شده‌اند، ولی خود آنها را حتی به مراسم افتتاحیه پروژه‌ها دعوت نمی‌کنند!

دبیرکل انجمن شرکت‌های ساختمانی، تأسیساتی و راهسازی استان اصفهان همچنین گفت: پیمانکاران، مشکلات بسیاری در زمینه مطالبات معوق‌شان از دولت، بیمه، مالیات و غیره دارند، ولی نه رؤسای دستگاه‌های اجرایی و نه مجلس، هیچکدام گوششان به این حرف‌ها بدهکار نیست. نتیجه هم آن شده که تعداد زیادی از پیمانکاران قدر از حرفه خود کناره‌گیری کرده‌اند و عده‌ای از آنها هم که کار گرفته‌اند، چون نتوانسته‌اند مطالباتشان را از دولت دریافت کنند، ورشکست شده‌اند و در نتیجه، بعضی در زندان‌اند و عده‌ای هم خانه‌نشین شده‌اند!

در این مقطع از میزگرد مهندس علی میرزایی وارد بحث شد و در مورد علت عدم دعوت از پیمانکاران به مراسم افتتاحیه پروژه‌ها توضیح جالبی داد. وی در این رابطه گفت: در مراسم افتتاحیه فازهای ۱۵ و ۱۶ عسلویه که توسط قرارگاه خاتم‌الانبیا اجرا شد، بالاچار حضور داشتم و به چشم خود دیدم که علمک‌های پروژه، با کپسول‌های گاز مورد استفاده در ساندویچ‌فروشی‌ها روشن شده بودند! پس از آن هم



در نامه‌ای به قرارگاه خاتم‌الانبیا نوشتیم و توضیح دادم که قرار بود فازهای ۱۵ و ۱۶ عسلویه پس از اتمام عملیات اجرایی، ۲۴ محصول متفاوت تولید کنند، ولی فقط یک محصول تولید می‌کنند، آنهم با ۴۰ درصد ظرفیت. بنابراین، اگر پیمانکاران را به مراسم افتتاحیه پروژه‌ها دعوت کنند، بسیاری از واقعیات را می‌بینند و به دیگران هم می‌گویند و به همین علت است که نباید پیمانکاران در مراسم افتتاحیه پروژه‌ها حضور داشته باشند!

راهکار کارآمد ساختن مجلس چیست؟

در ادامه این میزگرد، سردبیر مجله توسعه ضمن جمع‌بندی اظهارات حاضران در این بخش از میزگرد گفت: از فحوای سخنان حاضران استنباط شد که عملکرد مجلس دهم از جهات متعدد منفی بوده و همانطور که آقای مهندس نوری، در یک جمله به درستی فرمودند، این مجلس حتی یک قدم هم برای حل مشکلات پیمانکاران برنداشته است. بنابراین، هم ضعف علمی و شخصیتی نمایندگان، هم عدم استقلال مجلس، هم مداخله عوامل و نهادهای بیرونی و هم مقاومت سایر نهادها، به عنوان عوامل ناکارآمدی و شکست مجلس مطرح شدند، یعنی مجموعه عوامل و موانعی که نمی‌گذارند دستاوردهای احتمالی مجلس قابلیت اجرایی داشته باشند. وی افزود: بدون تردید، این وضع نشاندهنده ضعف مجلس است، چون اولاً در امر قانونگذاری موانع را در نظر نمی‌گیرد و ثانیاً نمی‌تواند به وظایف نظارتی خود به طور صحیح و کامل عمل کند.

وی سپس از دکتر مختاری سؤال کرد: نظر قانون، به ویژه قانون اساسی، نسبت به این متغیرها که مانع عملکرد صحیح مجلس می‌شوند، چیست؟ آیا در قانون اساسی هم همینقدر مشکل و مانع بر سر راه قانونگذاری مجلس وجود دارد یا خیر؟ همینطور خواهش می‌کنم بفرمایید که از منظر حقوقی چه راه حلی را می‌توان برای رفع این موانع و بالابردن قدرت و کارایی و اثربخشی مجلس پیدا کرد؟

تمام پروژه‌هایی که توسط وزرا، وکلا و سایر مقامات کشور افتتاح می‌شوند، توسط همین پیمانکاران اجرا شده‌اند، ولی خود آنها را حتی به مراسم افتتاحیه پروژه‌ها دعوت نمی‌کنند!

ایرادات ناکارآمدی نهاد پارلمان در ایران

دکتر مهدی مختاری، ضمن بررسی تحلیلی موانع کارآمدی نهاد مجلس در ایران گفت: به نظر می‌رسد که در مجموع، دو دسته ایراد در عملکرد مجلس وجود دارند: دسته اول، ایرادات فنی هستند، مانند کم‌سواد بودن برخی از نمایندگان و یا تعارض منافع قانونگذاری و یا تعارض قوانین و نقص قوانین. دسته دوم، ایرادات نظری و پایه‌ای هستند که موجب ناکارآمدی مجلس می‌شوند. بنابراین، ابتدا به تشریح ایرادات نظری در عملکرد مجلس می‌پردازم.

این استاد دانشگاه سپس تصریح کرد که مجلس قانونگذاری، محل تجلی اصل حاکمیت ملی است و اگر حکومت و قانون اساسی بر این پایه استوار نباشند، طبیعتاً مجلس نمی‌تواند محل تجلی اراده ملی باشد. وی در ادامه گفت: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۵۸ که در سال ۶۸ مورد بازنگری قرار گرفت، مبتنی بر اعتقاد به حاکمیت الهی با ظاهر حاکمیت مردمی است و اگرچه از مردم‌سالاری دینی

گفتگو می‌شود، ولی از روز اول برای اهل فن مشخص بود که قانون اساسی کشور ما مبتنی بر نظریه حاکمیت در فقه شیعه، به نام نظریه «ولایت فقیه» است. در بازنگری سال ۶۸ قانون اساسی هم شرط مرجعیت ولی فقیه حذف شد و «ولایت فقیه» به «ولایت مطلقه فقیه» تغییر یافت و در اصل ۱۷۷ هم تصریح شد که: «...

ولایت امر و امامت امت تغییرناپذیر است.»

دکتر مختاری سپس ضمن توضیح بیشتر در خصوص ارتباط ماهیت حکومت ایران با ناکارآمدی نهادهای انتخابی در کشور گفت: در قانون اساسی ایران، منشأ مشروعیت حاکمیت، الهی است، بر عکس آنچه که در عصر روشنگری اتفاق افتاد، یعنی در اینجا حاکم، با یک واسطه توسط خدا تعیین می‌شود، یعنی بعد از پیامبر(ص)، امامان(ع) هستند و بعد نواب اربعه که نایب خاص بودند و پس از آن هم نایب عام است که در تئوری ولایت فقیه، فقهای شیعه می‌باشند که ولایت امر را بر عهده دارند. به علاوه، قوانین حکومت هم قوانین الهی است و منابع اصلی قانونگذاری هم منابع فقه شیعه، یعنی قرآن، سنت پیامبر(ص) و ائمه(ع) است. لذا مجلس تنها در دو موضع حق قانونگذاری دارد: اول آنکه شرع در مورد آن موضوع حکم خاصی نداشته باشد که اصطلاحاً به آن «مَنْطَقَةُ الْفِرَاقِ» می‌گویند، یعنی مجلس فقط در «مَنْطَقَةُ الْفِرَاقِ» می‌تواند قانونگذاری کند و قوانین این حوزه هم

نباید مغایر شرع باشند. این موضوع در اصل ۴ قانون اساسی تصریح شده و مرجع نظارت بر آن هم شورای نگهبان است که باید مصوبات مجلس شورای اسلامی را از نظر مطابقت با موازین شرع کنترل کند.

دکتر مختاری همچنین گفت: بنابراین، از لحاظ نظری، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یک قانون اساسی تئوکراتیک است، یعنی مبتنی بر حاکمیت الهی است، نه حاکمیت مردم و صحبت از مردمسالاری دینی در صدا و سیما هم در حقیقت، نوعی مردم‌داری است، نه مردمسالاری، یعنی در واقع، حکومت به ظاهر به نظر مردم احترام می‌گذارد و انتخابات را برگزار می‌کند، در حالی که در مردمسالاری واقعی، اساس حاکمیت و قوانین، ناشی از اراده مردم است، اما در سیستم جمهوری اسلامی، انسان‌ها بنده خدا هستند و نمایندگان خدا که قوانین الهی را

می‌دانند، بر روی زمین اداره امور را عملاً بر عهده دارند. به همین دلیل است که انتظارات مردم برای حل مشکلاتشان از عهده مجلس شورای اسلامی بر نمی‌آید، یعنی از نظر مبانی، اصولاً قرار نیست که چنین مجلسی حلال مشکلات مردم باشد.

مدرس حقوق دانشگاه تهران سپس به تشریح ابعاد فنی ناکارآمدی مجلس شورای اسلامی پرداخت و گفت: قانون اساسی و قوانین انتخاباتی ما از نظر فنی هم مشکلات زیادی دارند. یکی از این مشکلات، تعدد مراجع قانونی است. وقتی که در یک حکومت با تعدد مراجع قانونگذاری مواجهید، عملاً مجلس ناکارآمد می‌شود. در کشور ما مراجع هم‌عرض و موازی متعددی وجود دارند، مانند شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام که هم‌عرض و حتی گاهی اوقات بالاتر از مجلس نشسته‌اند و علناً قانونگذاری می‌کنند، مثلاً شورای امنیت ملی، عملی را که در قوانین کشور جرم شناخته نشده، به عنوان جرم اعلام می‌کند و مرتکبان را هم زندانی می‌کنند.

دکتر مختاری «حکم حکومتی» را هم یکی دیگر از ایرادات فنی و علل ناکارآمدی مجلس ذکر کرد و گفت: در قانون اساسی، برای ولی فقیه صلاحیت قانونگذاری در نظر گرفته نشده، ولی عده‌ای کارهای شبیه قانونگذاری

با توجه به اینکه کمیسیون تلفیق، یکی از مراکز جدی معاملات پشت پرده است، می‌توانیم بررسی کنیم که چرا جلسات کمیسیون تلفیق، آزاد و شفاف و باز نیست؟ و چرا خبرنگاران اجازه حضور در آن را ندارند؟ و چرا گزارش جلسات این کمیسیون از تلویزیون پخش نمی‌شود؟

ولی فقیه را تئوریزه کرده‌اند و اسمش را «حکم حکومتی» گذاشته‌اند، یعنی با استناد به «احکام سلطانی» که در دوران خلافت تسنن وجود داشته، برای ولی فقیه حق صدور «حکم حکومتی» قایل شده‌اند که خلاف قانون اساسی است. این عده می‌گویند که ما به حکومت اسلامی معتقدیم و در حکومت اسلامی، ولی فقیه نماینده امام زمان است و جایگاه مجلس قانونگذاری به هیچ وجه قابل مقایسه با جایگاه نماینده امام زمان نیست. برخی از مدافعان تئوری ولایت فقیه و حکم حکومتی نیز صریحاً می‌گویند که ولی فقیه متعلق به حکومت اسلامی است، نه جمهوری اسلامی و در حکومت اسلامی، جمهور مردم و حق نمایندگان آنها در قانونگذاری جایی ندارد. وی سپس گفت: ایراد فنی مهم دیگر، فرمول انتخاباتی در ایران است که با کمی تغییر، از صدر مشروطیت تا کنون مورد استفاده قرار گرفته‌است. این فرمول به صورتی غیردموکراتیک، به احزاب اجازه ظهور نمی‌دهد و چون احزاب سیاسی جدی در کشور وجود ندارند، لذا همواره با کاندیداهای منفرد و مستقل روبرو هستیم، در حالی که در نظام‌های دموکراتیک، کاندیداهای منفرد و مستقل از طریق ارتباط چهره به چهره با مردم رأی می‌گیرند و احزاب هم کاندیداهای خود را معرفی می‌کنند و به علاوه، کاندیداها موظفند که نظریات و اهداف حزب خود را

تعداد زیادی از پیمانکاران قدر از حرفه خود کناره‌گیری کرده‌اند و عده‌ای از آنها بی هم که کار گرفته‌اند، چون نتوانسته‌اند مطالباتشان را از دولت دریافت کنند، ورشکسته شده‌اند و در نتیجه، بعضی در زندان‌اند و عده‌ای هم خانه‌نشین شده‌اند!



در مجلس دنبال کنند، نه اهداف و نظریات شخصی خودشان را.

جمع بین دموکراسی با تئوکراسی

در این بخش از میزگرد، مهندس میرزایی از دکتر مختاری سوال کرد که آیا میان یک تئوکراسی، یا حکومت ایدئولوژیک- اعم از دینی و غیردینی- و دموکراسی می‌تواند تعاملی وجود داشته باشد و مشخصاً در ایران چنین تعاملی جایگاهی دارد یا خیر؟

دکتر مختاری در پاسخ به این سؤال گفت: من سعی می‌کنم که به این سؤال به طور کلی جواب بدهم. اولاً باید ببینیم که از تعامل کدام ایدئولوژی با دموکراسی صحبت می‌کنیم. تئوکراسی یا حکومت الهی، هیچ سازگاری‌ای با دموکراسی ندارد و همانطور که گفتیم، در عصر روشنگری، حکومت مردم، جایگزین حکومت الهی شد. در واقع، حاکمیت یا باید متعلق به خدا باشد یا مردم. این دو رقیب یکدیگرند. البته سایر ایدئولوژی‌ها تا حدودی با دموکراسی قابل جمعند، چون دموکراسی هم در واقع، یک نوع ایدئولوژی است. البته برخی هم معتقدند که دموکراسی، قالب است و محتوا نیست، ولی این حرف قدری اغراق‌آمیز است، چون دموکراسی نوعی محتواست، یعنی کسانی هم هستند که برای دموکراسی می‌جنگند، همچنان که بعضی برای کمونیسم که یک ایدئولوژی است، می‌جنگیدند. ضمناً بعضی از ایدئولوژی‌ها، لاقلاً مشکلات فنی ندارند. به عنوان مثال، کمونیسم، ابعاد فنی دموکراسی، مانند برابری زن و مرد را کاملاً قبول داشت، به طوری که حتی در دموکراسی‌های غربی هم میزان برابری زن و مرد در حد اتحاد جماهیر شوروی نبود. همچنین درجه بالایی از شایسته‌سالاری در اتحاد جماهیر شوروی پذیرفته بود. وی سپس اضافه کرد: در اتحاد جماهیر شوروی، تصمیمات کادرهای بالای حزب، بسیار تعیین‌کننده بود، ولی کارنامه این حکومت نشان می‌دهد که از جهت علمی، فنی و رشد دانش، در یک دوره زمانی برابر با

عمر جمهوری اسلامی، از یک کشور کشاورزی صرف، به یکی از دو ابرقدرت اقتصادی و علمی دنیا تبدیل شد. بنابراین، انواع ایدئولوژی‌ها در دنیا وجود دارند که تا حدودی و حداقل از جهات فنی می‌توانند با دموکراسی تعامل و همراهی کنند.

دکتر مختاری در بخش دیگری از سخنانش از دولت‌های توسعه‌گرای شرق آسیا، مانند مالزی، کره جنوبی، سنگاپور و چین نام برد که اگرچه در مقایسه با استانداردهای جهانی، به حقوق و آزادی‌های بنیادین و دموکراسی اعتقاد چندانی ندارند، ولی به دلیل توجه به جنبه‌های فنی دموکراسی، دارای کارنامه اقتصادی- فنی نسبتاً خوبی هستند. وی در ادامه افزود: به عنوان نمونه، کره جنوبی و سنگاپور، برای آنکه دارای مجلس کارآمدی باشند و تا حد زیادی آرای طبقات مختلف جامعه را منعکس کنند، فرمول انتخاباتی خود را تغییر دادند. بنابراین، ایدئولوژی با ایدئولوژی فرق می‌کند، اما جمع بین دموکراسی با تئوکراسی بسیار سخت است.

بخش دوم

انتظارات بخش خصوصی از مجلس یازدهم

سردبیر مجله توسعه در این مرحله از میزگرد یادآور شد که دیدگاه‌های انتقادی شرکت‌کنندگان در مورد عملکرد مجلس دهم تقریباً به اندازه کافی مطرح شده و حالا نوبت طرح انتظارات بخش خصوصی از مجلس یازدهم است. سپس از مهندس نوری خواست تا نظریاتش را در این مورد بیان کند.

بکارگیری ظرفیت‌های مجلس برای رفع مشکلات پیمانکاران

مهندس حسن نوری ضمن بیان انتظارات جامعه پیمانکاری از مجلس یازدهم گفت: ما انتظاراتی را که مجلس دهم برآورده نکرد، از مجلس یازدهم داریم و انجام آنها را پیگیری خواهیم کرد. وی در ادامه سخنانش ضمن ابراز تأسف از عدم حضور نماینده اصفهان در

این میزگرد به علت شرکت در جلسه کمیسیون تلفیق، تأکید کرد که نمایندگان مجلس باید در چنین جلساتی شرکت کنند و ارزیابی عملکرد مجلس را از زبان انتخاب‌کنندگان بشنوند.

دبیر انجمن شرکت‌های ساختمانی، تأسیساتی و راهسازی استان اصفهان سپس گفت: همانطور که می‌دانید، پیمانکاران عضو انجمن‌های پیمانکاران عمرانی استان‌ها که عضو کانون سراسری می‌باشند، به همراه کارکنانشان و مشاغل مرتبط و اعضای خانواده‌هایشان، گروه زیادی از مردم را تشکیل می‌دهند و حدود ۱۲ میلیون نفر از طریق حرفه پیمانکاری و حدود ۲۰۰ شغل وابسته به آن امرار معاش می‌کنند. بدیهی است که مشکلات صنعت پیمانکاری، بر کسب و کار آنها و سطح معیشتشان تأثیر می‌گذارد، یعنی وقتی که دولت صورت‌وضعیت پیمانکار را با تأخیر می‌پردازد و در مواردی هم پرداخت صورت‌وضعیت سال‌ها طول می‌کشد، بدیهی است که این رفتار، پیمانکاران را دچار کمبود شدید نقدینگی و مشکلات بعدی می‌کند. وی در ادامه افزود: بالاخره پس از مدت‌ها ظاهراً راه حلی برای این مشکل یافته‌اند، یعنی دولت به جای طلب بعضی از پیمانکاران، اوراق خزانه به آنها می‌دهد، اما پیمانکار که به پول نقد احتیاج دارد، مجبور است این اوراق را با نرخ تنزیل ۳۰ درصدی واگذار کند تا دستش به پول نقد برسد. مهندس نوری همچنین اظهار داشت که در حال حاضر، ۲۰ مشکل مهم و حاد در سیستم پیمانکاری کشور وجود دارد که در صورت حل‌نشدن، احتمالاً تعداد این مشکلات در سال آینده بیشتر خواهد شد. بنابراین، مسایل و مشکلاتمان را با مجلس یازدهم در میان خواهیم گذاشت و انتظار داریم که از ظرفیت مجلس برای رفع این مشکلات استفاده بشود. وی سپس افزود: باید به مجلس یازدهم امیدوار باشیم و از موقعیت خوبی که در زمان برگزاری انتخابات ایجاد می‌شود، برای مطرح کردن مسایل و مشکلات با کاندیداهای مجلس استفاده کنیم و بعدها هم درخواست‌هایمان را پیگیری نماییم.

چون مجلس اختیارات محدودی دارد، لذا نمی‌توان انتظار چندانی از آن داشت.

وی همچنین اظهار امیدواری کرد که انتظارات بحق جامعه پیمانکاری در مجلس یازدهم مورد بررسی و توجه قرار گیرد. انشاءالله.

شفافیت، انتظار بحق مردم از مجلس

آقای دانایی در ادامه بحث، یکی از انتظارات طبیعی و بحق مردم از نمایندگان را شفاف بودن موضع‌گیری‌ها و عملکردهای نمایندگان در جریان انجام وظیفه قانونگذاری و نظارت دانست و گفت: تردیدی نیست که رابطه بین مردم و نمایندگان، رابطه بین وکیل و موکل است و موکل حق دارد که همواره در جریان همه اقدامات وکیل خود قرار داشته باشد و وکیل هم موظف است که اطلاعات را به صورت شفاف با موکل یا موکلانش در میان بگذارد. بنابراین، به نظر می‌آید که انتظار شفاف و روراست بودن نمایندگان با مردم، امری کاملاً طبیعی، منطقی و قانونی است، مثلاً آقای مهندس نوری اشاره کردند که نماینده اصفهان در مجلس، به علت شرکت در جلسه کمیسیون تلفیق در این میزگرد حضور نیافته‌اند. حال با توجه به اینکه کمیسیون تلفیق، یکی از مراکز جدی معاملات پشت پرده است، می‌توانیم پرسیم که چرا جلسات کمیسیون تلفیق، آزاد و شفاف و باز نیست و چرا خبرنگاران اجازه حضور در آن را ندارند و چرا گزارش جلسات این کمیسیون از تلویزیون پخش نمی‌شود تا مشخص شود که چه دادوستدهایی در آن صورت می‌گیرد و ارقام سالانه بودجه کشور به چه ترتیب و با چه مقاصدی اختصاص داده می‌شوند؟

وی سپس از مهندس زمانی خواست که انتظاراتش از مجلس را بیان کند. مهندس زمانی نیز ضمن بیان انتظاراتش از مجلس یازدهم گفت: به نظر من، با توجه به محدودیت‌هایی که نظام سیاسی حاکم برای عملکرد مجلس ایجاد

می‌کند، باید انتظاراتمان از مجلس را محدود کنیم، یعنی چون مجلس اختیارات محدودی دارد، لذا نمی‌توان انتظار چندانی از آن داشت. البته برخی از جناح‌های مجلس آزادی عمل بیشتری دارند و طبیعتاً نیروهای همراه با خودشان را بیشتر راضی نگه می‌دارند و آنها هم از کارایی نمایندگان خودشان راضی‌ترند. این عضو مجمع پیشکسوتان سندیکا همچنین گفت: در هر حال، باید قبول کنیم که مجلس، یک ابزار پر قدرت است و حتی اگر امکان استفاده از ظرفیت‌های آن را نداشته باشیم، باید با شرکت در انتخابات، سعی کنیم که این ابزار به طور کامل در اختیار مخالفانمان قرار نگیرد.

روراست بودن، انتظار بحق مردم از کل حاکمیت است

مهندس احمد خرم نیز انتظار روراست بودن با مردم را نه تنها انتظار بحق مردم از مجلس، بلکه از کل حاکمیت دانست و گفت: حاکمیتی که واقعیات را به مردم نگوید، اعتماد مردم را از دست می‌دهد. وی در ادامه به عنوان نمونه‌ای از این امر گفت: نتایج نظرسنجی انجام شده از یک جامعه آماری ۱۷ هزار نفری در سال ۱۳۹۸، سه آیتم مهم داشت که نشان می‌دهد در ۴۰ سال اخیر چه فاجعه‌ای در کشور رخ داده است. آیتم اول، میزان اعتماد مردم به دولت و حاکمیت است که کمتر از ۱۵ درصد بوده. آیتم دوم، میزان اعتماد مردم به مردم است که هشت درصد بوده و بالاخره آیتم سوم، میزان اعتماد مسوولان به مردم است که متأسفانه کمتر از پنج درصد بوده است! این نتایج بسیار معنادارند و نشان می‌دهند که حرکت‌های کلی حکومت از اساس در چه مسیری بوده و چه نتایجی را به بار آورده است.

رئیس سازمان نظام مهندسی همچنین متذکر شد: نتیجه اقدامات ۴۰ سال گذشته حاکمیت، همین سطح نازل اعتماد مردم به حاکمیت و وضعیت فعلی اقتصاد و ناهنجاری‌های اجتماعی و مسایل فرهنگی و سیاست‌های داخلی است

که حتی انتقاد چند جوان را نمی‌تواند تحمل کند و در عرصه بین‌المللی هم جایگاه درخور مملکت را نداریم و در انزوای سیاسی قرار گرفته‌ایم. وی در ادامه افزود: کوتاه‌ترین جمله پیامبر اسلام (ص) در «نهج‌الفصاحه» این است: «ملاک هر کاری، نتیجه آن است»، یعنی اگر نتیجه یک حرکت منفی است، آن حرکت غلط بوده و برعکس. لذا نتایجی که امروز در دست داریم، نتایج مثبتی نیستند و تاریخ قضاوت مثبتی از عملکرد ۴۰ سال گذشته نخواهد کرد. این یک واقعیت است، هرچند که غرور و خودپسندی مانع پذیرفتن این واقعیت بشود.

مهندس خرم سپس با اشاره به عنوان نمونه‌ای از عملکردهای منجر به بی‌اعتمادی مردم، به رفتار مسوولان در ماجرای اخیر سقوط هواپیمای اوکراینی اشاره کرد و گفت: در این سانحه که دلخراش‌ترین سانحه هوانوردی بود و منجر به کشته‌شدن گروهی از نخبگان سطح بالای کشور شد، مسوولان به مدت سه روز دروغ گفتند. ابتدا رئیس سازمان هواپیمایی کشوری اعلام کرد که نقص فنی علت حادثه بوده و بعد هم بلافاصله محل حادثه را از شواهد پاکسازی کردند و از تحویل جعبه سیاه هواپیما به اوکراین و کارخانه سازنده هواپیما خودداری کردند تا آنکه سرانجام خطای انسانی در شلیک پدافند هوایی به هواپیما مسبب حادثه اعلام شد. وی سپس افزود: البته من در مصاحبه‌ام گفتم که این اتفاق نتیجه خطای مدیریتی است، نه خطای انسانی و آقای حاجی‌زاده و آقای سلامی و فرمانده کل قوا باید پاسخگو باشند. مسوولان باید بدانند که از این دروغ‌ها، ملت و همه دنیا متأثر می‌شوند و اعتمادشان را از دست می‌دهند و پس از آن، هر چقدر هم که راست بگویند، کسی باور نمی‌کند.

مهندس خرم در ادامه اظهار داشت: با توجه به عدم اعتماد مردم به دولت و حاکمیت، موقعیت ما مثل آن است که ماشینی را سواریم که بنزین تمام کرده، یعنی دیگر انگیزه حرکت وجود ندارد و ما می‌خواهیم با این ماشین با

بنیادی و جدی و عمیق هستند و مسلماً نمی‌شود از مجلسی که در این شرایط و با کیفیاتی که ذکر شد، زمام مسوولیت قانونگذاری را برعهده می‌گیرد، انتظار معجزه داشت. در واقع، با توجه به سابقه، قطعاً این مجلس هم کار عجیبی نخواهد کرد. بنابراین، باید ببینیم که در حد معقول و متناسب با این شرایط، می‌توان از این مجلس انتظار بهبود عملکرد داشت، یا نه و به طور کلی باید قطع امید کرد. وی سپس از حاضران در میزگرد سوال کرد که آیا فعالان بخش فنی و مهندسی کشور به عنوان عضوی از اعضای جامعه، برای حل مشکلات کشور احساس مسوولیت و تعهد اجتماعی می‌کنند و برنامه‌ای در این زمینه دارند یا خیر؟

مجلس و نمایندگان پاسخگوی مردم باشند

مهندس میرزایی در مورد انتظارات بخش خصوصی از مجلس یازدهم گفت: با نگاه واقع‌بینانه‌تر باید بگوییم که با توجه به مکانیزم انتخاب نمایندگان و کسانی که در مجلس حضور دارند، کار چندانی از ما ساخته نیست، چون اساساً کسی به نظریات ما توجه نمی‌کند. وی سپس افزود: اما حداقل انتظار ما این است که تک‌تک نمایندگان مجلس یازدهم پاسخگوی مردم باشند، یعنی همانطور که مردم عادی مسوول اعمال خود هستند و مثلاً عبور از چراغ قرمز - به هر دلیلی، ولو با توجیه منطقی - جریمه ۲۰۰ هزار تومانی دارد، نمایندگان مجلس هم در مقابل عملکرد خود پاسخگو باشند و هر یک از شهروندان بدون ایجاد هرگونه تضییقات، حق داشته باشند و بتوانند عملکرد نمایندگان را نقد کنند.

دکتر مختاری نیز وجود مجلس کارآمد را نیازمند اصلاح طرز فکر و ساختار حکومت دانست و گفت: اصلاح ساختار حکومت، توسط متفکران انجام نمی‌شود، بلکه در بستر تحولات اجتماعی اتفاق می‌افتد، همانطور که انقلاب کبیر فرانسه هم با حرکت مردم و تشدید

نتایجی که امروز در دست داریم، نتایج مثبتی نیستند و تاریخ قضاوت مثبتی از عملکرد ۴۰ سال گذشته نخواهد کرد. این یک واقعیت است، هرچند که غرور و خودپسندی مانع پذیرفتن این واقعیت بشود.

«شاطرعباس غازی (قاضی) اصفهانی»: دقایقی ز زمانه هنوز در پیش است - که از سراسر گذشته قیمتش بیش است.

جلوگیری از تصمیمات و برخوردهای سلیقه‌ای

رییس سازمان نظام مهندسی کشور سپس انتظارات خود از مجلس یازدهم را اینگونه خلاصه کرد: انتظار اصلی من از مجلس این است که پس از ۴۰ سال مملکت را از تصمیمات و برخوردهای سلیقه‌ای نجات بدهند. قانون برای این است که مسوولان تصمیم سلیقه‌ای نگیرند و با عوض شدن مدیران، تصمیمات تغییر نکنند. این امر مستلزم آن است که مجلس از تمام دستگاه‌های اجرایی بخواهد که در اسرع وقت Master Plan خود را تهیه کنند، زیرا فقدان Master Plan بدان معناست که هر کس در رأس هر دستگاه اجرایی قرار گیرد، فعال مایشاء است و هر کار دلش بخواهد، می‌تواند انجام می‌دهد.

مهندس خرم همچنین خواستار آن شد که مجلس دولت را موظف کند که به جای طرح‌های ۲۰ساله و ۲۵ساله، طرح آمایش سرزمین را تهیه کند، مثل آمریکا و ژاپن و چین که طرح آمایش سرزمین با افق ۱۰۰ساله دارند. استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم هم با افق صدساله تهیه شده و هر سال مورد بازنگری قرار می‌گیرد.

در این بخش از مباحث میزگرد آقای دانایی با اشاره به صحبت‌های حاضران گفت: به نظر می‌رسد که گرفتاری‌ها و مشکلات کشور خیلی

سرعت ۲۰۰ کیلومتر در اتوبان حرکت کنیم! معلوم است که با این شرایط پایمان روی گاز نمی‌رود و نگرانیم، یعنی عدم اعتماد مردم به حاکمیت، حکم تمام‌شدن بنزین ماشین را دارد. وی سپس متذکر شد که راهکار از بین بردن بی‌اعتمادی مردم آن است که مسوولان کشور تصمیم بگیرند که دیگر دروغ نگویند و این تصمیم را در عمل اثبات کنند، یعنی یک سال دروغ نگویند تا کم‌کم مردم باور کنند که آنها واقعاً متنبه شده‌اند و جدّاً تصمیم دارند که دیگر دروغ نگویند.

وزیر راه دولت اصلاحات سپس گسترش دروغ‌گویی در جامعه و بی‌اعتمادی مردم به یکدیگر را نتیجه دروغ‌گویی و عدم شفافیت مسوولان کشور دانست و گفت: متأسفانه دروغ‌گویی در جامعه ایران به یک خرده‌فرهنگ تبدیل شده، ولی با یک برنامه ساده، می‌توان آن را اصلاح کرد. برای تغییر این خرده‌فرهنگ منفی و انحرافی هم باید روشنفکران سیاسی که مدیران جامعه هستند و روشنفکران فرهنگی به عنوان نقادان و معترضان به حکومت، هم - جهت و هم‌راستا حرکت کنند و به توافق و تفاهم برسند. وی در ادامه افزود: البته من معتقدم که از ۲۰ سال قبل، اتفاقاتی در این جهت افتاده، یعنی وضعیت فرهنگی جامعه نسبت به دو دهه اول پس از انقلاب تغییر زیادی کرده و یکی از علل آن هم وجود شبکه‌های ارتباطی و سرخوردگی عمومی از وجود فرهنگ منحط و منفی در جامعه است، یعنی مشخص است که روشنفکران فرهنگی دست به کار شده‌اند و مرتباً از وضعیت موجود و بی‌اعتمادی و دروغ و دورویی مسوولان انتقاد می‌کنند. این رفتارها باعث می‌شوند که کم‌کم دو گروه روشنفکران به هم نزدیک شوند.

مهندس خرم در عین حال، ضمن ابراز امیدواری نسبت به بهبود وضعیت اعتماد در جامعه، گفت: اگر چه بسیاری از فرصت‌ها را از دست داده‌ایم و آنها را سوزانده‌ایم، ولی به قول یک شاعر و هنرمند اصفهانی به نام

تحركات اجتماعى آغاز شد، يعنى بايد سطح مطالبات جامعه بالا برود و به حكومت فشار بياورد تا تغيير و اصلاح ساختار صورت بگيرد.

قصور بخش خصوصى

مهندس خرم نيز در مورد تعهد و مسووليت اجتماعى بخش خصوصى و مشاركت اين بخش در کاهش مشكلات کشور گفت: اگرچه مجلس و دولت در مسير پاسخگويى به مردم و حرکت در راستاى مطالبات مى كرده‌اند، ولى بخش خصوصى و به طور خاص، تشكلى‌ها، NGOها و صاحبان حرفه‌ها و صنوف هم كمتر از دولت و مجلس قصور نداشته‌اند. رييس سازمان نظام مهندسى کشور در ادامه ضمن توضيح بيشتري در مورد اين نظريه گفت: من ۱۴ سال است كه در مجموعه تشكلى‌ها و شوراي هماهنگى و سازمان نظام مهندسى حضور دارم و مى‌بينم كه ما هنوز نتوانسته‌ايم بر اساس خرد جمعى چالش‌ها و مشكلات و راهكارهايمان را مطرح و با انسجام جمعى مطالباتمان را پيگيرى كنيم. به عبارت ديگر، به محض آنكه دولت و يا حاكميت با نظريات ما مخالفت مى‌كنند، فوراً عقبگرد مى‌كنيم و دنبال كار خودمان مى‌رويم، يعنى بجاي اينكه حركت ضد توسعه‌اى دولت را نقد كنيم، متأسفانه به خودمان مى‌پردازيم و همديگر را حذف مى‌كنيم.

مهندس خرم سپس با ابراز تأسف از اختلال بوجودآمده در روند فعاليت شوراي هماهنگى تشكلى‌هاى مهندسى، صنفى، حرفه‌اى گفت: در اينجا بايد بگويم كه شوراي هماهنگى تشكلى‌هاى مهندسى كه ۱۸ تشكلى مهندسى عضو آن هستند و نهاد تعامل كه در جوار آن بوجود آمده و در رأس آن هم رييس سازمان برنامه و بودجه قرار دارد، مرجع خوبى براى طرح مسائلى و پيشنهادهائى ماست، ولى متأسفانه اين شورا از يك سال قبل گرفتار درگيرى‌هاى داخلى و خودزنى شده و در آستانه انشعاب است و در صورت ادامه اين روند، چيزى از شوراي هماهنگى باقى نماند. وى در ادامه افزود: اين وضعيت نشان مى‌دهد

كه متأسفانه ما حرفى براى گفتن نداريم. ما نتوانسته‌ايم يك دستورالعمل و آيين‌نامه اجرايى بنويسيم، بلكه در اين شرايط ركود، به جاي اينكه همديگر را حمايت و تقويت كنيم، به جان يكديگر افتاده‌ايم. بنا بر اين، ما به عنوان بخش خصوصى هم بايد به خودمان بياييم و از عملكرد خودمان انتقاد كنيم. بنا بر اين، من همان انتظارى را كه از مجلس دارم، از بخش خصوصى هم دارم. به عنوان آدمى كه تشكلى‌ها برايش محترم است و براى فعاليت در NGOها وقت زيادى گذاشته‌ام، انتظار دارم كه حتى به صنف خودمان فكر نكنيم، بلكه فقط به اقتدار و اثرگذاري بخش خصوصى فكر كنيم و با انسجام به دنبال گرفتن حق خودمان برويم.

خلاصه مباحث

در پايان ميزگرد، مسائلى و مباحث مطروحه توسط آقاى دانايى، سردبير مجله توسعه، به شرح زير خلاصه و جمع‌بندي شدند:

بخش اول:

- مرورى بر سير تحولات تاريخى مكاتب فلسفى و اندیشه‌هاى سياسى در باره حقوق و آزادى‌هاى طبيعى و بنيادين و حق تعيين سرنوشت انسان‌ها از دوران موسوم به قرون وسطا تا عصر روشنگرى و ظهور پديده‌اى به نام دموكراسى و همچنين دوران معاصر و نحوه اعمال حق تعيين سرنوشت سياسى جوامع از طريق رويكردهاى دموكراتيك و مشاركت آزادانه مردم در انتخابات مختلف.

- ارزيابى عملكرد ضعيف مجلس دهم، همراه با اشاراتى به عوامل مؤثر بر كارآمدى نمايندگان مردم در مجلس مقننه، از جمله: دارابودن دانش و بينش كافى در باره مسائلى روز ايران و جهان، داشتن ارتباط مستقيم و عميق با بدنه جامعه و احساس تعهد و مسووليت اجتماعى در برابر رأى‌دهندگان، برخوردارى از شجاعت و شهامت لازم براى اظهار نظر و حضور جدى در صحنه‌هاى قانونگذاري و نظارت واقعى بر

عملكرد مسوولان اجرايى.

- بحث در باره علل ضعف قوانين و موانع قانونى و غير قانونى براى برگزارى انتخابات و كارآمدشدن مجلس، از جمله وجود نظارت استصوابى به طور افراطى و نحوه احراز يا عدم احراز صلاحيت داوطلبان نمايندگى در مجالس و صورتى شدن برخى از رفتارهاى اجتماعى دموكراتيك.

- فقدان قابليت اجرايى قوانين هم به علت نقايص رويكردى، ساختارى و مفهومى و هم به علت مقاومت و سركشى برخى از نهادها در برابر احكام قانونى.

بخش دوم:

- لزوم رفع موانع و مشكلات قانونى و اجرايى در راه اجراى مفاد قانون اساسى و بازگرداندن مجلس به جاىگاه شايسته و مورد انتظار.

- لزوم شفاف‌سازى تمامى رويكردها، موضع‌گيرى‌ها، مصوبات و معاملات پشت پرده، به ويژه در رابطه با اقلام بودجه‌هاى سالانه و نحوه تخصيص و توزيع منابع مالى.

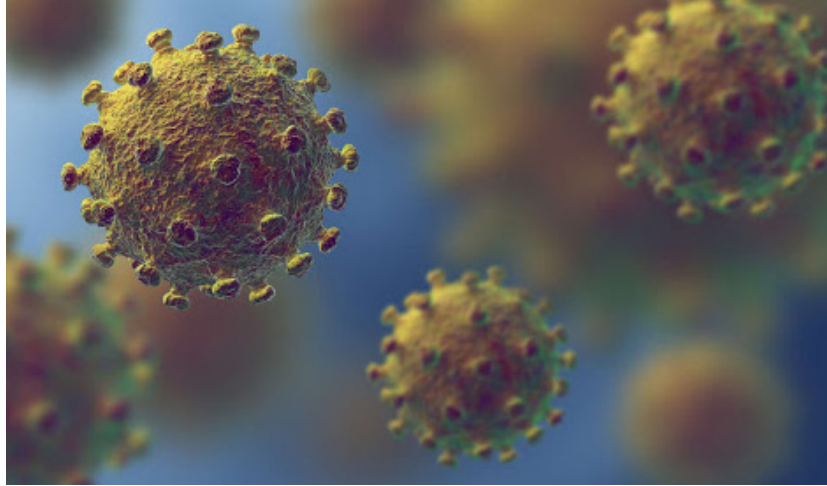
- لزوم تهيه فوري Master Plan توسط تمامى دستگاه‌هاى اجرايى براى پرهيز از تصميمات و برخوردهاى سليقه‌اى مديران و مسوولان.

- لزوم تفاهم و هماهنگى روشنفكران سياسى كه مديران جامعه هستند، با روشنفكران فرهنگى به عنوان نقادان و معترضان به حكومت، براى تصحيح انحرافات و تغيير خرده‌فرهنگ‌هاى منفى به منظور احياى سرمايه‌هاى اجتماعى نابودشده.

- پرهيز از خودسرى و برخوردهاى سليقه‌اى و جبهه‌بندي‌هاى قبيله‌اى و ترجيح منافع عمومى بر خواسته‌ها و منافع گروهى، حزبى و شخصى.

- تقويت همگرابى و احساس مسووليت جمعى در بين نهادهاى مدنى بخش خصوصى و تشكلى‌هاى صنفى، فنى و مهندسى براى كنارگذاشتن تكروى‌ها و خودخواهى‌ها و آماده‌شدن براى ايفائى نقش و مسووليت‌هاى اجتماعى.





کرونا و پیمانکاران

(شرحی بر مشکلات و خسارات ناشی از شیوع ویروس کرونا و راهکارهایی برای حمایت از آسیب‌دیدگان)

هر که اول بنگرد پایان کار

اندر آخر، او نگردد شرمسار

(مولوی)

ناگهان نازل شد، بدون دعوت، بدون اطلاع و بدون آمادگی قبلی مردم! منظور نازل شدن بلایی است به نام ویروس COVID-19، از خانواده کرونا. البته بعضی از خواص از ورود یا نزول اجلال این بلای محترم! در آذرماه سال گذشته خبر داشتند، ولی بنا به مصالحی، تا اواخر بهمن همان سال سروصدایش را در نیاوردند تا بتوانند به کارهای خودشان! برسند. طبیعتاً ویروس هم فرصت پیدا کرد تا حسابی جولان بدهد و در نتیجه این پنهانکاری، هزاران نفر راهی بیمارستان‌ها شدند و هزاران نفر هم راهی گورستان‌ها، درست شبیه آنچه در مورد سرنگونی هواپیمای اوکراینی و تشییع جنازه شهید قاسم سلیمانی پیش آمد. به عبارت دیگر، عدم اطلاع‌رسانی و اقدام بموقع مسوولان و بی‌خبر گذاشتن مردم و همه‌گیر شدن این ویروس، گرچه بعضی‌ها را به نان و نوایی مشکوک! رساند، اما آثار و مصایبش گریبان اکثریت قریب به اتفاق انسان‌ها، از جمله پیمانکاران و فعالان حرفه‌های فنی و مهندسی را گرفت، و همانطور که اشاره شد، حتی بعضی‌ها در اثر ابتلای به این بیماری، جانشان را هم از دست دادند.

در ادامه گزارشی داریم از رویدادهای ناشی از وقوع این فاجعه و اقدامات و وعده‌های مربوط به مقابله و جبران خسارات ناشی از آن، هم از سوی مقامات مسوول و هم از سوی فعالان مشاغل فنی و مهندسی، از جمله سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران. لازم به ذکر است که سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران در این مورد خیلی زود دست بکار شد، یعنی ابتدا چندین جلسه هیأت مدیره را به این موضوع مهم اختصاص داد و بعد با اعزام نمایندگان سندیکا به مراجع ذیربط، در تمامی بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به عواقب شیوع کرونا شرکت کرد. همچنین در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۰ طی نامه‌ای به امضای دبیر سندیکا خطاب به دکتر جهانگیری، معاون اول رییس جمهور و فرمانده ستاد اقتصاد مقاومتی، انواع مشکلات و انتظارات و راه حل‌های مورد نظر فعالان حوزه‌های فنی و مهندسی را مطرح کرد و به عنوان نخستین گام برای اثبات همدلی و همبستگی واقعی حاکمیت و مردم نیز پیشنهاد نمود که تمامی تعهدات قانونی مبتنی بر تاریخ، از سوی دولت معلق و تا تثبیت وضعیت تمدید گردد.

و اینک شرح اقدامات بعدی در این مسیر:

آغاز همکاری‌های شورای هماهنگی با سازمان برنامه و بودجه

همزمان با اعلام عمومی دولت مبنی بر شیوع بیماری کرونا در اواخر بهمن سال گذشته و ایجاد محدودیت‌های ناگزیر در فعالیت‌های حرفه‌ای صنوف مختلف به طور عام و در پروژه‌های عمرانی به طور خاص، بسیاری از کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در سطح کشور تعطیل شدند. از سوی دیگر، با تلقی و برداشت اولیه مسوولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از یک سو و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از سوی دیگر، در خصوص نوع نگاه به بیماری COVID-19 و قلمدادکردن آن در زمره حوادث کارگاهی و اعلام این مطلب در مصاحبه‌های مسوولان این نهادها، سرانجام در اسفندماه گذشته، شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی، صنفی و حرفه‌ای کشور با مسوولان سازمان برنامه و بودجه به عنوان متولی نظام صنعت احداث در دولت، وارد مذاکره و تعامل شد و یکی از نخستین اقدامات مثبت سازمان برنامه و بودجه در این راستا نیز موافقت با تمدید

اعتبار گواهی‌نامه‌های پیمانکاری بود که طی نامه شماره ۷۳۴۳۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۸ به تمامی واحدهای استانی این سازمان در سراسر کشور ابلاغ شد و در اواخر تیرماه نیز بار دیگر تمدید گردید.

متعاقب آن، دو کارگروه در این خصوص تشکیل شدند:

- (۱) کارگروه بررسی آثار COVID-19 بر پروژه‌های عمرانی و نحوه جبران این آثار.
- (۲) کارگروه تدوین پروتکل پیشگیری از بروز COVID-19 در کارگاه‌های عمرانی.

هدف از تأسیس این کارگروه‌ها هم تعیین استراتژی مناسب در محورهای زیر بود:

- (۱) مشخص شدن مسوولیت پیمانکاران و مشاوران در مواجهه با بروز بیماری در کارگاه‌ها.
- (۲) تعیین عملکرد و وظایف هر یک از عوامل پروژه، اعم از کارفرما، پیمانکار، مشاور و پرسنل کارگاه.
- (۳) اتخاذ راهکارهای عملیاتی و پرهیز از تدوین پروتکل‌ها و راهکارهایی که امکان اجرا در سطح کارگاه را ندارند.

نگاهی به عملکرد کارگروه اول: به منظور یافتن راه‌حلهایی برای برون‌رفت از مشکل استیلای ویروس COVID-19 و تأثیر آن بر فعالیت‌های صنعت احداث و به منظور همکاری با سازمان برنامه و بودجه، ابتدا درخواست‌های شورای هماهنگی تشکل‌ها شامل: همکاری سازمان تأمین اجتماعی در مورد قبول لیست بیمه‌های پرسنل، همکاری بانک‌ها در مورد صدور و تمدید ضمانت‌نامه‌های پیمانکاری و تعویق دریافت هزینه‌های آن، تعیین ضریبی برای جبران هزینه‌های ناشی از محدودیت‌های موجودآمده در اثر همه‌گیری کرونا، اعلام یک دوره تعلیق برای پروژه‌ها و منظور نمودن شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی در لیست مشاغل آسیب‌پذیر و... تدوین شد و در اختیار مسوولان امور نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه و بودجه قرار گرفت. سپس جلسات متعدد برای بررسی موضوع - چه به صورت مجازی و چه به صورت حضوری - تشکیل شدند و موضوعات مختلف از جهات گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گرفتند و سرانجام مقرر شد که نکات مورد



پروتکل منتشر شده از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مورد پیشگیری و مبارزه با COVID-19 در کارگاه‌های عمرانی، حتی حداقل خواسته‌های نمایندگان بخش خصوصی را نیز برآورده نمی‌کند.

جدول شماره ۱ - اثرپذیری از عوامل موثر بر افزایش هزینه ها و ضرایب جبرانی پیشنهادی کاهش آثار اقتصادی کار در شرایط کرونا در انواع قراردادهای صنعت احداث و انرژی

ردیف	شرح اثرپذیری	مشاور					نوع قرارداد	عوامل تاثیرگذار
		طراحی مهندسی		نظارتی		کارگاهی		
		سه عاملی (C)	دو عاملی (EPC)	عمومی	عالمیه / MC			
		درصد تاثیر	درصد تاثیر	درصد تاثیر	درصد تاثیر	درصد تاثیر		
۱	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۴.۶۶	۵.۵	۱۷	۶.۳	هزینه الزامه نظارت کارگاهی طبق قرارداد به مهندس مشاور پرداخت می گردد. (عدم تعدیل صورت بنا به دستور دولت بر پایه ضوابط شوعی کرونا)	نیروی انسانی	ضریب جبرانی پیمان
۲	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۵.۰۶	۷	۱.۷۵	۰.۳		ماشین آلات	
۳	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۱.۲۶	۰.۸	۲.۸	۰.۸۴		تجهیزات	
۴	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	-	تعدد مجاز	تعدد مجاز	-		تعمیرات زمانی	
۱	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۰.۵۵	-	-	-		فضاهای اعزاز تجهیز	
۲	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۰.۷	۰.۶	۲.۱	۰.۶	خرید اقلام مصرفی بهداشتی		
۳	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۰.۲۶	-	-	-	خرید تجهیزات بهداشتی		
۴	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۰.۲۳	-	-	-	هزینه های مربوط به تهیه و سرو غذا		
۵	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۰.۲۵	-	-	-	هزینه ایاب و ذهاب		
۱	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۱.۲۲	صرف نظر می گردد	صرف نظر می گردد	صرف نظر می گردد	هزینه های عمومی بالاسری	ضریب جبرانی پیمان	
۲	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۱.۱	-	-	-	هزینه تحمیلی تنخواه در گردش و مستمر کارگاه		
۳	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۰.۵	-	-	-	بالاسری اعزاز تقاضی		
۴	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۰.۲۴	صرف نظر می گردد	صرف نظر می گردد	صرف نظر می گردد	بالاسری اعزاز بیمه های قراردادی		
۵	جبران افزایش هزینه های بیمه تامین اجتماعی	۰.۴	۰.۶	۲.۱	۰.۶	نیروی متخصص پایش		
		۱۳.۳	۱۳.۸	۱۶.۵۳	۱۴.۵	۲۵.۷۵	۸.۶۴	

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز پس از گذشت ۱۵ روز، سندی را با عنوان «پروتکل پیشگیری و مبارزه با COVID-19 در کارگاه‌های عمرانی» در سایت این وزارتخانه منتشر کرد، اما این متن، حتی حداقل خواسته‌های نمایندگان بخش خصوصی را نیز برآورده نمی‌کند، چون در پروتکل منتشرشده، حیطة مسوولیت پیمانکاران احصا نشده و مشخص نیست که در صورت بروز COVID-19 و فوت عوامل پروژه، مسوولیت پیمانکار چگونه خواهد بود. همچنین موضوع تعطیلی کارگاه‌هایی که امکان اجرای پروتکل را ندارند، حذف شده و در مجموع، مشخص نیست که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به عنوان دستگاه حاکمیتی مسوول بخش سلامت جامعه، چگونه و بر اساس کدام مجوز در توافق بین بخش خصوصی با سازمان برنامه و بودجه در خصوص تعلیق برخی از پروژه‌ها مداخله نموده‌است؟

با این ترتیب، به نظر می‌رسد که همکاری شکل‌گرفته بین نمایندگان بخش خصوصی با مدیران نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه و بودجه که می‌توانست به عنوان یک الگو و

شورای هماهنگی تشکیل‌ها با مسوولان نظام فنی و اجرایی نیز توافقات خوبی حاصل گردید و طرفین نسبت به تدوین یک پروتکل که دربرگیرنده حدود مسوولیت‌ها، راهکارهای عملیاتی به تفکیک پیمانکار، مشاور و پرسنل، چگونگی ایجاد فاصله اجتماعی در بخش‌های مختلف کارگاه‌ها، چگونگی ضدعفونی و گندزدایی در کارگاه‌ها و... اقدام نمودند. همچنین مقرر شد که پروژه‌هایی که کارگاه‌های آنها به تشخیص مشاور و تأیید دستگاه اجرایی، امکان اجرای این پروتکل را ندارند، تعلیق شوند و در این خصوص هم از ظرفیت‌های مطرح در متن شرایط عمومی پیمان استفاده شود.

سپس خروجی جلسات دوجانبه بین نمایندگان بخش خصوصی با نظام فنی و اجرایی، در جلسه سه‌جانبه‌ای با حضور نمایندگان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تشریح شد و نمایندگان این وزارتخانه نیز ضمن استقبال از موارد مصوب، موافقت اولیه خودشان را با این موارد اعلام داشتند و مقرر شد که این پروتکل با قرارگیری در سایت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به عنوان سند مرجع در این خصوص قلمداد گردد.

درخواست شورای هماهنگی تشکیل‌ها در باره مسایل بانکی و بیمه‌ای به مسوولان مربوطه در دولت منتقل شوند و مورد پیگیری قرار گیرند. در مورد جبران هزینه‌های ناشی از محدودیت‌های موجودآمده هم که موضوع غالب در بحث‌های کارگروه بود، پس از بحث و گفتگو و رایزنی، سرانجام توافق شد که اینگونه هزینه‌ها در سه بخش: (۱) کاهش راندمان، (۲) افزایش هزینه‌های تجهیز کارگاه و (۳) افزایش هزینه‌های بالاسری برای کارهای مشاوره‌ای و پیمانکاری تنظیم و ارایه شوند. سپس هزینه‌های افزایش‌یافته در بخش مشاوره‌ای، به دو زیربخش (۱) نظارتی و (۲) طراحی مهندسی و در بخش پیمانکاری نیز به سه بخش (۱) سه‌عاملی، (۲) دو عاملی EPC و (۳) ترکیبی PC تقسیم و تفکیک شدند. آنگاه با تکیه بر اطلاعات دریافتی از وضعیت بیش از ۸۰ طرح مختلف، ضرایبی برای هر بخش تعیین شد و مستندات مربوطه نیز به سازمان برنامه و بودجه ارسال گردید. (جدول شماره یک)

نگاهی به عملکرد کارگروه دوم: در جلسات فیما بین کارگروه متشکله از نمایندگان

عدم اطلاع‌رسانی و اقدام بموقع مسوولان و همه‌گیرشدن ویروس کرونا، گرچه بعضی‌ها را به نان و نوایی مشکوک! رساند، اما آثار و مصائبش گریبان اکثریت قریب به اتفاق انسان‌ها، از جمله پیمانکاران و فعالان حرفه‌های فنی و مهندسی را گرفت.

عملکرد موفق شناخته شود و در عین حال، می‌توانست به عنوان یک تمرین برای حل بسیاری از مشکلات فراروی بخش خصوصی فعال در صنعت احداث مورد توجه و استفاده‌های بعدی قرار گیرد، متأسفانه با عملکرد عجیب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ابتر و بی‌نتیجه ماند. لذا جا دارد این پرسش را مطرح کنیم که در شرایط کنونی که دولتمردان محترم در هر مصاحبه و هر محفلی از مشارکت بخش خصوصی و دولتی (PPP) سخن می‌گویند، پس چرا صدای بخش خصوصی، حتی در تدوین یک پروتکل فنی و بهداشتی با مسوولان سازمان برنامه و بودجه که مهمترین نهاد دولتی مسوول و مرتبط با فعالیت‌های فنی و مهندسی کشور است، شنیده نمی‌شود و به جایی نمی‌رسد؟

اقدامات سازمان امور مالیاتی

نخستین اقدام مثبت و قابل تقدیر سازمان امور مالیاتی کشور در رابطه با کاهش فشارها و جبران نسبی ضایعات و خسارات ناشی از شیوع بیماری کرونا، تمدید مهلت بخشودگی جرایم مالیاتی بود. به عبارت دیگر، سازمان مزبور اختیارات بخشودگی جرایم مالیاتی قابل بخشش تا پایان سال ۱۳۹۸ را که به مدیران کل امور مالیاتی در سراسر کشور تفویض کرده بود، تا پایان خرداد ۱۳۹۹ تمدید نمود.

دومین اقدام این سازمان در زمینه حمایت‌های مالیاتی از فعالان اقتصادی، ابلاغ مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۶ ستاد ملی مبارزه با بیماری کرونا به مسوولان امور مالیاتی سراسر کشور بود. نکات

عمده این بخشنامه به شرح زیر می‌باشند:

(۱) در سال ۱۳۹۹ در مواردی که مهلت مقرر برای تقسیط بدهی (اعم از اصل مالیات، عوارض و جرایم) قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده مؤدیان مالیاتی در اجرای ماده ۱۶۷ قانون مالیات‌های مستقیم، به اتمام رسیده باشد و اینگونه مؤدیان قادر به پرداخت بدهی خود نباشند، سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند نسبت به امهال بدهی به مدت حداکثر سه ماه و تقسیط به مدت نه ماه از تاریخ درخواست اولیه برای امهال و تقسیط، فارغ از مهلت سه ساله مذکور در ماده ۱۶۷ قانون مالیات‌های مستقیم، اقدام نماید.

(۲) در مواردی که طبق مقررات قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده، انقضای مهلت زمانی برای اعتراض به اوراق مالیاتی از تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱ لغایت ۱۳۹۹/۲/۱۵ باشد، مهلت اعتراض حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۹/۳/۳۱ تمدید می‌شود.

(۳) جرایم پرداخت‌نشده بدهی مالیات و عوارض قانون موسوم به «تجمیع عوارض» مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ به شرط پرداخت اصل مالیات و عوارض تا تاریخ ۱۳۹۹/۹/۳۰، بخشوده می‌شود.

(۴) تاریخ لازم الاجرا شدن ارزش معاملاتی تعیین‌شده در اجرای مقررات ماده ۶۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ در سال ۱۳۹۸ برای اجرا در سال ۱۳۹۹ از یک ماه، به چهار ماه پس از تاریخ تصویب نهایی کمیسیون تقویم املاک، افزایش می‌یابد.

(۵) کمک‌های نقدی و غیر نقدی اشخاص حقیقی و حقوقی در اسفندماه ۱۳۹۸ و سه‌ماهه اول سال ۱۳۹۹ جهت تأمین لوازم و تجهیزات مصرفی مورد نیاز بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دولتی و تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی و نیروهای مسلح و سایر مراکز درمانی مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهت مبارزه با ویروس کرونا که مورد تأیید وزارت مذکور قرار گیرد، به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی در سال پرداخت محسوب می‌شود.

سومین اقدام سازمان امور مالیاتی در راستای

حمایت‌های مزبور نیز بخشودگی جرایم ناشی از عدم ارایه اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده دوره چهارم سال قبل می‌باشد. به عبارت دیگر، ادارات امور مالیاتی موظف شده‌اند که در مورد مؤدیان مالیاتی که اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده مربوط به دوره چهارم مالیاتی (فصل زمستان) سال ۱۳۹۸ را تا پایان روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱ تسلیم نموده باشند، امکان برخورداری از صددرصد بخشودگی جرایم عدم تسلیم اظهارنامه در موعد مقرر برای دوره مزبور، و همچنین جریمه تأخیر در مدت یادشده را در صورت درخواست کتبی مؤدیان فوق‌الذکر فراهم نمایند. ضمناً لازم به ذکر است که برای گروه‌های اقتصادی اعلام‌شده طی بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۹/۲ مورخ ۱۳۹۹/۱/۶، سررسید پرداخت مالیات بر ارزش افزوده تا پایان روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۲/۳۱ تعیین شده‌است. لذا تا تاریخ یادشده محاسبه و مطالبه جریمه تأخیر موضوع ماده ۲۳ قانون مالیات بر ارزش افزوده برای گروه‌های یادشده، موضوعیت ندارد.

تعویق سه‌ماهه در پرداخت اقساط تسهیلات بانکی

بانک مرکزی ایران نیز در جلسه مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۹۸ شورای پول و اعتبار گزارشی را در خصوص مشکلات بوجودآمده برای فعالان اقتصادی، به ویژه صاحبان کسب و کارهای کوچک مطرح کرد و شورای مزبور نیز با توجه به شرایط حاکم بر جامعه در اثر شیوع ویروس کرونا، با پیشنهاد تعویق سه‌ماهه در پرداخت اقساط تسهیلات بانکی موافقت نمود. مطابق این مصوبه، صاحبان کسب و کارها، به ویژه کسب و کارهای کوچک، که به دلیل شرایط ناشی از شیوع ویروس کرونا متضرر و با مشکلات مالی مواجه شده‌اند و با هدف مساعدت و حمایت از صاحبان کسب و کارها (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) که مصادیق آن در مصوبه دولت تعیین خواهد شد، اقساط تسهیلات آن‌ها و نیز اقساط قرض‌الحسنه کلیه اشخاصی که طی ماه‌های اسفند ۱۳۹۸، فروردین ۱۳۹۹ و اردیبهشت ۱۳۹۹

می‌تواند در مقایسه با عملکرد دولت‌های دیگر در این زمینه، اقدام مناسب و آبرومندانه‌ای داشته باشد و پوشش‌های حمایتی لازم را به طور نسبی فراهم آورد، یا خیر؟

۲) آیا مسوولان محترم واقعاً آمادگی عملی برای اجرای توافقات و وعده‌های داده‌شده برای جبران نسبی خسارات وارده به فعالان اقتصادی را دارند، یا قضیه فقط حفظ ظاهر بوده و در عمل، تنها چیزی که بر جای خواهد ماند، همانا مشتی کاغذنوشته‌های بی‌حاصل است که سرانجام، در گردباد حوادث بعدی به دست فراموشی سپرده خواهند شد؟

۳) آیا مسوولان محترم ازین تجربه تلخ به درستی درس گرفته‌اند و خودشان را برای برخورد با خیزش بعدی این بیماری آماده کرده‌اند و میتوانند از افزایش سیل بیکاران و ورشکستگان و تشدید بحران جلوگیری کنند، یا همچنان چشمشان را به روی مشکلات اصلی جامعه بسته‌اند و تنها به فکر جزییاتی چون ممنوع کردن ورود فلان مدل از گوشی‌های موبایل! و اتخاذ تصمیمات دست دوم و سوم ازین قبیل می‌باشند؟

۴) آیا نهادهای قانونی مسوول نظارت بر عملکرد مسوولان در سطوح مختلف، در مورد بررسی و ریشه‌یابی حوادث مزبور که ثبات اقتصادی و امنیت جامعه را در معرض مخاطرات جدی قرار داده، احساس مسوولیتی می‌کنند و برای تنبیه افراد سهل‌انگار و قطع کردن دست‌های آلوده پشت پرده این حوادث و... دست به کار خواهند شد، یا خیر؟

بدون تردید، درد و رنج ناشی از بی‌توجهی به یک خطر، همیشه از خود خطر بزرگتر است و در نتیجه، اگر دولت و مسوولان محترم نتوانند به این سوال‌ها جواب منطقی، قانع‌کننده و بموقع بدهند، در آینده با سوالات جدی‌تری مواجه خواهند شد، سوالاتی که یا اساساً بی‌جوابند، یا جواب دارند، ولی دیگر کسی به آن جواب‌ها اعتنایی نخواهد کرد.

هر که اول بنگرد پایان کار— اندر آخر، او نگردد شرمسار

بخشنامه توضیحی است حاکی از اینکه تمامی دریافت‌کنندگان قرض‌الحسنه، فارغ از اینکه امکان پرداخت و یا وصول اقساط از آنها وجود داشته باشد و نیز قطع نظر از نوع کسب و کار و فعالیت دریافت‌کننده قرض‌الحسنه، مشمول استفاده از مزایای این مصوبه می‌باشند و چنانچه مبالغ اقساط قرض-الحسنه سررسیدشده در بازه زمانی موضوع مصوبه، از حساب تسهیلات‌گیرندگان یا ضامنین آنها برداشت شده باشد، باید به آنان مسترد گردد.

افزایش فرصت تشکیل پرونده در «سامانه کارا»

معاونت اقتصادی رییس‌جمهور نیز در راستای کمک به فعالان اقتصادی آسیب‌دیده از شرایط دشوار کنونی، دست به کار شده و بر اساس گزارش‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر عدم اطلاع‌رسانی کامل در مورد اعطای تسهیلات به صاحبان کسب و کارهای آسیب‌دیده از بیماری کرونا و در نتیجه، کم‌بودن تعداد ثبت‌نام‌کنندگان در «سامانه کارا» که به همین منظور راه‌اندازی شده، مقرر داشته‌است که سقف زمانی مجاز برای تشکیل پرونده توسط صاحبان کسب و کارهای واجد شرایط در «سامانه کارا» متعلق به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تا بیستم تیرماه سال جاری افزایش یابد.

و سرانجام چند سوال

حال که در اثر پنهانکاری و بی‌عملی مسوولان امر در برابر شیوع ویروس کرونا، آنها هم در شرایط تحریم و رکود و بحران اقتصادی فراگیری که ظاهراً پایانی هم برایش متصور نیست، کار فعالان اقتصادی به اینجا رسیده و بسیاری از صاحبان مشاغل و دست‌اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی، دچار ضربات و خسارات بعضاً جبران‌ناپذیر شده‌اند و دیگر رمقی برایشان نمانده، جا دارد از مسوولان محترم پرسیده شود:

۱) آیا دولت محترم منابع لازم و اراده کافی برای اجرای تعهدات مشروحه فوق را دارد و

سررسید می‌شود و به دلیل شرایط موجود آمده ناشی از شیوع ویروس کرونا، قادر به بازپرداخت وام و تسهیلات یا اقساط تسهیلات و وام خود در مواعد مقرر نیستند، منوط به آن که بدهی آن‌ها تا تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۱ در طبقه جاری قرار داشته باشد، می‌توانند اقساط سه ماه مذکور را پس از پایان دوره بازپرداخت اقساط، پرداخت نمایند. همچنین در مورد تسهیلاتی که بازپرداخت آن‌ها به صورت دفعی بوده و سررسید آن‌ها در بازه زمانی یادشده قرار دارد، مهلت سه‌ماهه داده می‌شود تا پس از سه ماه از سررسید تسهیلات، بدهی خود را بازپرداخت نمایند. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی نیز موظف شدند که در صورت تسلیم درخواست مشتریان مشمول، اقدام لازم را در این زمینه به عمل آورند.

همچنین مصوبه مزبور مقرر داشته‌است که وام گیرندگان و تسهیلات‌گیرندگان موضوع بند فوق‌الذکر، به واسطه تمهیدات یادشده در دوره مذکور، مشمول جریمه (مابه‌التفاوت نرخ وجه التزام تأخیر تأدیه دین و نرخ سود مندرج در قرارداد) و کارمزد اضافی نمی‌شوند و چنانچه مطالبات مشمول مفاد این مصوبه، در بازه زمانی مذکور، در طبقات غیرجاری طبقه‌بندی شود، مشتری یادشده بابت مطالبات مذکور، مشمول ممنوعیت‌های ناظر بر اشخاص دارای بدهی غیرجاری نمی‌شود. نکته تکمیلی در باره اقدامات حمایتی بانک مرکزی نیز صدور یک

در شرایط کنونی که دولتمردان محترم در هر مصاحبه و هر محفلی از مشارکت بخش خصوصی و دولتی (PPP) سخن می‌گویند، پس چرا صدای بخش خصوصی، حتی در تدوین یک پروتکل فنی و بهداشتی با مسوولان سازمان برنامه و بودجه که مهمترین نهاد دولتی مسوول و مرتبط با فعالیت‌هایی فنی و مهندسی کشور است، شنیده نمی‌شود و به جایی نمی‌رسد؟



خصوصی‌ها در چنگال خصولتی‌ها



• مهندس علی میرزایی

در اینکه خصوصی‌سازی و کوچکتز شدن مداوم دولت، موجب شکوفایی اقتصادی و توسعه و پیشرفت کشور می‌شود، تردیدی نیست و امری کاملاً علمی و عقلانی بشمار می‌رود. به همین علت هم سال‌هاست که این برنامه توسط بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، با فرهنگ‌ها و نظام‌های سیاسی مختلف، دنبال شده و می‌شود. لازم به یادآوری است که خصوصی‌سازی یکی از زیرمجموعه‌های برنامه جامع «اصلاحات

ساختاری» است و هدف از آن هم دستیابی به بهره‌وری کامل عوامل تولید و کارایی بالاتر بنگاه‌های اقتصادی و نهادهای تولیدی، از جمله پیمانکاران بخش خصوصی است. همچنین با اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی، دولت‌ها از شر کسری بودجه‌های لجام‌گسیخته خلاص خواهند شد و با کاهش تورم، زمینه افزایش سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی و بالا رفتن سطح تولید ملی ایجاد می‌گردد. به عبارت دیگر، خصوصی‌سازی و افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد، موجب خواهد شد که مدیریت خصوصی که عمدتاً مبتنی بر کارآمدی است، جایگزین مدیریت دولتی ناکارآمد شود و در نتیجه، زمینه برای رشد و توسعه کشور فراهم گردد، زیرا وقتی که یک بنگاه اقتصادی به بخش خصوصی واگذار می‌شود، مدیریت منتخب سهامداران خصوصی، بخوبی درک می‌کند که همه مشکلات بنگاه را باید با درایت خود حل و فصل

کند و مدیریتش نیز در صورتی دوام می‌یابد که عملکرد شرکت از هر نظر مناسب باشد. سهامداران خصوصی بنگاه‌های اقتصادی نیز کاملاً واقف هستند که عدم انتخاب مدیریت قوی و کارآمد برای بنگاه، در نهایت منجر به خروج بنگاه از صنعت و یا حتی موجب ورشکستگی آن خواهد شد، در حالی که مدیریت بنگاه عمومی، هیچ نوع نگرانی در مورد ورشکستگی ندارد و همواره روی حمایت‌های نامحدود دولتی، بویژه استفاده آسان از منابع مالی دولت و یا بانک‌های دولتی حساب می‌کند.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز که در سال ۱۳۸۴ به دولت ابلاغ گردید، در واقع، اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران را در مد نظر داشت و اهداف کلی آن هم عبارت بودند از: ارتقای کارایی و بهره‌وری کلیه عوامل تولید، افزایش رقابت‌پذیری، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد، کاستن از بار مالی و مدیریتی

شرکت‌های خصولتی، پدیده‌های نو ظهوری هستند که به همت و ابتکار! دولتمردان ما پا به عرصه وجود گذاشته‌اند و به فرهنگ و ادبیات اقتصاد جهانی اضافه شده‌اند.

یا سیاسی شدیم که اسم ایرانی‌اش را می‌توان «اقتصاد تیول‌داری» گذاشت.

اما چرا می‌گوییم از چاله به چاله؟ چون زمانی که ما در چاله اقتصاد دولتی بودیم، روشن بود که اقتصاد ناکارآمد است و مسوولیت آن نیز با مقامات دولتی بود که بالاخره تا حدودی پاسخگو بودند، اما از وقتی اقتصاد غیردولتی شد و «خصولتی‌ها» کار را به دست گرفتند، دیگر کسی پاسخگو نیست. اگر به یک وزیر کابینه گفته شود: چرا وضعیت فلان صنعت این‌گونه است؟ می‌گوید: آنها دیگر خصوصی شده‌اند و به ما ارتباطی ندارند! بدتر از آن، نظارت متمرکز سیستم دیوان‌سالارانه که در اقتصاد دولتی وجود داشت، در این مدل جدید اصلاً وجود ندارد. خصولتی‌ها در ظاهر تابع قانون تجارت هستند، اما زور قانون تجارت به آنها نمی‌رسد.

خوب است در این باره توضیح دهم: قاعده کلی این است که هم در اقتصاد دولتی و هم در اقتصاد بازار، نوعی نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی باید باشد تا از سوءاستفاده و فساد جلوگیری کند. نظارتی که در بازار آزاد رقابتی وجود دارد، توسط خود مکانیسم رقابت اقتصادی ایجاد می‌شود. رقابت باعث می‌شود بنگاه‌ها دست و پای خود را جمع کنند، منابع را تلف نکنند، با فسادهای درونی خود مقابله کنند و به سمت کارآمدی بروند. چرا؟ چون اگر این اتفاق نیفتد، منافعی که به خطر می‌افتد و در جریان رقابت از دور خارج می‌شوند. این خاصیت اقتصاد بازار است، اما در سیستم خصولتی یا سرمایه‌داری دولتی این‌گونه نیست. شرکت‌های خصولتی در اختیار مدیرانی است که نه به سهامداران پاسخگو هستند و نه به دولت. آنها مدت زمان محدودی بر سر قدرت هستند و تلاش می‌کنند در این فرصت محدود، حداکثر استفاده را از منابع در اختیارشان - برای منافع شخصی - بکنند، دقیقاً همانند سیستم تیول‌داری و غارت قدیم. متأسفانه این «سیستم غارت» مدتی است که دوباره در اقتصاد ایران جا افتاده. به این دلیل است که می‌گوییم ما از چاله به چاله افتاده‌ایم و مبارزه با این سیستم کار آسانی نیست.»

ماخذ: @eghtesaderooz

اما آنچه مسلم است، این است که حتی با فرض اصلاح ساختار فعلی اقتصاد کشور، باید چند سال صبر کرد تا شرایط اقتصادی به حالت تعادل بازگردد. بنابراین، با توجه به عدم باور دولتمردان به ارتباط تنگاتنگ اقتصاد با سیاست و هم‌چنین با توجه به ناتوانی دولت در اتمام طرح‌های نیمه‌تمام فعلی و شروع طرح‌های جدید، به نظر می‌رسد که شرکت‌های خصوصی، اعم از تولیدی و یا پیمانکاری، باید در روندهای جاری خود به طور جدی بازنگری کنند تا بتوانند ادامه حیات داشته باشند. لذا توصیه می‌شود که شرکت‌های خصوصی اولاً هر گونه هزینه اضافی را حذف کنند تا ضریب ریسکشان در آینده کاهش یابد، ثانیاً توجه خود را بیشتر به خارج از ایران معطوف دارند تا بتوانند علاوه بر ادامه حیات، برای کشور خودمان نیز ارزآوری داشته باشند. همچنین تأکید می‌شود که شرکت‌های مزبور انتظار هیچ گونه حمایتی از سوی دولت نداشته باشند، زیرا بر خلاف کشورهای دیگر مثل ترکیه که سرمایه‌گذارها و شرکت‌های خصوصی خود را به دیگر کشورها پمپاژ می‌کنند، متأسفانه دولت ما هیچ وظیفه‌ای را در این ارتباط برای خود تعریف نکرده و ناگزیر بخش خصوصی باید صرفاً روی پتانسیل‌های علمی و مالی و اجرایی خودش حساب کند.

سخنی از استاد به عنوان تکمله

چندی پیش، مطلب کوتاهی از دکتر موسی غنی‌نژاد، استاد اقتصاد، منتشر شد تحت عنوان: «از چاله به چاله - گذار از اقتصاد دولتی به تیول‌داری». این مطلب کوتاه که در زیر درج شده، می‌تواند تکمله‌ای باشد بر آنچه در مقاله آمده است:

«امروزه در ادبیات اقتصادی علاوه بر دو قالب مشهور «اقتصاد سوسیالیستی» و «اقتصاد بازار آزاد»، نوع دیگری از سیستم اقتصادی به نام «سرمایه‌داری رفاقتی» (Crony capitalism)، یا «سرمایه‌داری سیاسی» (Political capitalism) شناخته شده است. به نظر می‌رسد اتفاقی که در کشور ما رخ داده نیز حرکت به سمت چنین سیستمی بوده است: ما از اقتصاد دولتی خارج شدیم، اما وارد اقتصاد بازار نشدیم، بلکه وارد نوعی سرمایه‌داری دولتی یا رفاقتی

دولت در تصدیگری فعالیت‌های اقتصادی و همچنین افزایش سطح عمومی اشتغال، اما اجرای این سیاست‌ها به دلایل متعدد با شکست مواجه شد و در عمل «شرکت‌های خصولتی» بوجود آمدند، یعنی پدیده‌های نوظهوری که می‌توان گفت به همت و ابتکار! دولتمردان ما پا به عرصه وجود گذاشته‌اند و به فرهنگ و ادبیات اقتصاد جهانی اضافه شده‌اند. شرکت‌های مزبور در حال حاضر، همچون سرطانی بدخیم به جان اقتصاد کشور افتاده‌اند و شرکت‌های خصوصی را نیز در چنگال خویش گرفته‌اند و راه فعالیت‌های سالم آنها را سد کرده‌اند. بررسی عملکرد سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی هم نشان می‌دهد که تا کنون بیش از ۸۰ درصد سهام بنگاه‌های دولتی به شرکت‌های خصولتی واگذار گردیده و تقریباً تمامی آنها هم در حال حاضر زیانده شده‌اند و با بودجه دولتی و در واقع، با سرمایه‌های مردم به حیات خود ادامه می‌دهند. در نتیجه، با اطمینان خاطر می‌توان گفت که اهداف تعیین شده در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی عملاً محقق نشده‌اند.

نگاهی به آینده

پیش‌بینی وضعیت اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ چندان دشوار نیست و به نظر می‌رسد که اگر شرایط به همین گونه پیش برود، نمی‌توان انتظار اتفاق‌های خوبی را داشت، چون از یک طرف، اقتصاد ایران طی چند سال گذشته شرایط دشواری را پشت سر گذاشته و از طرف دیگر، تحریم‌های ظالمانه و محدودیت صادرات نفتی نیز سبب شده است تا شاخص‌های اقتصادی حال چندان خوبی نداشته باشند. اما دولتمردان امیدوارند که با اتخاذ سیاست ثبات در اقتصاد، بتوانند از رشد اقتصادی منفی جلوگیری کنند و شرایط اقتصادی را با اعمال سیاست‌هایی بهبود بخشند. صندوق بین‌المللی پول نیز پیش‌بینی کرده است که پس از پشت سر گذاشتن دو سال سخت، نرخ رشد اقتصادی ایران مثبت خواهد شد. اما سوال اینجاست که آیا این رشد احتمالی به معنای رونق اقتصادی و رفاه عمومی است، یا تنها در خوشبینانه‌ترین حالت از بدتر شدن اوضاع جلوگیری می‌کند؟



نقشه عمران کشور در سال جاری

چند تعریف

مطابق مفاد بند ۱۰ ماده یک قانون برنامه و بودجه کشور، مصوب اسفندماه ۱۳۵۱، طرح عمرانی مجموعه عملیات و خدمات مشخصی است که بر اساس مطالعات توجیهی فنی و اقتصادی، یا اجتماعی که توسط دستگاه اجرایی انجام می‌شود، طی مدت معین و با اعتبار معین برای تحقق بخشیدن به هدف‌های برنامه عمرانی پنجساله، به صورت سرمایه‌گذاری ثابت، شامل هزینه‌های غیرثابت وابسته در دوره مطالعه و اجرا و یا مطالعات، اجرا می‌گردد و تمام یا قسمتی از هزینه‌های اجرای آن هم از محل اعتبارات عمرانی تأمین می‌شود. سپس در همین قانون انواع طرح‌های عمرانی به شرح زیر معرفی شده‌اند:

الف) طرح عمرانی انتفاعی، طرحی است که در مدت معقولی پس از شروع به بهره‌برداری، علاوه بر تأمین هزینه‌های جاری و استهلاک سرمایه، سود متناسبی را نیز عاید نماید.

ب) طرح عمرانی غیر انتفاعی، طرحی است که برای انجام برنامه‌های رفاه اجتماعی و عملیات زیربنایی و یا احداث ساختمان و تاسیسات جهت

تسهیل کلیه وظایف دولت اجرا می‌گردد و هدف اصلی آن حصول درآمد نمی‌باشد. (پ) طرح مطالعاتی هم طرحی است که بر اساس قرارداد بین دانشگاه و سایر دستگاه‌های اجرایی با مؤسسات علمی و یا مطالعاتی متخصص برای بررسی موضوع خاصی اجرا می‌گردد.

نقش طرح‌های عمرانی در برنامه‌های توسعه

اعتبارات عمرانی، یا همان تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، که برای اجرای طرح‌های عمرانی تصویب می‌شوند، یکی از مهم‌ترین بخش‌های بودجه سالانه است و میزان اعتبار و سازوکار توزیع آن، اهمیت زیادی از لحاظ رونق اقتصادی و عدالت‌آفرینی دارد. به عبارت دیگر، دولت از طریق تخصیص اعتبار برای طرح‌های عمرانی، ضمن افزایش و تقویت اشتغال، باعث تحریک بخش پیمانکاری و تولیدکننده‌ها می‌شود. در راستای همین کارکردها، در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ اعتبارات لازم برای حدود ۲۵۶۶ طرح در نظر گرفته شده‌است. از این تعداد، حدود ۱۹۱۶ طرح به عنوان

اعتبارات عمرانی، یکی از مهم‌ترین بخش‌های بودجه سالانه است و میزان اعتبار و سازوکار توزیع آن، اهمیت زیادی از لحاظ رونق اقتصادی و عدالت‌آفرینی دارد.

طرح‌های ملی و حدود ۶۵۰ طرح به صورت استانی ویژه در نظر گرفته شده‌اند. همچنین در مجموع ۱۱۵ طرح شامل ۹۱ طرح از طرح‌های ملی و ۲۴ طرح از طرح‌های ملی با ویژگی استانی، برای مشارکت عمومی - خصوصی موضوع تبصره ۱۹ انتخاب شده‌اند. در نتیجه، سهم هر یک از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی، استانی و متفرقه، از کل اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مندرج در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹، به ترتیب برابر با ۵۰/۲، ۱۸/۳ و ۳۱/۵ درصد است. گفتنی است که این سهم‌ها نسبت به قانون بودجه سال ۱۳۹۸، به ترتیب ۴/۲، ۰/۳ و منفی ۴/۵ واحد درصد تغییر کرده‌است.

از سوی دیگر، بر اساس آمارهای ارائه‌شده، هم

تعداد طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام در کشور به بیش از شش هزار فقره می‌رسد که در طول سالیان گذشته کلنگ آنها خورده، ولی به دلیل کمبود و محدودیت منابع و تزریق قطره‌چکانی بودجه، هر ساله تعدادشان افزایش یافته است.

اکنون تعداد طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام در کشور به بیش از شش هزار فقره می‌رسد که در طول سالیان گذشته کلنگ آنها خورده، ولی به دلیل کمبود و محدودیت منابع و تزریق قطره‌چکانی بودجه، هر ساله تعدادشان افزایش یافته‌است و دولت یازدهم نیز از ابتدای فعالیت خود، با اولویت‌بندی طرح‌های عمرانی بر اساس پیشرفت فیزیکی و اهمیت آنها، سازوکار تازه‌ای را برای این بخش تدوین کرده که تاکنون نیز ادامه دارد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در اواخر سال گذشته، طی گزارشی مبتنی بر وضعیت بودجه سال ۱۳۹۹، به موضوع طرح‌های عمرانی پرداخته‌است. بر اساس این گزارش، اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ برابر با ۷۰۴ هزار میلیارد ریال است که نسبت به اعتبارات مصوب در قانون بودجه سال ۱۳۹۸، حدود ۵/۲ درصد رشد داشته‌است.

نسبت عملکرد و میزان تحقق طرح‌های عمرانی و هزینه‌ای

مطابق گزارش مزبور، طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۸ نسبت عملکرد اعتبارات عمرانی به اعتبارات هزینه‌ای، با وجود نوسانی بودن، در مجموع سیر نزولی داشته، به نحوی که بتدریج از ۴۵ درصد در سال ۱۳۷۶، به حدود ۱۴ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده‌است. به عبارت دیگر، در سال ۱۳۹۸ به ازای هر ۱۰ واحد اعتبار هزینه‌ای، تنها ۱/۴ واحد اعتبار تملک دارایی‌های سرمایه‌ای پرداخت شده‌است. این امر بدین معناست که بتدریج سهم عمده‌ای از منابع

بودجه عمومی دولت، صرف امور هزینه‌ای شده و در نتیجه، سهم اعتبارات عمرانی مرتباً کاهش یافته‌است.

همچنین بر اساس گزارش مزبور، برای سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۸ به طور میانگین حدود ۶۶ درصد از اعتبارات عمرانی تحقق یافته. این در حالی است که درصد تحقق اعتبارات هزینه‌ای به طور متوسط ۹۳ درصد بوده‌است.

ظرفیت‌های قانونی برای مشارکت بخش غیردولتی

در تبصره ۱۹ ماده واحده، سازوکاری برای مشارکت عمومی - خصوصی در اجرای طرح‌های عمرانی پیشنهاد شده‌است. بر این اساس، تعداد ۲۶۴ طرح و پروژه با اعتباری برابر ۴۱ هزار و ۲۱۵ میلیارد ریال با هماهنگی دستگاه‌های اجرایی آورده شده‌است. بر اساس مفاد این تبصره، ۱۰ درصد از اعتبارات عمرانی لایحه (۷۰/۴ هزار میلیارد ریال) در ردیف مشخصی قرار خواهد گرفت تا در صورت انعقاد قرارداد با بخش خصوصی، به طرح‌های تعیین شده تعلق گیرد. البته میزان و چگونگی تخصیص این اعتبار برای طرح‌هایی که با بخش خصوصی قرارداد منعقد کرده‌اند، مشخص نیست.

لازم به یادآوری است که از نیمه دوم سال ۱۳۹۴ تا انتهای سال ۱۳۹۶ بالغ بر ۴۵ هزار میلیارد تومان سرمایه بخش خصوصی وارد حوزه واگذاری طرح‌های عمرانی شده‌است. این در حالی است که برای سال ۱۳۹۷، تنها چهار هزار میلیارد تومان سرمایه بخش خصوصی جذب شده و این میزان از ابتدای سال ۱۳۹۸ تاکنون نیز عملکردی نداشته‌است. در واقع، با وجود ایجاد ظرفیت‌های قانونی برای تسهیل مشارکت عمومی - خصوصی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ کاهش قابل ملاحظه‌ای در واگذاری پروژه‌های تملک دارایی سرمایه‌ای به چشم می‌خورد که طبیعتاً بخشی از آن تحت تأثیر شرایط اقتصاد کلان کشور است، در حالی که بررسی تجربیات جهانی در زمینه مشارکت عمومی - خصوصی حاکی از این واقعیت است که دولت‌ها هنگام مواجهه با کاهش منابع عمومی، به

سمت مشارکت عمومی - خصوصی می‌روند و در نتیجه، منابع جذب‌شده از بخش خصوصی در حوزه زیرساخت، عدم کاهش سرعت توسعه زیرساخت کشور در زمان مواجهه با تنگنای مالی دولت‌ها را ضمانت می‌کند، اما دولت ایران زمینه‌های لازم برای استفاده از ظرفیت جذب سرمایه بخش خصوصی در شرایط سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ را فراهم نکرده‌است.

سهم بخش‌های دهگانه

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ از میان امور دهگانه، بیشترین میزان اعتبارات عمرانی، متعلق به امور اقتصادی با ۱۹۴ هزار و ۵۱۳ میلیارد ریال اعتبار و تعداد ۹۵۱ طرح است. کمترین میزان اعتبار نیز برای امور رفاه اجتماعی با ۸۰۰ میلیارد ریال و تعداد ۱۴ طرح است. امور آموزش و پژوهش پس از امور اقتصادی، بیشترین اعتبار عمرانی را از آن خود کرده و تعداد ۷۲۲ طرح عمرانی با اعتباری بالغ بر ۵۳ هزار و ۲۸۱ میلیارد ریال هم برای این بخش پیش‌بینی شده‌است. همچنین امور مسکن و عمران شهری و روستایی ۴۶/۹ هزار میلیارد ریال اعتبار دریافت خواهد کرد که این رقم برای ۲۳۲ طرح در نظر گرفته شده‌است. امور فرهنگ، تربیت بدنی و گردشگری نیز حدود ۱۶۷ طرح عمرانی با اعتباری بیش از ۱۶/۳ هزار میلیارد ریال خواهد داشت. امور قضایی نیز تعداد ۵۲ طرح معرفی کرده و میزان اعتبار آن هم معادل ۱۲/۶ هزار میلیارد ریال محاسبه شده‌است. ششمین بخش نیز مربوط به امور سلامت است که ۲۷۵ طرح عمرانی با اعتباری بالغ بر ۱۲/۱ هزار میلیارد ریال برای آن پیش‌بینی شده‌است. امور خدمات عمومی با ۹۵ طرح و ۹/۷ هزار میلیارد ریال، امور دفاعی و امنیتی با ۴۳ طرح و ۳/۹ هزار میلیارد ریال، محیط زیست با ۱۵ طرح و ۲/۶ هزار میلیارد ریال و در انتها امور رفاه اجتماعی با ۱۴ طرح و ۸۰۰ میلیارد ریال در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

منابع:

- روابط عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس - مجموعه گزارش‌های مرکز در خصوص لایحه بودجه ۹۹
- گروه اقتصادی روزنامه ایران - مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۵



کارفرمایان و حوادث شغلی

بخش چهارم و پایانی



● مهندس حسن گوردوزی سروش - مشاور و تسهیلگر در امور منابع انسانی و پشتیبانی

در بخش‌های قبلی این مقاله به ترتیب در باره حوادث شغلی و بیماری‌های ناشی از کار، عوامل عمده افزایش سوانح ناشی از کار در محیط‌های صنعتی، راه‌ها و شیوه‌های جلوگیری از سوانح در محیط کار، با تأکید بر جنبه‌های فنی، مادی، انسانی و مدیریتی، زیان‌های وارده در اثر حوادث شغلی، برخی از تکالیف قانونی در رابطه با سیستم ایمنی و بهداشت، شروط کار و لوازم حفاظت فنی و بهداشتی در محیط‌های کاری بحث شده‌است. اینک توجه شما را به بخش پایانی این مقاله در باره تکالیف کارفرما وفق مواد مختلف قانون تأمین اجتماعی، کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار و قرار تعطیل و لاک و مهر تمام یا قسمتی از کارگاه جلب می‌کنیم.

تکالیف کارفرما وفق مواد مختلف قانون تأمین اجتماعی

طبق مفاد ماده ۶۵ قانون تأمین اجتماعی، در صورت وقوع حادثه ناشی از کار، کارفرما مکلف است اقدامات لازم اولیه را برای جلوگیری از تشدید وضع حادثه‌دیده به عمل آورده و مراتب را ظرف سه روز اداری کتباً به اطلاع سازمان تأمین اجتماعی برساند. در صورتی که کارفرما بابت اقدامات اولیه متحمل هزینه‌ای شده باشد، سازمان مزبور هزینه‌های مربوط را خواهد پرداخت.

طبق مفاد ماده ۹۲ همان قانون، کلیه واحدهای موضوع ماده ۸۵ قانون کار که شاغلان در آنها به اقتضای نوع کار در معرض بروز بیماری‌های ناشی از کار قرار دارند، باید برای همه افراد مزبور پرونده پزشکی تشکیل دهند و حداقل سالی یک بار توسط مراکز بهداشتی-درمانی از آنها معاینه و آزمایش‌های لازم را بعمل آورند و نتیجه آن را در پرونده مربوطه ضبط نمایند.

لازم به توضیح است که طبق مفاد ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی، عدم استفاده از وسایل

حفاظت فردی و یا شرایط شغلی نایمن می‌تواند افراد را به بیماری ناشی از کار مبتلا نماید و در نتیجه، هزینه‌های گزافی را بر دوش کارفرما بگذارد، به طوری که باید یک نیروی کار آزموده را به کار مناسب دیگری مشغول نماید، آنهم بدون کاهش حق‌السعی. پس کارفرما می‌بایست بر استفاده از وسایل حفاظت فردی و همچنین ایمن‌سازی شرایط کار تأکید ورزد و انجام آزمایش‌های دوره‌ای را جدی بگیرد و در صورت مشاهده بیماری کارکنان بلافاصله شخص بیمار

را جهت مداوا به مراکز مربوطه راهنمایی نماید، در غیر این صورت، برابر ماده ۱۷۵ قانون کار با او برخورد خواهد شد.

کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار

مطابق مفاد ماده ۹۳ قانون تأمین اجتماعی، به منظور جلب مشارکت کارگران و نظارت بر حسن اجرای مقررات حفاظتی و بهداشتی در محیط کار و پیشگیری از حوادث و بیماری‌ها در کارگاه‌هایی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ضروری تشخیص دهند، کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار تشکیل خواهد شد. با وجود این، طبق مفاد ماده ۹۵، مسوولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار بر عهده کارفرما یا مسوولان واحد ذکر شده در ماده ۸۵ قانون کار خواهد بود و هرگاه بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرما یا مسوولان واحد حادثه‌ای رخ دهد، شخص کارفرما یا مسوول مزبور از نظر کیفری و حقوقی و نیز مجازات‌های مندرج در این قانون مسوول‌اند. همچنین طبق ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی، چنانچه ثابت شود که وقوع حادثه مستقیماً ناشی از عدم رعایت مقررات حفاظت فنی و بروز بیماری ناشی از عدم رعایت مقررات بهداشتی و احتیاط لازم از طرف کارفرما یا نمایندگان او بوده، سازمان تأمین اجتماعی هزینه‌های مربوط به معالجه و غرامات و مستمری‌ها و غیره را پرداخته و طبق ماده ۵۰ این قانون از کارفرما مطالبه و وصول خواهد کرد. بنابراین، برای توفیق در اجرای ماده ۸۵ قانون کار، مدیریت ارشد بایستی بطور کامل متعهد و حامی اجرای آن باشد. یکی از مواردی هم که اکثراً باعث عدم توفیق در اجرای ماده ۸۵ قانون کار می‌شود، عدم تعهد مدیریت ارشد و سایر مدیران و سرپرستان است. به عبارت دیگر، تعهد کامل رهبری سازمان به موضوع ایمنی، می‌تواند ضامن ایجاد محیطی ایمن و سالم برای کارکنان باشد. لذا مدیریت ارشد می‌بایست بر این امر نظارت آگاهانه داشته باشد و کلیه اموری را که می‌توانند ایجاد تعهد نمایند،

کارفرمای بایست بر استفاده از وسایل حفاظت فردی و همچنین ایمن‌سازی شرایط کار تأکید ورزد و انجام آزمایش‌های دوره‌ای را جدی بگیرد و در صورت مشاهده بیماری کارکنان، بلافاصله شخص بیمار را جهت مداوا به مراکز مربوطه راهنمایی نماید، در غیر این صورت، برابر قانون کار با او برخورد خواهد شد.

برای مدیران و سرپرستان مشخص نموده و آنها را موظف به اجرای قوانین و مقررات نماید، از جمله می‌بایست یک جلد مجموعه آیین‌نامه‌های حفاظت و بهداشت کار را در اختیار یکایک آنان قرار دهد و شرایطی را فراهم نماید که تمامی آنان در برابر مدیریت پاسخگو باشند و در جهت ایمن‌سازی محیط کار و همچنین پیش‌بینی و پیش‌گیری از خطرات اقدام نمایند و به طور مرتب شرایط آموزش کارکنان تحت امر خود را فراهم آورند و قسمتی از وقت کارکنان را به بهبود کیفی و ایمن‌سازی محیط کار اختصاص دهند، به نحوی که آنان با علاقه کافی در شناخت موضوع و جگونگی به صفررسانیدن آسیب‌ها و صدمات احتمالی همت گمارند.

بدیهی است که چنانچه کارفرما یا مدیران واحدهای مختلف موضوع قانون کار، برای حفاظت فنی و بهداشت کار، وسایل و امکانات لازم را فراهم آورده و در اختیار کارگر قرار داده باشند و کارگر با وجود آموزش‌های لازم و تذکرات قبلی، بدون توجه به دستورالعمل‌ها و مقررات موجود از آنها استفاده ننماید، کارفرما مسوولیتی نخواهد داشت. گفتنی است که در صورت بروز اختلاف در این امر، رأی هیات حل اختلاف نافذ خواهد بود.

قرار تعطیل و لاک و مهر تمام یا قسمتی از کارگاه

طبق مفاد ماده ۱۰۵ هرگاه در حین بازرسی از

محیط کار، به تشخیص بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای، احتمال وقوع حادثه و یا بروز خطر در کارگاه داده شود، بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای مکلف هستند که مراتب را فوراً و کتباً به کارفرما یا نماینده او و نیز به رییس مستقیم خود اطلاع دهند. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و همچنین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز حسب مورد، از دادسرای عمومی محل و در صورت عدم تشکیل دادسرا، از دادگاه عمومی محل تقاضا خواهند کرد که فوراً قرار تعطیل و لاک و مهر تمام یا قسمتی از کارگاه را صادر نماید. دادستان نیز بلافاصله نسبت به صدور قرار اقدام خواهد نمود و قرار مزبور پس از ابلاغ قابل اجراست. دستور رفع تعطیل توسط مرجع مزبور در صورتی صادر خواهد شد که بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای و یا کارشناسان ذی‌ربط دادگستری رفع نقایص و معایب موجود را تأیید نموده باشند. شایان ذکر است که کارفرما مکلف است در ایامی که به علت فوق کار تعطیل می‌شود، مزد کارگران را بپردازد. طبق مفاد تبصره ۳، متضرران از قرارهای موضوع این ماده نیز در صورت اعتراض به گزارش بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای و تعطیل کارگاه، می‌توانند از مراجع مزبور به دادگاه صالح شکایت کنند و دادگاه مکلف است به فوریت و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی نماید. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی و لازم اجراست.

طبق مفاد ماده ۱۷۱، متخلفان از تکالیف مقرر در این قانون، حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم، به مجازات حبس یا جریمه نقدی و یا در هر دو محکوم خواهند شد. ضمناً در صورتی که تخلف از انجام تکالیف قانونی، سبب وقوع حادثه‌ای منجر به عوارضی مانند نقص عضو و یا فوت کارگر شود، دادگاه مکلف است علاوه بر مجازات‌های مندرج در فصل یازدهم قانون کار، نسبت به این موارد طبق قانون تعیین تکلیف نماید. به طور کلی، ماده ۸۵ قانون کار شامل همه کارفرمایان، مدیران، سرپرستان و مسوولان موضوع ماده ۳ قانون کار می‌شود و رافع مسوولیت آنها نخواهد شد. ■



بررسی تطبیقی واقعیات با برآیند شاخص‌های معتبر داخلی و خارجی، حاکی از آن است که بین وضعیت فعلی فضای کسب‌وکار در ایران، با آنچه در «قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» آمده، فاصله زیادی وجود دارد.

نگاهی به

محیط کسب و کار در ایران

همراه با مروری انتقادی بر نوسانات گذشته و چشم‌اندازهای آینده

اشارات

حدود نُه سال پیش، «قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ شد. هدف از تصویب این قانون، «ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب‌وکار» بود و عناوین «کسب‌وکار» و «محیط کسب‌وکار» را هم بدین صورت تعریف نموده بود: کسب‌وکار هر نوع فعالیت تکرارشونده و مشروع اقتصادی از قبیل تولید، خرید و فروش کالا و خدمات به قصد کسب منافع اقتصادی است، و محیط کسب‌وکار هم عبارت است از مجموعه عوامل مؤثر در اداره یا عملکرد بنگاه‌های تولیدی که خارج از کنترل مدیران آنها می‌باشند. از آنجایی که منظور اصلی قانونگذار در این تعریف، به طور خاص و دقیق، دولت و نهادهای حکومتی بودند، لذا در ماده ۲ قانون دولت مکلف شده بود که در مراحل بررسی موضوعات مربوط به محیط کسب‌وکار برای اصلاح و تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها، نظر کتبی اتاق‌ها و آن دسته از تشکل‌های ذی‌ربطی را که عضو اتاق‌ها نیستند، درخواست و بررسی کند و هر گاه لازم دید، آنان را به جلسات تصمیم‌گیری دعوت نماید. در ماده ۳ هم دستگاه‌های اجرایی مکلف شدند که هنگام تدوین یا اصلاح مقررات، بخشنامه‌ها و رویه‌های اجرایی، نظر تشکل‌های اقتصادی ذی‌ربط را استعلام کنند و مورد توجه قرار دهند.

اینها چکیده‌هایی بودند از اصول کلی و مقدماتی مصوب در «قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار»، یعنی آنچه بر روی کاغذها نوشته شده، اما آنچه در عمل رخ داد، ظهور پدیده‌هایی مرموز و مخرب بود، یعنی از یک طرف، ایجاد و گسترش شبکه‌های بی‌هویت و بی‌اعتنا به موازین قانونی و اخلاقی، برای رانت‌خواری و بهره‌کشی و ارتکاب اعمال دیگری که قلم از شرح آنها شرم دارد، و از طرف دیگر، ایجاد فضای کسب‌وکاری پر از ابهام و خطر و آکنده از هزاران شرکت و موسسه و بنگاه اقتصادی ورشکسته که صاحبان و مالکانشان سرانجام به خاک سیاه نشستند و کارکنانشان هم به خیل بی‌پایان بیکارها پیوستند!

اینک نگاهی دقیقتر به نوسانات گذشته و چشم‌اندازهای آینده محیط کسب‌وکار در ایران:



بهبود ملایم در گذشته و احتمال بی‌مهری در آینده

بررسی نتایج حاصل از «طرح پایش ملی محیط کسب‌وکار در ایران» نشان می‌دهد که از زمستان سال ۱۳۹۷ وضعیت فضای کسب‌وکار در ایران رو به بهبود گذاشته بود و تا اواخر سال ۱۳۹۸ هم ادامه داشت، ولی بررسی ردیف‌های اختصاص یافته به مباحث بهبود محیط کسب‌وکار در لایحه بودجه ۹۹ به‌گونه‌ای است که کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس احتمال می‌دهند که موضوع محیط کسب‌وکار بار دیگر مورد بی‌مهری قرار گرفته و احتمالاً مغفول مانده‌است.

تازه‌ترین بررسی‌های مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اتاق ایران که توسط همشهری منتشر شده نیز نشان می‌دهد که شاخص محیط کسب‌وکار که در بدترین حالت ۱۰ است، در پاییز سال ۱۳۹۸ به رقم ۶/۰۳ واحد رسیده بود که نسبت به رقم ۶/۰۷ واحد مربوط به تابستان همان سال اندکی بهبود داشت. با وجود این، بررسی تطبیقی این ارقام با برآیند شاخص‌های معتبر داخلی و خارجی، حاکی از این واقعیت است که بین وضعیت فعلی فضای کسب‌وکار در ایران، با آنچه در «قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» آمده، فاصله زیادی وجود دارد. به عنوان نمونه، بر اساس مفاد «سند چشم‌انداز ۲۰ساله» و ماده ۲۲ «قانون برنامه ششم توسعه» ایران باید از نظر شاخص بهبود محیط کسب‌وکار در میان ۲۵ کشور موضوع «سند چشم‌انداز»، به رتبه سوم می‌رسید، حال آنکه در سال گذشته رتبه ایران با یک پله تنزل و جاماندن از پاکستان، تنها به رتبه ۲۰ رسیده‌است!

موانع اصلی رونق کسب‌وکار

در تابستان سال گذشته، فعالان اقتصادی مشارکت‌کننده در «طرح پایش محیط کسب‌وکار»، سه مؤلفه را به عنوان نامناسب‌ترین مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار در ایران معرفی کردند. این سه مؤلفه عبارتند از: (۱) غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، (۲) بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار، (۳) دشواری تأمین مالی از بانک‌ها.

هدف از تصویب "قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار" ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب‌وکار برای بخش خصوصی بود، اما...

یکی از نکات قابل تأمل در نتایج «طرح پایش ملی محیط کسب‌وکار کشور» هم این است که تا پیش از پاییز ۹۶ و قبل از جهش نرخ ارز، همواره «دشواری تأمین مالی از بانک‌ها» به عنوان نامساعدترین مؤلفه کسب‌وکار ارزیابی می‌شد، اما در دو سال گذشته، یعنی از پاییز ۹۶ تا پاییز ۱۳۹۸، به واسطه جهش نرخ ارز و اثرگذاری آن بر قیمت مواد اولیه، مؤلفه «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» به عنوان نامساعدترین مؤلفه کسب‌وکار در ایران ارزیابی شده و این نکته از مسائلی است که در ماه‌های گذشته به تناوب در محاسبات «شاخص مدیران خرید» (شامخ) هم منعکس شده و نشان می‌دهد که امیدواری تولیدکنندگان نسبت به بهبود وضعیت صنعت و تولید در آینده رو به کاهش است.

چشم‌انداز آینده در بودجه

از سوی دیگر، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با انتشار گزارشی به بررسی وضعیت محیط کسب‌وکار از منظر شاخص‌های معتبر داخلی و

جهانی پرداخته و در بخشی از این گزارش، با تفکیک اعتبارات بودجه‌ای اختصاص یافته به مبحث بهبود محیط کسب‌وکار، چشم‌انداز و دورنمای این شاخص در سال ۱۳۹۹ را به تصویر کشیده‌است. بر اساس این گزارش، رد پای هزینه‌هایی با عنوان موضوع «محیط کسب‌وکار» دیده می‌شود، اما بررسی‌ها نشان می‌دهند که پرداخت و تخصیص این اعتبارات، چندان با اهداف بهبود واقعی محیط کسب‌وکار متناسب نیست. به عبارت دیگر، عملکرد سال‌های گذشته دستگاه‌هایی که این اعتبارات را دریافت می‌کنند، نشان می‌دهد که روند دستیابی به این اهداف را تقویت نمی‌کنند، یا اگر هم این اعتبارات درست مصرف شوند، در نهایت، زمینه‌ساز تداوم اقدامات چند سال اخیر این دستگاه‌ها خواهند بود که روند و تجربه موفقی نبوده‌است.

خبرگزاری ایرنا هم چندی پیش اعلام کرد که مطالعات و بررسی‌های داخلی و بین‌المللی راجع به محیط کسب‌وکار ایران نشان می‌دهند که در مجموع شاخص‌های محیط کسب‌وکار ایران نیاز به بهبود دارد و در نتیجه، انتظار می‌رفت که لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ به عنوان نقشه راه مالی دولت و در اجرای قانون برنامه ششم توسعه، بتواند بستر لازم را برای تسهیل و بهبود محیط کسب‌وکار از طریق حفظ ثبات اقتصادی، عدم تغییر قوانین و مقررات و... فراهم کند، چون بودجه نیز مانند بسیاری از مؤلفه‌های دیگر به طور قطع در بهبود محیط کسب‌وکار مؤثر است و تمرکز روی بخش‌هایی که فضای کسب‌وکار را

بهبود می‌بخشند، اهمیت زیادی دارد. با وجود این، نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی، خود به تنهایی می‌تواند نشانگر نامناسب بودن محیط مالی در کشور باشد. به عبارت دیگر، گرچه ممکن است بنگاه‌ها به لحاظ مدیریت مالی و بودجه‌بندی خود عملکرد مناسبی نداشته باشند، اما بالا بودن نرخ تأمین سرمایه به عنوان متغیری که در نظام بازار آزاد و خارج بنگاه تعیین می‌شود، نشان می‌دهد که سازوکارهای حاکم بر اقتصاد در جهت ارتقای محیط کسب‌وکار نیستند، سازوکارهایی که ریشه در سیاست‌گذاری‌های مالی نادرست دولت و عملکرد نامطلوب نظام مالی و بانکی و بازار سرمایه دارند.

اما آنچه در خصوص موانع کسب‌وکارها بسیار قابل توجه است، مشکل مؤلفه «موانع در فرآیندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب‌وکار در دستگاه‌های اجرایی» است. گزارش نظارتی مرکز پژوهش‌های مجلس در این مورد نشانگر این واقعیت است که مشکل اخذ مجوزهای متعدد، زمانبر و هزینه‌بر برای فعالیت‌های اقتصادی، با وجود تصویب قوانین متعدد در این رابطه، همچنان گریبانگیر داوطلبان ورود به کسب‌وکارهاست، به این ترتیب که با گذشت بیش از چهار سال از تصویب ماده ۵۷ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، تنها ۳۸ درصد کل مجوزهای شناسایی شده، در هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین در مجموع، صرفاً مجوزهای هفت دستگاه از ۳۷ دستگاه اصلی صادرکننده مجوزها، در هیأت مقررات‌زدایی بررسی

شده، در حالی که این تکلیف، طبق قانون، قرار بود ظرف سه ماه به پایان برسد.

تأثیر بودجه بر محیط کسب‌وکار

مجموعه گزارش‌های داخلی و خارجی در باره‌ی رصد و پایش محیط کسب‌وکار ایران، نشان می‌دهند که دشواری تأمین مالی برای کسب‌وکارها، بی‌ثباتی و نااطمینانی محیط اقتصاد کلان، تغییرات ناگهانی قوانین و مقررات، مالیات‌ستانی ناعادلانه، نبود فضای رقابتی و دشواری اخذ مجوزها به عنوان چالش‌های اصلی محیط کسب‌وکار کشور شناخته شده‌اند و تحلیل تأثیرات لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ بر این مؤلفه‌های کلیدی، نیازمند برنامه‌ریزی است. در این رابطه به اثر دو عامل اشاره می‌شود:

(۱) اثر انتشار اوراق بر محیط مالی کسب‌وکار: بدون تردید، نقدینگی و منابع سرمایه در گردش، یکی از الزامات سرمایه‌گذاری و فعالیت کسب‌وکارها محسوب می‌شود. اگر برنامه‌ها و سیاست‌های دولت به گونه‌ای تنظیم شوند که حجم زیادی از نقدینگی اقتصاد به مصارف دولتی اختصاص یابد، این امر موجب کاهش منابع مالی نهادهای سرمایه‌گذاری خصوصی خواهد شد. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ نیز در مجموع مجوز انتشار ۱۰۹۰ هزار میلیارد ریال انواع اوراق بدهی ریالی به دولت، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها صادر شده که نسبت به قانون بودجه سال ۱۳۹۸ حدود ۷۰ درصد افزایش یافته‌است. لازم به ذکر است که بخش اصلی این اوراق هم ماهیت استقراض از بخش خصوصی (شامل بانک‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و اشخاص حقوقی و حقیقی خصوصی) دارد.

(۲) تأثیر مالیات بر فضای کسب‌وکار: یکی از ارکان برنامه اصلاحات ساختاری بودجه دولت، درآمدزایی پایدار بوده‌است. ثبات بودجه و متعاقب آن، ثبات تأمین کالاها و خدماتی که دولت در اختیار جامعه قرار می‌دهد، در گرو تأمین درآمدهای مطمئن و پایدار برای دولت است. یکی از این موارد نیز توجه به منابع مالیاتی و افزایش درآمدها از این محل است. البته برنامه‌هایی که برای اصلاح نظام مالیاتی و افزایش درآمدهای مالیاتی ارائه می‌شوند، باید به

طبق قانون، دولت مکلف است که در مراحل بررسی موضوعات مربوط به محیط کسب‌وکار، نظر کتبی اتاق‌ها و آن دسته از تشکل‌های ذی‌ربطی را که عضو اتاق‌ها نیستند، درخواست و بررسی کند و هرگاه لازم دید، آنان را به جلسات تصمیم‌گیری دعوت نماید.

گونه‌ای باشند که اولاً به فضای کسب‌وکار ضربه نزنند، ثانیاً در فرآیند اصلاحات میان مدت در راستای درآمدزایی پایدار، خللی ایجاد نکنند. اگر افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق فشار به فعالان اقتصادی بخش رسمی که در حال حاضر مالیات می‌دهند، حاصل شود، گرچه ممکن است در کوتاه‌مدت باعث افزایش درآمدهای مالیاتی شود، اما در بلندمدت منجر به رکود و کاهش درآمدهای دولت خواهد شد. به علاوه، عدم توجه به توسعه درآمدهای مالیاتی از طریق بسط پایه‌های جدید مالیاتی در کشور، بویژه در شرایط کنونی که با کاهش شدید درآمدهای نفتی روبه‌رو هستیم، موجب می‌شود که دولت منابع لازم برای مصارف خود را از طرق دیگری که عمدتاً به زیان طبقات محروم و متوسط جامعه‌اند، تأمین کند. در مجموع، باید بر این واقعیت تأکید کرد که مجموعه احکام قانونی مربوط به بهبود محیط کسب‌وکار و ساماندهی مجوزهای مربوطه، پس از نوسانات و تحولات قانونی متعدد، همچنان در دهلزهای دیوان‌سالاری پیچیده عقیم مانده‌اند و به مرحله اجرای کامل و قابل قبول نرسیده‌اند. یکی از شواهد قطعی آن هم فرآیند بررسی مجوزها در هیأت مقررات‌زدایی است که به دلایل مختلف با کندی و تعلل بسیار در حال انجام است و مفاد مصوب این هیأت نیز به نحو بایسته مورد توجه دستگاه‌ها قرار نمی‌گیرند و اجرایی نمی‌شوند.

منابع:

<http://newspaper.hamshahronline.ir/id/94542>

اقتصادآنلاین به نقل از ایران

<https://www.ima.ir/news/83663081>

براساس مفاد «سند چشم‌انداز ۲۰ ساله» و ماده ۲۲ «قانون برنامه ششم توسعه»، ایران باید از نظر شاخص بهبود محیط کسب‌وکار در میان ۲۵ کشور موضوع «سند چشم‌انداز»، به رتبه سوم می‌رسید، حال آنکه در سال گذشته رتبه ایران با یک پله تنزل و جاماندن از پاکستان، تنها به رتبه ۲۰ رسیده‌است!



پولدارترین مهندسان دنیا

مهندسان در پیشرفت هر جامعه‌ای نقش مهمی را ایفا می‌کنند. نوآوری‌ها و تلاش‌های آنها در راه دست یافتن به تکنولوژی‌های جدید، کمک می‌کند تا زندگی ما لذت‌بخش‌تر و راحت‌تر شود. از آنجا که این موضوع همیشگی است، لذا نیاز به مهندسان نیز همیشگی است. این نیاز باعث می‌شود که خیلی از آنها به شدت ثروتمند شوند، اما همه آنها میلیاردر نمی‌شوند، چون میلیاردر بودن یک چیز متفاوت است و برای آنکه تبدیل به یکی از آنها شوید، باید کار خارق‌العاده‌ای را انجام دهید. در ادامه، اسامی بعضی از مهندسانی را می‌آوریم که کاری خارق‌العاده انجام داده‌اند و حالا تبدیل به پولدارترین مهندسان دنیا شده‌اند.

(۱) جف بیزوس

میزان ثروت: ۱۱۶ میلیارد دلار - منبع سرمایه: سایت آمازون - دانشگاه محل تحصیل: پرینستون در رشته مهندسی برق و علوم کامپیوتر.

«جف بیزوس» یک کارآفرین آمریکایی است و پیشگام در صنعت تجارت الکترونیک. او در سال ۱۹۹۴ تصمیم گرفت که فعالیت خود در حوزه مالی را ترک کند و به دنبال رؤیای خود برود. «بیزوس» قبل از ایجاد شرکت خود، یعنی «آمازون» که بر پایه اینترنت بود، در «وال استریت» برای بسیاری از شرکت‌های مختلف کار کرده بود. او با «فیتل» - یک شرکت ارتباطات راه دور - کار خود را آغاز کرد. سپس به «بنکرز تراست» رفت تا ساختار شبکه آنها را توسعه دهد. آخرین شغل او در شرکت D.E Shaw به عنوان مهندس فنی بود. اما «آمازون» به عنوان یک کتابفروشی آنلاین شروع شد و حالا بزرگ‌ترین شرکت خرده‌فروشی آنلاین در جهان است. «آمازون» در سپتامبر ۲۰۱۸، دومین شرکت در جهان (پس از «اپل») بود که به یک تریلیون دلار سرمایه در بازار رسید.





۲) برنارد آرنالت

میزان ثروت: ۱۱۲ میلیارد دلار - منبع سرمایه: لویی ویتان - دانشگاه محل تحصیل: اکول پلی تکنیک فرانسه. «برنارد آرنالت» یک تاجر فرانسوی و رییس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت معروف چندملیتی لوازم لوکس با نام «لویی ویتان» است. او بعضی از برندهای لوکس مثل «کریستین دیور» را نیز کنترل می‌کند.

۳) بیل گیتس

میزان ثروت: ۱۰۸ میلیارد دلار - منبع سرمایه: شرکت مایکروسافت - دانشگاه محل تحصیل: هاروارد (افتخاری). «بیل گیتس»، کارآفرین، بازرگان، سرمایه‌دار و مدیر ارشد اجرایی آمریکایی و بنیانگذار شرکت «مایکروسافت» و یکی از تأثیرگذارترین افراد دنیای تکنولوژی است. او با وجود آنکه تحصیلات خود در «دانشگاه هاروارد» را به پایان نرساند، اما کارهای فوق‌العاده‌اش در زمینه علوم کامپیوتری، باعث شد که به او مدرک افتخاری از این دانشگاه اعطا شود. «گیتس» بعد از ترک «مایکروسافت»، کارهای بشردوستانه متعددی را دنبال کرد. او تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۳۵ میلیارد دلار از طریق «بنیاد بیل و ملیندا گیتس» به برنامه‌های تحقیقاتی مختلف علمی و سازمان‌های خیریه اهدا کرده‌است.



۴) مارک زوکربرگ

میزان ثروت: ۷۶ میلیارد دلار - منبع سرمایه: شرکت فیسبوک - دانشگاه محل تحصیل: هاروارد (افتخاری). «مارک زوکربرگ»، برنامه‌نویس آمریکایی و یکی از مؤسسان وبگاه شبکه اجتماعی آنلاین «فیسبوک» است. او اخیراً، یعنی در ۳۴ سالگی به عنوان جوان‌ترین فردی شناخته شد که تا به حال به چنین ثروتی دست پیدا کرده‌است. او «فیسبوک» را از خوابگاهش در «دانشگاه هاروارد» همراه «ادواردو ساورین»، «داستین موسکوویتز» و دو نفر دیگر از دوستانش آغاز کرد. ابتدا همه چیز برای سرگرمی بود تا اینکه «زوکربرگ» تصمیم گرفت این شبکه اجتماعی داخلی را به دانشگاه‌های دیگر نیز وسعت دهد. بعد از شش سال «فیسبوک» ۵۰۰ میلیون کاربر داشت. او که «هاروارد» را نیمه‌کاره رها کرده بود، در سال ۲۰۱۷ مدرک افتخاری این دانشگاه را دریافت کرد.



۵) کارلوس اسلیم هلو

میزان ثروت: ۶۲ میلیارد دلار - منبع سرمایه: گروپو کارسو، دایورسیفاید - دانشگاه محل تحصیل: دانشگاه ملی خودمختار مکزیک.

«کارلوس اسلیم»، تاجر، سرمایه‌گذار و نیکوکار مکزیک است. او در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ ثروتمندترین فرد دنیا بود تا اینکه «بیل گیتس» جایش را گرفت. او اخیراً به واسطه سرمایه‌گذاری از طریق هلدینگ «گروپو کارسو»، مدیرعامل و رییس هیأت مدیره «تلمکس»، «آمریکا موویل» و «سامسونگ» مکزیک شده‌است.



۶) لری پیج

میزان ثروت: ۶۱ میلیارد دلار - منبع سرمایه: شرکت آلفابت - دانشگاه محل تحصیل: دانشگاه میشیگان و دانشگاه استنفورد در رشته مهندسی کامپیوتر.

«لری پیج»، کارآفرین و مبتکر آمریکایی، همراه «سرگی برین»، «شرکت آلفابت» و «گوگل» را ۲۱ سال قبل تأسیس کرد. این دو همدیگر را در «دانشگاه استنفورد» و سر کلاس‌های درس، وقتی که پیگیر دریافت مدارک افتخاری این دانشگاه بودند، ملاقات کردند. او مخترع مشهورترین الگوریتم جست‌وجو در «گوگل» است.



۷) موکش آمبانی

میزان ثروت: ۶۰ میلیارد دلار - منبع سرمایه: صنایع ریلاینس - دانشگاه محل تحصیل: مؤسسه صنایع شیمیایی هندوستان در رشته مهندسی شیمی.

«موکش آمبانی» در ۱۲ سال گذشته به عنوان ثروتمندترین فرد هندوستان شناخته شده است. صنایع «ریلاینس» در سال ۲۰۱۸ درآمد سالانه ۶۰ میلیارد دلاری را به نام خود ثبت کرد و بیشترین جهش را در «رتبه‌بندی فورچون» میان شرکت‌های دنیا داشت. این شرکت در اوایل دهه ۶۰ میلادی توسط پدرش تأسیس شد. او از جوانی وارد کسب و کار خانوادگی شد. از سال ۲۰۱۴ او و خانواده‌اش که در «آنتیلا» زندگی می‌کنند، صاحب گران‌ترین خانه جهان با قیمت دو میلیارد دلار هستند.



۸) سرگی برین

میزان ثروت: ۶۰ میلیارد دلار - منبع سرمایه: شرکت آلفابت - دانشگاه محل تحصیل: دانشگاه مریلند و دانشگاه استنفورد در رشته مهندسی کامپیوتر.

«سرگی برین» در شش سالگی همراه با خانواده‌اش از اتحاد جماهیر شوروی سابق به آمریکا مهاجرت کرد. او در «دانشگاه مریلند» ریاضیات و بعد علوم کامپیوتر خواند. در دوره‌ای که در «دانشگاه استنفورد» حضور داشت، با همکار و شریکش «لری پیج» آشنا شد و هر دو کاری کردند که دنیای اینترنت و روش جست‌وجو در آن تغییر کرد. «برین» بیشتر به خاطر نوآوری‌هایش در تکنیک‌های داده‌کاوی که بعداً در «گوگل» استفاده شد، شناخته می‌شود.



۹) مایکل بلومبرگ

میزان ثروت: ۵۶ میلیارد دلار - منبع سرمایه: شرکت بلومبرگ - دانشگاه محل تحصیل: جان هاپکینز رشته مهندسی برق. «مایکل بلومبرگ»، سیاستمدار و تاجر آمریکایی، پایه‌گذار شرکت «بلومبرگ» است که یک شرکت خصوصی فعال در زمینه‌های مالی، نرم‌افزاری، اطلاعات‌محور و رسانه‌ای است. وی ضمناً صد و هشتمین شهردار نیویورک بوده است. او بعد از تکمیل تحصیلاتش در رشته مهندسی در «دانشگاه جان هاپکینز» در سال ۱۹۶۴ و رشته ام‌بی‌ای در «مدرسه تجارت هاروارد»، کار خود را در «وال استریت» به عنوان کارگزار اوراق بهادار آغاز کرد و ۱۰ سال طول کشید تا شرکت خود را تأسیس کند. گفتنی است که شرکت «بلومبرگ» تا سال ۲۰۱۵ از مرز ۳۲۵ هزار مشترک سالانه هم عبور کرد.



۱۰) چارلز کوک

میزان ثروت: ۴۵ میلیارد دلار - منبع سرمایه: صنایع کوک - دانشگاه محل تحصیل: ام‌آی‌تی. «چارلز کوک»، تاجر و کارآفرین آمریکایی، هم‌اکنون به عنوان مدیرعامل «صنایع کوک» فعالیت می‌کند. اگر چه او در خانواده‌ای ثروتمند به دنیا آمده، اما در سال‌های اولیه با سختی‌ها و کشمکش‌های بسیاری روبه‌رو شد. وی در مصاحبه‌ای توضیح داد که پدرش به شدت می‌خواست او سخت کار کند، به نحوی که انگار محروم‌ترین فرد جهان است؛ وی دارای مدرک لیسانس مهندسی عمومی و فوق لیسانس مهندسی مکانیک است.





چالش عمده پیمانکاران تاسیسات به دلیل:

طراحی نادرست فضاهای تاسیساتی در پروژه‌ها

یکی از مشکلات عمده پیمانکاران تاسیسات آن است که مهندسان معمار در آغاز طراحی پروژه‌ها، فضای کافی برای تاسیسات بناها، به خصوص اتاق برق، اتاق هواساز و موتورخانه در نظر نمی‌گیرند و این موضوع، اجرای پروژه‌های تاسیساتی را با مشکلات زیادی روبرو می‌کند. از این رو، کمیته تاسیسات سندیکا پس از جلسات کارشناسی متعدد، ضوابطی را برای طراحی فضاهای تاسیساتی پروژه‌ها تدوین کرده تا پس از نهایی شدن، در اختیار مراجع مسوول قرار گیرند و خواستار اجرایی شدن آن شوند. در میزگردی که به همت کمیته تاسیسات سندیکا برگزار شد، نحوه بروز مشکل کمبود و نامناسب بودن فضاهای تاسیساتی و راهکارهای رفع آن مورد بحث و تبادل نظر اعضای کمیته قرار گرفت. در ادامه خلاصه‌ای از مسایل مطرح شده در این نشست را با هم می‌خوانیم.

و اتاق موتورخانه را تدوین کند و آن را در اختیار شهرداری که مرجع صدور مجوز ساختمان است، قرار دهد.

گرانی زمین، عامل کمبود فضاهای تاسیساتی پروژه‌ها

سپس مهندس محمود رضوانی، عضو کمیته تاسیسات، با انتقاد از عملکرد مهندسان مشاور در طراحی فضاهای تاسیساتی گفت: در بیشتر پروژه‌ها، به بهانه گرانی زمین، فضاهایی که مشاوران برای تجهیزات اصلی موتورخانه و ساختمان طراحی می‌کنند، کوچک هستند و نمی‌توان تجهیزات را داخل آنها نصب کرد و بعد هم برای سلب مسوولیت از خودشان، در نقشه‌ها می‌نویسند که کنترل نقشه‌ها بر عهده

به اتاق هواساز، راه و معبر مناسبی در نظر گرفته نشده، در حالی که اگر در مرحله طراحی، نوع بویلر، چیلر، تابلو برق و موتورخانه مشخص باشد و طراحی جزییات تاسیسات بر اساس آنها انجام شود، این مشکلات بوجود نمی‌آیند.

رئیس کمیته تاسیسات سپس گفت: شهرداری برای ساخت پارکینگ یک ساختمان ضوابطی دارد، ولی برای ساختن موتورخانه هیچ ضابطه‌ای ندارد. لذا ما می‌خواهیم به شهرداری بگوییم که برای ساختن موتورخانه و اتاق هواساز و اتاق برق هم باید ضوابطی وجود داشته باشند و به همین علت، کمیته تاسیسات سندیکا که هر یک از اعضای آن بیش از ۴۰ سال تجربه حرفه‌ای دارند، تصمیم گرفت که ضوابط حداقلی فضاهای تاسیساتی برای اتاق برق، اتاق هواساز

در آغاز این میزگرد، مهندس امیرحسین پورمیرزا، رئیس کمیته تاسیسات، در مورد علل کمبود فضاهای تاسیساتی در پروژه‌ها گفت: متأسفانه از آنجا که طراحی جزییات از زمان شروع طراحی بناها انجام نمی‌شود، لذا گاهی با همان طرح اولیه، کارهای اجرایی شروع می‌شوند و این موضوع، مشکلات زیادی را برای اجرای تاسیسات ساختمان‌ها ایجاد می‌کند. وی در ادامه افزود: در بسیاری از پروژه‌ها، طراحی‌ها فوق‌العاده ناقص‌اند و حتی در مواردی دیده‌ایم که طراحی و اجرا همزمان پیش می‌روند و در نتیجه، ما در موقع اجرای کارهای تاسیساتی دچار مشکل می‌شویم. به عنوان مثال، بارها دیده‌ایم که اتاق هواساز آنقدر کوچک است که دستگاه هواساز اصلاً در آن جا نمی‌گیرد و یا برای انتقال آن

فضاهای تاسیساتی را به کارگیری تکنولوژی BIM (Building Information Modeling) ذکر کرد و گفت: در حال حاضر، با استفاده از نرم افزارهای مختلف، نقشه‌های سه‌بعدی بخش‌های مختلف ساختمان، از جمله فضاهای تاسیساتی تهیه می‌شوند و بعد با استفاده از دوربین‌های VR (Virtual Reality) بخش‌های مختلف ساختمان با شبیه‌سازی از طریق واقعیت مجازی، بازیابی و بررسی می‌گردند و اشکالات احتمالی ناشی از تداخل سازه با تاسیسات و یا کمبود فضاهای تاسیساتی برطرف می‌شوند.

وی سپس خاطرنشان ساخت که در حال حاضر در ایران، دو سازمان متولی تهیه استانداردهای ساختمان هستند: یکی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی که مجموعه کتاب‌های «مباحث ۲۲ گانه مقررات ملی ساختمان» را تولید می‌کند که دو مبحث آن به فضاهای تاسیساتی اشاره دارد و دیگری، سازمان برنامه و بودجه که مشخصات فنی و عمومی کارهای تاسیساتی را در قالب نشریاتی مانند نشریه ۱۱۰ و ۱۲۸ منتشر می‌کند، اما با وجود این استانداردها و دستورالعمل‌ها، پیمانکاران در حین اجرای کارهای تاسیساتی با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. از این رو، دستورالعمل الزامات طراحی فضاهای تاسیساتی در دستور کار کمیته تاسیسات قرار گرفت تا در هنگام طراحی پروژه‌ها مورد توجه قرار گیرد.

باید طراحان پروژه‌ها مسوولیت‌پذیر شوند

مهندس سعید اصحاب‌یمن، رییس دفتر فنی سندیکا نیز با بیان اینکه بسیاری از موارد مطرح در دستورالعمل کمیته تاسیسات، در ضوابط ۲۲ گانه مقررات ملی ساختمان دیده نشده، گفت: البته تهیه ضوابطی که در تمام ساختمان‌ها قابل اجرا باشد، امکان‌پذیر نیست. بنابراین، بهترین راه آن است که مشاوران ملزم به استفاده از سیستم BIM بشوند تا از بروز مشکلات بعدی جلوگیری شود.



در ساخت بناها، سه عامل مشاور و پیمانکار و کارفرما باید وجود داشته باشند و همه آنها هم باید نقشه‌ها را با ابواب جمعی خودشان مطالعه و بررسی کنند.

این عضو کمیته تاسیسات سپس تأکید کرد که در ساخت بناها، سه عامل مشاور و پیمانکار و کارفرما باید وجود داشته باشند و هر یک از آنها نقشه‌ها را با ابواب جمعی خودشان مطالعه و بررسی کنند و بعد در یک جلسه مشترک، اجرایی‌بودن نقشه‌های ساختمان مورد بحث و تبادل نظر قرار بگیرد و اگر اشکالی در طراحی وجود داشت، برطرف شود و پس از تأیید نقشه‌ها، همه عوامل دخیل در ساخت، موظف به انجام وظایفشان بر اساس نقشه‌ها بشوند. در آن صورت، دیگر بسیاری از مشکلات فعلی در پروژه‌ها، از جمله کمبود فضاهای تاسیساتی بوجود نمی‌آید.

به کارگیری تکنولوژی BIM

مهندس محمودرضا همیری، عضو دیگر حاضر در جلسه، رویکرد جهانی برای حل مشکل کمبود

پیمانکار است و به این ترتیب، مسوولیت خود را به گردن پیمانکار می‌اندازند. پیمانکار هم در موقع کنترل نقشه، با کمبود فضاهای تاسیساتی مواجه می‌شود و ناگزیر باید وقتش را در جلسات مختلف و مکرر تلف کند.

مهندس نصرالله شریفی، عضو دیگر حاضر در جلسه نیز به ذکر یکی از تجارب خود در مورد مشکلات اجرایی به علت طراحی غلط پرداخت و گفت: سال‌ها قبل، یک شرکت پیمانکاری برای پروژه‌اش دو عدد دیگ بخار ۱۰ تنی از من خرید، ولی نتوانست دیگ‌ها را وارد ساختمان کند، چون ارتفاع دیگ‌های بخار حدود چهار متر و ارتفاع پارکینگ تنها حدود سه متر بود و موتورخانه هم در انتهای پارکینگ قرار داشت. نهایتاً به پیشنهاد من، پیاده‌روی واقع در پشت موتورخانه تخریب شد و دیگ را از آن طریق وارد موتورخانه کردند.

در بیشتر پروژه‌ها، به بهانه گرانی زمین، فضاهایی که مشاوران برای تجهیزات اصلی موتورخانه و ساختمان طراحی می‌کنند، کوچک هستند و نمی‌توان تجهیزات را داخل آنها نصب کرد.

شرکت‌های مهندسی مشاور فقط یک مدیرعامل، یک منشی و تعداد کمی پرسنل حضور دارند و چون ناچارند که کارشان را با کمترین هزینه انجام دهند، لذا قادر به استخدام مهندس برق و مهندس مکانیک و مهندس ساختمان نیستند. ضمناً در مناقصات هم قیمت‌های پایین می‌دهند و پروژه می‌گیرند و بخش‌های مختلف آن را هم به صورت دست دوم به اشخاص دیگر واگذار می‌کنند.

مهندس پورمیرزا همچنین متذکر شد که البته ممکن است با خراب کردن قسمتی از موتورخانه و یا اتاق برق، اینگونه مشکلات را حل کرد، ولی اگر چیلر یا تابلوی برق خراب شود، کسی نمی‌تواند برای تعمیرش آن را خارج کند.

رییس کمیته تاسیسات در ادامه گفت: استفاده از BIM هم پس از طراحی اولیه پروژه مطرح می‌شود. بنابراین، حرف ما آن است که همانطور که شهرداری برای ساخت بخش‌های مختلف ساختمان ضابطه دارد، برای فضاهای تاسیساتی هم ضابطه داشته باشد و طراح پروژه در طراحی اولیه ساختمان، موظف بشود که الزامات فضاهای تاسیساتی را به صورت صحیح در طراحی پروژه لحاظ کند.

مهندس منوچهر مشکات، عضو دیگر کمیته نیز کمبود فضاهای تاسیساتی را یکی از مشکلات عمده پیمانکاران تاسیسات دانست و گفت: علت کمبود فضاهای تاسیساتی آن است که در طراحی ساختمان‌ها، هیچوقت چیزی به عنوان معماری تاسیسات نداشته‌ایم. بنابراین، کمیته تاسیسات سندیکا پس از جلسات متعدد بحث و تبادل نظر کارشناسی، ضوابطی را برای فضاهای تاسیساتی تهیه کرد تا در طراحی پروژه‌ها در نظر گرفته شوند.

یادآور می‌شود همانطور که در ابتدای این گزارش درج شد، مجموعه الزامات فضاهای تاسیساتی توسط متخصصان امر در این سندیکا در حال تدوین بوده و پس از تکمیل اطلاع‌رسانی خواهد شد.



مفروضاتی وجود دارند و مهندس معمار باید بر اساس مفروضات پروژه، طراحی کند. در مورد استفاده از BIM هم باید توجه داشته باشیم که برای استفاده از این تکنولوژی باید نقشه‌های اولیه معماری و تاسیسات وجود داشته باشند. ما در یکی از پروژه‌هایمان از BIM استفاده کردیم و نتایج خیلی خوبی داشت، یعنی علاوه بر مشاهده راحت فضاهای تاسیساتی و سرویس، جلوی پرت مصالح گرفته شد و هزینه‌ها هم کاهش یافت.

مهندس دوستدار در پایان علت عدم استفاده از BIM در پروژه‌ها را هزینه‌بر بودن آن دانست و گفت: بدیهی است که بکارگیری تکنولوژی، به طور کلی، هزینه‌بر است و برای بسیاری از شرکت‌ها انجام چنین هزینه‌ای توجیه اقتصادی ندارد.

رعایت ضوابط فضاهای تاسیساتی قبل از طراحی اولیه ساختمان

مهندس پورمیرزا در ادامه جلسه خاطرنشان ساخت که حق‌الزحمه مهندسان مشاور زیاد نیست و به علت شرایط اقتصادی نامناسب کشور در مضیقه مالی قرار دارند و به همین علت، در بیشتر

مشکلات طراحی فضاهای تاسیساتی، ناشی از عدم ارتباط بین مهندس معمار و مهندس تاسیسات است.

در حال حاضر، بخش‌های مختلف ساختمان با شبیه‌سازی از طریق واقعیت مجازی، بازبینی و بررسی می‌گردند و اشکالات احتمالی ناشی از تداخل سازه با تاسیسات و یا کمبود فضاهای تاسیساتی برطرف می‌شوند.

مهندس اصحاب یمین سپس با تأکید بر لزوم مسوولیت‌پذیری طراحان پروژه‌ها گفت: در حال حاضر، فقط در صورتی که به دلیل خطای طراحی، خسارت جانی و یا خسارت مالی زیادی به بار بیاید، به شکایت از طراح پروژه رسیدگی می‌شود، ولی اگر به دلیل طراحی نادرست، بهره‌برداری با مشکل روبرو شود، کسی به دنبال شکایت نمی‌رود و راهی هم برای پیگیری مؤثر وجود ندارد. بنابراین، باید طراح و مشاور را در قبال طراحی‌هایشان مسوولیت‌پذیر کرد و برای خطاهای طراحی آنان جرایمی در نظر گرفته شود. مهندس علی دوستدار، دیگر عضو کمیته تاسیسات هم گفت: مشکلات طراحی فضاهای تاسیساتی، ناشی از عدم ارتباط بین مهندس معمار و مهندس تاسیسات است و اگر این رابطه بهبود یابد، آنوقت اینگونه مشکلات در پروژه‌ها پیش نمی‌آیند. وی افزود: ضمناً باید در نظر داشت که در ابتدای تعریف هر پروژه،

دو روش تازه برای تولید الکتریسیته



«تالسِ مِلطی» که در نیمه دوم سده ششم پیش از میلاد در یونان می‌زیست و از او به عنوان «آغازگر فلسفه» و «نخستین چهره علم» یاد می‌شود، نخستین کسی بود که مطالعات پیرامون تولید انرژی الکتریکی را آغاز کرد و صدها سال بعد، یعنی در قرن هجدهم میلادی، دانشمندان دیگر موفق به ساخت پیل ولتایی شدند و به تدریج، دیگر مولدهای الکتریکی نیز به بازار آمدند و انرژی الکتریکی به یکی از مهمترین منابع تولید و ذخیره انرژی در سطح جهان تبدیل شد. سپس متناسب با توسعه اقتصادی کشورها، تقاضا برای الکتریسیته با سرعت بالایی افزایش یافت و این روند تا بدینجا پیش رفت که جامعه جهانی از لحاظ مخاطرات زیست‌محیطی ناشی از تولید الکتریسیته، دچار نگرانی شد و همین نگرانی‌ها موجب شدند که استفاده از منابع تجدیدپذیر مورد توجه قرار گیرد و به یکی از محورهای اصلی در این زمینه تبدیل شود. اینک به دو خبر راجع به ابداع دو روش تازه برای تولید الکتریسیته می‌پردازیم.

۱) تولید برق از هوا با کمک باکتری: یک

میکروارگانسیم عجیب و غریب، به کمک فرایند تولید انرژی پایدار آمده تا شاید تحولی را در دنیا ایجاد کند

به گزارش نشریه Science Alert، این میکروارگانسیم غیرعادی ابتدا بخاطر توانایی‌اش در تولید مگنتیت در غیاب اکسیژن مورد توجه قرار گرفت، اما با گذر زمان، دانشمندان متوجه شدند که این باکتری می‌تواند چیزهای دیگر مانند نانوسیم‌های باکتریایی برای جریان برق را نیز تولید کند.

گفتنی است که محققان سال‌ها در تلاش بودند تا راه‌های بهره‌برداری مفید از این نعمت طبیعی را کشف کنند و حالا به نظر می‌رسد که با وسیله‌ای که آن را Air-gen می‌نامند، به هدفشان رسیده باشند. طبق گفته‌های تیم پژوهشی، این دستگاه می‌تواند از تقریباً «هیچ» هم برق تولید کند. «جون یاو» مهندس برق از «دانشگاه ماساچوست» می‌گوید: ما به معنای واقعی کلمه در حال تولید برق از هوا هستیم و ژنراتور Air-gen قادر است انرژی پاک مورد نظر ما را تولید کند. این ادعا شاید زیاده‌گویی به نظر برسد، اما یک مطالعه جدید توسط همین محقق و تیمش

فاش کرد که چطور ژنراتور بادی قادر است بدون هیچ چیز جز هوای اطراف، برق تولید کند. همه اینها هم به لطف نانوسیم‌های پروتئینی رسانای الکتریکی تولیدشده توسط Geobacter است. ژنراتور Air-gen از فیلم‌های نازک نانوسیم‌های پروتئین به ضخامت هفت میکرومتر ساخته شده و بین دو الکترود و در مجاورت هوا قرار دارد. به دلیل این مجاورت، فیلم‌های نانوسیم می‌توانند بخار آب موجود در جو را جذب کنند تا دستگاه بتواند یک جریان الکتریکی مداوم را که بین دو الکترود ایجاد می‌شود، تولید نماید. به گفته اعضای این تیم، شارژ آن هم توسط یک گرادیان مرطوب انجام می‌شود که پروتون را در مواد نانوسیم ایجاد می‌کند.

منبع مزبور در ادامه اضافه کرده‌است که در حال حاضر، Air-gen ولتاژ ثابتی در حدود ۰/۵ ولت با چگالی فعلی در حدود ۱۷ میکروآمپر در هر سانتی متر مربع تولید می‌کند که انرژی خیلی زیادی نیست، اما تیم تحقیقاتی مربوطه معتقد است که این ژنراتور می‌تواند قدرت کافی برای شارژ دستگاه‌های کوچک مانند تلفن همراه و سایر وسایل برقی شخصی را تولید کند، آنهم بدون هیچ هدر رفتی و تنها با استفاده از

رطوبت محیط، حتی در مناطق خشکی مانند آفریقا!

۲) دستگاه تولید انرژی از پسماندها: محققان سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران موفق به طراحی و ساخت دستگاه تولید انرژی از پسماندهای شهری و روستایی با حجم گاز تولیدی ۱۲۰ مترمکعب در ساعت شدند. طراحی و ساخت گازی‌ساز زیست‌توده (Biomass) از نوع پایین سو (Downdraft) با هدف دستیابی به دانش فنی تولید سیستم گازی‌سازی زیست‌توده (Biomass Gasification) به عنوان یکی از پربازده‌ترین روش‌های تولید انرژی از منابع انرژی تجدیدپذیر توسط سه تن از اعضای هیأت علمی و پژوهشکده مکانیک سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران اجرایی شده‌است.

گفتنی است که دستگاه ساخته شده دارای ظرفیت ۱۰ کیلووات حرارتی، با حجم مخزن پنج کیلوگرم، قدرت دمنده ۵۵ وات و حداکثر حجم گاز تولیدی ۱۲۰ مترمکعب در ساعت است.

منابع:



مروری بر کتاب:

بیست تغییر بزرگ تکنولوژی تا سال ۲۰۵۰*

البته داشتن دانشی قطعی در مورد اینکه فناوری‌ها در سال ۲۰۵۰ چگونه خواهند بود، به وضوح غیرممکن است، درست همانطور که سی سال پیش هم هیچکس نمی‌توانست جهان امروز را تصور کند، اما ...

«فیس‌بوک» و «گوگل» را تصور کند. با این حال، ارایه حدس و گمان‌هایی در باره وضعیت دانش در آینده، جالب است و ذهن‌ها را باز می‌کند. به همین علت، تخصص و دانش دانشمندان، کارآفرینان، دانشگاهیان و نویسندگان داستان‌های علمی-تخیلی و همچنین روزنامه‌نگاران «مجله اکونومیست» در این کتاب گرد آمده است و نتیجه کار هم یک طیف وسیع از نگرش‌ها در مورد شیوه تکامل فناوری و اثرات آن بر ما طی دهه‌های پیش رو است.

بنابراین، کتاب با مسائلی پایه‌ای آغاز شده، یعنی ابتدا به پرسش‌های بنیادین در مورد آینده فناوری و عواملی که آن را به پیش می‌رانند، یا محدودش

کتاب پیش رو بر اساس این ایده شکل گرفته است که برخورداری از دیدی بلندمدت، می‌تواند مفید باشد. تنظیم کردن چشم‌انداز بر روی سال ۲۰۵۰ هم در واقع، دعوتی است برای شناخت نیروهای بنیادینی که احتمالاً جهان میان امروز و آن زمان را شکل خواهند داد.

لازم به یادآوری است که سلف این کتاب، یعنی کتاب «تغییرات بزرگ جهان تا ۲۰۵۰» که در سال ۲۰۱۲ منتشر شد، مروری بود بر دامنه وسیعی از روندها که از ساختارهای جمعیتی و مذهب گرفته تا اقتصاد و فرهنگ را در بر می‌گرفت، اما در اینجا دامنه تمرکز باریکتر شده و تنها فناوری را در مد نظر قرار گرفته است. با این حال، کتاب «بیست تغییر بزرگ تکنولوژی تا سال ۲۰۵۰» هنوز هم دامنه وسیعی از موضوعات را در بر می‌گیرد، چرا که فناوری تقریباً به همه چیز مربوط است، چون بر همه چیز تأثیر می‌گذارد.

البته داشتن دانشی قطعی در مورد اینکه فناوری‌ها در سال ۲۰۵۰ چگونه خواهند بود، به وضوح غیرممکن است، درست همانطور که سی سال پیش هم هیچکس نمی‌توانست جهان امروز با حضور شرکت‌های «اپل»، «آمازون»،

چاپ اول این کتاب خواندنی که توسط اتاق تهران، اکونومیست، انتشاراتی آینده‌نگر و امین‌الضرب منتشر شده، حاوی فصول زیر است: آینده از آنچه فکر می‌کنید، به شما نزدیکتر است- ملاقات با ابرفناوری- جعبه‌ابزاری برای پیش‌بینی- بنیان‌های علم فیزیک برای فناوری آینده- فرصت‌های تازه در بیوتکنولوژی- فرای «قانون مور»- نسل‌های فناوری- بحث اصلی در مورد نوآوری- کشاورزی فردا- مواجهه خدمات درمانی با قدرت بیماران- برآمدن انرژی‌های تجدیدپذیر- ساخت مواد جدید- فناوری نظامی، سحرآمیز و نامتقارن- فناوری شخصی واقعاً شخصی می‌شود- اخلاق هوش مصنوعی- جهانی که داده‌ها آن را پیش می‌برند- تصور توانمندشدن همه مردم- ابرتکنولوژی در مقابل ابرنابرابری- کار و خیزش ماشین‌ها- ساعات ملاقات، یک داستان کوتاه- ما گانگ، یک داستان کوتاه- نتیجه‌گیری، درس‌هایی از انقلاب صنعتی.

اینک برای آشنایی اجمالی خوانندگان محترم با محتوای این کتاب، چکیده‌ای از مقدمه، با عنوان «ملاقات با ابرفناوری» به قلم «دانیل فراکلین»، یکی از نویسندگان کتاب، تقدیم می‌شود:

طی دهه‌های آینده، گذار از سوخت‌های فسیلی شدت خواهد گرفت و منابع تجدیدپذیر انرژی، بخصوص انرژی‌های خورشیدی و بادی که هزینه تولیدشان رو به کاهش است، توسعه قابل توجهی خواهند یافت.



از نظر فناوری، دوره پرحاصلی را در پیش رو داریم، دوره‌ای که یادآور انقلاب علمی اواسط قرن هفدهم است

تا داروسازی) به وسیله مهندسی زیستی متحول خواهند شد، چرا که این شاخه از علم، به بستری تبدیل خواهد شد برای ساخت تقریباً هر چه در طبیعت مشاهده می‌کنیم و بسیاری از موارد دیگر.

بخش بعدی کتاب حاوی این واقعیت است که بر اساس تجربه دهه‌های اخیر، می‌توان گفت که این روند به صورت یکی از موج‌های فناوری ظهور خواهد کرد. شایان ذکر است که از دهه ۱۹۵۰ تاکنون، شش موج فناوری ایجاد شده‌اند و به ساحل رسیده‌اند، از بزرگ‌رایانه‌ها گرفته تا ماشین‌های هوشمند امروزی و فناوری‌های دیگر. ضمناً هر موج هم از موج پیشین قویتر است و نیروی امواج قبلی آن را تقویت می‌کنند. بدون تردید، در هر موج مجموعه‌ای از شرکت‌ها ظهور می‌کنند، اما تنها تعداد اندکی از آنها به سلامت به ساحل می‌رسند. به عنوان نمونه، سرمایه‌گذاران بر روی هوش مصنوعی، کارشان را از حدود سال ۲۰۱۰ آغاز کردند و اکنون میلیاردها دلار به سوی شرکت‌های توسعه‌دهنده نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌های هوش مصنوعی سرازیر می‌شوند.

آخرین موضوعی که در این چکیده به آن می‌پردازیم، موضوع انرژی است. به عبارت دیگر، صنایع بخش انرژی، به خاطر سیاره زمین هم که شده، باید در آینده تغییر یابند و شباهت کمتری با وضعیت امروز داشته باشند و این بدان معنی است که باید به‌شدت از وابستگی به سوخت‌هایی که به تغییرات آب و هوایی شدت می‌بخشند، فاصله بگیرند. بنابراین، طی دهه‌های آینده، گذار از سوخت‌های فسیلی شدت خواهد گرفت و منابع تجدیدپذیر انرژی، بخصوص انرژی‌های خورشیدی و بادی که هزینه تولیدشان رو به کاهش است، توسعه قابل توجهی خواهند یافت.

انقلاب علمی اواسط قرن هفدهم است.

در ادامه بحث در باره پیشرفت‌های علمی و مروری استادانه بر وضعیت فیزیک بنیادین، ادعای قابل توجهی مطرح می‌شود، مبنی بر اینکه امروز معادلات دقیق و کاملی را در اختیار داریم که برای تشکیل پایه‌های فیزیک هسته‌ای، علم مواد، شیمی و همه اشکال مختلف مهندسی کفایت می‌کنند. در نتیجه، محاسبات مربوط به پیشرفت فناوری، می‌توانند به طور فزاینده‌ای جایگزین آزمون و خطا بشوند و پیشرفت سریعتر را ممکن سازند. مسلم است که این پدیده، فرصت‌های بسیار برای بکاربردن خلاقیت‌هایی در راستای خدمت به بشر را فراهم می‌آورد و چشم‌اندازهای الهام‌بخشی را برای دستیابی به سطوح تازه‌ای از ثروت مادی و غنای معنوی می‌گشاید. با این حال، مخاطرات عمیق و حتی فاجعه‌باری را هم می‌تواند به همراه داشته باشد که نگران‌کننده‌ترین آنها جنگ هسته‌ای، فروپاشی زیست‌محیطی و نبرد هوش‌های مصنوعی هستند. این امر نشان می‌دهد که اگر فیزیک به کمال رسیده، ولی زیست‌شناسی در حال فوران هیجان جوانی است. یکی از نویسندگان این کتاب هم پیش‌بینی می‌کند که طی دهه‌های منتهی به سال ۲۰۵۰ ما خواهیم آموخت که چگونه همه اجزا و سیستم‌های اساسی حیات را با یکدیگر بیامیزیم. همچنین برای سال‌های پیش رو می‌توان انتظار موارد تازه‌ای را داشت، مانند اتصال ذهن‌هایمان به اینترنت و تعویض اعضای کهنه بدن با اعضای نو. در همین حال، همه صنایع (از صنایع غذایی گرفته

می‌کنند، پرداخته شده‌است. پرسش‌های مزبور به شرح زیر می‌باشند: نشانه‌هایی از اوضاع و احوال پیش رو را در کجا باید جستجو کنیم؟ پیشرفت‌های علمی، بخصوص فیزیک و زیست‌شناسی، چه امکان‌هایی را فراهم خواهند آورد و در چه جاهایی فناوری با مانع مواجه خواهد شد؟ سرمایه‌گذاران چگونه می‌توانند فناوری‌های رو به ظهور را شناسایی کنند تا بتوانند روی آنها سرمایه‌گذاری نمایند؟ آیا تغییرات پیش رو واقعاً همانقدر سریع و ناگهانی خواهند بود که اغلب تصور می‌شود، یا اینکه در مقایسه با انقلاب فناوری قرن گذشته، کم‌رمق‌تر به نظر خواهند آمد؟

سپس وارد این بحث شده‌است که بدون تردید، برخورداری از یک جعبه ابزار برای شروع پیش‌بینی در مورد آینده فناوری قطعاً می‌تواند مفید باشد. به عبارت دیگر، نشانه‌های مربوط به آینده را می‌توان در الگوهای گذشته یافت. سپس این ابزارها را برای چهار حوزه امیدبخش به کار گرفته شده‌اند: (۱) واقعیت مجازی، (۲) خودروهای بدون راننده، (۳) سفرهای فضایی خصوصی و (۴) اصلاح ژنتیکی. این مثال‌ها نشان می‌دهند که از نظر فناوری، دوره پرحاصلی را در پیش رو داریم، دوره‌ای که یادآور



اقتصاد ایران در پنجمین سالگرد برجام

خبر بد دیگر در این رابطه، پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول است. بنا به محاسبات این نهاد بین‌المللی، اقتصاد ایران امسال شش درصد دیگر آب خواهد رفت و کوچکتر خواهد شد. اگر این پیش‌بینی محقق شود، تولید ناخالص داخلی به ۵۷۷ هزار میلیارد تومان کاهش پیدا می‌کند که پایین‌ترین رقم از سال ۱۳۸۵ است و به بدان معنی است که اقتصاد ایران در ۱۵ سال اخیر عملاً رشدی نکرده‌است.

(۲) تجارت خارجی: آمارهای گمرک ایران نشان می‌دهند که ایران در چهار سال قبل از برجام، سالانه حدود پنجاه میلیارد دلار واردات داشته و این رقم در چهار سال بعد از برجام، کمی کاهش یافته‌است. در مقابل، صادرات ایران که در چهار سال قبل از برجام به طور متوسط حدود ۳۱ میلیارد دلار در سال بوده، در چهار سال بعد از برجام، رشد قابل ملاحظه‌ای داشته و به حدود ۴۴ میلیارد دلار در سال رسیده‌است. بنابراین، در اثر کاهش واردات و افزایش صادرات، تراز تجارت خارجی ایران بهبود قابل توجهی داشته، یعنی از منفی ۱۹ میلیارد دلار در سال‌های ۱۳۹۰ تا

اقتصاد ایران شاهد رشد سریعی بود، به طوری که تولید ناخالص داخلی با تقریباً ۱۷ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۹۴، به رقم ۶۹۴ هزار میلیارد تومان رسید، ولی در دو سال اخیر، رشد اقتصادی ایران منفی شده و تولید ناخالص داخلی هم در سال ۹۸، به ۶۱۴ هزار میلیارد تومان رسیده، و این بدان معنی است که حجم کل اقتصاد ایران چهار سال بعد از برجام، کمتر از چهار سال قبل از توافق هسته‌ای بوده‌است.

صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده‌است که اقتصاد ایران امسال شش درصد دیگر آب خواهد رفت. اگر این پیش‌بینی محقق شود، تولید ناخالص داخلی به ۵۷۷ هزار میلیارد تومان کاهش پیدا می‌کند که پایین‌ترین رقم از سال ۱۳۸۵ است و این بدان معنی است که اقتصاد ایران در ۱۵ سال اخیر عملاً رشدی نکرده‌است.

توافق برجام در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) اعلام شد. به عبارت دیگر، پنج سال از روزی می‌گذرد که توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ اعلام شد، توافقی که دولت دکتر حسن روحانی آن را «شاه‌کلید» حل مشکلات اقتصاد ایران می‌دانست. حال سؤال این است که چقدر برجام وضع اقتصاد ایران را بهتر کرد؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، یکی از خبرنگاران بی‌بی‌سی، فارسی دست بکار شده و وضعیت پنج شاخص مهم شامل: (۱) رشد اقتصادی، (۲) تجارت خارجی، (۳) نرخ بیکاری، (۴) تورم و (۵) سطح رفاه را از چهار سال قبل از برجام تا چهار سال بعد از آن بررسی کرده‌است.

(۱) تولید ناخالص داخلی: آمارهای بانک مرکزی ایران نشان می‌دهند که در چهار سال پیش از برجام، اقتصاد ایران با رکود مواجه بوده و میزان تولید ناخالص داخلی ایران (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) از ۶۳۶ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۰، به ۵۹۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته‌است، اما در دو سال بعد از توافق هسته‌ای،

باید می پرداخت، به هزینه های خانوار اضافه می کنند. اما اشکال کار در اینجاست که به دلیل وجود تورم، مقایسه هزینه خانوار در سال های مختلف به صورت مستقیم ممکن نیست، به همین دلیل، برای مقایسه، ناچار هزینه ها را باید به قیمت های ثابت یک سال مشخص برگرداند.

گزارش های مرکز آمار ایران در این زمینه نشان می دهند که هر خانوار شهری، در سال ۱۳۹۰ به طور متوسط معادل ماهانه چهار میلیون و هشتصد هزار تومان (به قیمت های سال ۱۳۹۸) کالا و خدمات مصرف می کرده که این رقم در سال ۱۳۹۸ به کمتر از ماهی چهار میلیون تومان رسیده است. به عبارت دیگر، در طول هشت سال گذشته، سطح رفاه خانوارهای شهری در ایران به طور متوسط ۱۸ درصد پایین آمده است. افت رفاه خانوارهای روستایی از این هم شدیدتر بوده و متوسط مصرف ماهانه آن ها (به قیمت های ثابت ۱۳۹۸) از ماهی سه میلیون تومان در سال ۱۳۹۰، به کمتر از دو میلیون و دویست هزار تومان در سال ۱۳۹۸ کاهش پیدا کرده، که نشانه افت ۲۸ درصدی سطح رفاه روستاییان در طول هشت سال گذشته است. البته بخشی از این کاهش متوسط هزینه ها، می تواند به دلیل کاهش «بُعد خانوار» (متوسط تعداد ساکنان هر خانه) باشد، ولی میزان کاهش بُعد خانوار شهری در طول این هشت سال، حدود هشت درصد و برای خانوارهای روستایی حدود ۱۰ درصد بوده که کمتر از میزان افت مصرف خانوارهاست.

جمع بندی: این شاخص ها به طور کلی نشان می دهند که در سال های بعد از برجام، ایران شاهد افزایش صادرات و بالا رفتن شمار شاغلان بوده، ولی تولید ناخالص داخلی به سرزبری افتاده، مشکل تورم همچنان پابرجاست و تأثیر منفی شدیدی بر اوضاع اقتصادی مردم گذاشته است. بدیهی است که بحث درباره سهم توافق هسته ای، تصمیم دونالد ترامپ برای اعمال دوباره تحریم های آمریکا، سیاست های اقتصادی دولت و فاکتورهای دیگر در این تحولات، می تواند بحث داغی بین جناح های مختلف قدرت باشد.

<https://www.bbc.com/persian/business53381573>

هشت سال اندکی افزایش داشته و از ۳۶ میلیون و پانصد هزار نفر در سال ۱۳۹۰، به ۳۷ میلیون و چهارصد هزار نفر در سال ۱۳۹۸ رسیده است.

(۴) تورم: نرخ تورم هم در سال های قبل و بعد از برجام نوسانات قابل توجهی داشته و از کمتر از ۱۰ درصد، تا بیش از ۴۰ درصد در تغییر بوده است. آمارهای بانک مرکزی نشان می دهند که اگر سید متوسطی از کالاها و خدمات مصرفی را در نظر بگیرد که قیمت آن در سال ۱۳۹۰ صد هزار تومان بوده، چهار سال بعد قیمت همان سید بیش از دو برابر می شود و به ۲۲۸ هزار تومان می رسد. در چهار سال بعد از برجام، یعنی از ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸، هم قیمت ها بیشتر از دو برابر شده و قیمت این سید، به ۵۰۴ هزار تومان رسیده است. به عبارت دیگر، قیمت ها در هشت سال گذشته در ایران به طور متوسط بیش از پنج برابر شده اند.

(۵) رفاه خانوار: حال سؤال این است که نتیجه همه این آمارها روی زندگی مردم چه بوده است؟ باید گفت که یکی از بهترین معیارها برای سنجش رفاه عمومی، بودجه یا هزینه خانوار است، شاخصی که مجموع ارزش همه کالاها و خدماتی را که یک خانوار مصرف می کند، اندازه می گیرد. برای این مقیاس، علاوه بر ارزش کالاها و خدماتی که یک خانواده بابت آن ها پول داده، ارزش اقلامی را هم که برای استفاده از آن ها پولی نپرداخته، اندازه می گیرند. برای مثال، اگر خانواده ای خودش صاحب منزل باشد، میزان اجاره بهایی را که در صورت اجاره نشینی

۱۳۹۳، به منفی سه میلیارد دلار در سال های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ رسیده است.

(۳) بیکاری: سالهاست که تعریف بیکاری و نحوه محاسبه نرخ آن در ایران محل اختلاف است، به همین دلیل بهتر است که وضعیت بازار کار را با شاخص های دیگری بسنجیم. به گفته مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۰، یعنی چهار سال قبل از برجام، حدود ۲۰ میلیون و ۵۱۰ هزار نفر در ایران شاغل بوده اند. این رقم تا سال ۱۳۹۴ که توافق هسته ای به دست آمد، یک و نیم میلیون نفر افزایش یافت و به نزدیک ۲۲ میلیون نفر رسید. در چهار سال بعد از توافق هم شمار شاغلان بیش از دو میلیون نفر دیگر افزایش یافت و به ۲۴ میلیون و ۲۷۳ هزار نفر رسید، اما با وجود افزایش شمار شاغلان، شمار رسمی بیکاران در این هشت سال تغییری نکرده و در حدود دو میلیون و ۹۰۰ هزار نفر ثابت مانده است. لازم به ذکر است که شاغلان و بیکاران در ایران، رویهمرفته کمتر از نیمی از جمعیت بالای ۱۵ سال ایران را در بر می گیرند. بنابراین، بخش اعظم ایرانیان بالای ۱۵ سال، از نظر اقتصادی «غیرفعال» محسوب می شوند. این جمعیت غیرفعال، علاوه بر دانش آموزان، دانشجویان و بازنشستگان، شامل زنان خانه دار هم هست، زانی که در بسیاری از موارد مشخص نیست دوطالبانه خانه داری را برگزیده اند، یا به علت نبود فرصت های شغلی، به خانه داری روی آورده اند. به هر حال، داده های مرکز آمار ایران نشان می دهند که شمار جمعیت غیرفعال ایران در این





نقش خرد جمع در سقوط بازار سرمایه، یا ایجاد حباب در این بازار

بازار سرمایه، خرد فرد یا خرد جمع؟



● به کوشش: مهندس محمد مهدی تابع قانون

مقدمه

محدود کردن تأثیر فرد و فردیت در اداره امور جمعی و لزوم به مشارکت گرفتن جمع، رویکردی است که همزمان با انقلاب صنعتی و رشد همه‌جانبه آن در اروپا آغاز شد و تا به امروز نیز ادامه داشته است. همزمان با این رویداد مهم، بحث در باره تفوق خرد جمعی بر خرد فردی نیز به تدریج تمامی فضای اندیشه و قلمروهای نظریه‌پردازی جامعه جهانی را فراگرفت و سرانجام نظریه «خرد جمعی» به عنوان یک ایده کاربردی و موفق شناخته شد و مورد قبول اکثر نظریه‌پردازان قرار گرفت. این نظریه بر این اصل استوار است که دانش گروهی بر دانش فردی برتری دارد و اخذ تصمیمات بهتر برای یک جمع، آسانتر از اتخاذ تصمیم برای یک یا دو نفر است.

به عبارت دیگر، «قضاوت جمعی» می‌تواند بسیار دقیق‌تر و با کیفیت‌تر از قضاوت فردی باشد. این مقاله که برگرفته از کتاب «خرد جمع، یا تخصص و هوش نخبگان؟» است، در نظر دارد تا به شرح جایگاه خرد جمعی و خرد فردی در بازارهای مالی و بورس بپردازد و محاسن و معایب هر کدام از این دو رویکرد را مورد مطالعه قرار دهد.

منطقی یا غیر منطقی بودن تصمیم‌ها

اقتصاددانان به‌طور سنتی اعتقاد دارند که وقتی نوبت به تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌رسد، اغلب مردم منطقی عمل می‌کنند؛ گرچه ممکن است این منطقی بودن در حد کمال نباشد، اما در مجموع، قابل قبول است. به عنوان نمونه، مطالعات

«ورنون اسمیت» اقتصاددان برجسته آمریکایی، در این زمینه نشان می‌دهند که نیازی نیست تک‌تک سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی و بورس منطقی عمل کنند تا مجموعه بازار روندی منطقی داشته باشد. به عبارت دیگر، عناصر حتی غیرمنطقی وقتی که در درون گروهی با تنوع آرا قرار می‌گیرند، نظر نهایی جمع منطقی خواهد بود. لازم به توضیح است که اگر غیرمنطقی بودن عناصر یک گروه، به‌طور اتفاقی و تصادفی باشد، آن وقت در دل یک مجموعه، اشتباهات از چپ و راست یکدیگر را حذف می‌کنند و نتیجه نهایی امری منطقی خواهد بود، اما اگر غیرمنطقی بودن رفتار افراد، دایمی باشد، یا به قصد خاصی صورت پذیرد، آن وقت نتیجه به‌دست آمده قطعاً غیرمنطقی خواهد بود.

مهم‌ترین چالش برای این نظریه این باشد که نتایج به دست آمده از خرد جمعی، به خصوص در مواردی با مقیاس بزرگ، همیشه صحیح نبوده است. به عنوان مثال، در روزهای ابتدایی عرضه «بیت کوین» در سال ۲۰۰۹، بیشتر مردم تصور می کردند که این ارز دیجیتال غیرقابل اعتماد است و توفیقی پیدا نخواهد کرد، اما در حال حاضر خلاف آن ثابت شده و هر یک «بیت کوین» در حدود ۹۰۰۰ دلار ارزش دارد. بنابراین، افرادی که در سال ۲۰۰۹ به خرد جمعی اعتماد کردند و وارد این بازار نشدند، یک فرصت سرمایه گذاری باور نکردنی را از دست داده اند. در خصوص بازارهای مالی و بورس هم که موضوع این مقاله است، وضع تا حدودی همینطور است، یعنی روشن شدن میزان صحت نظر جمع مستلزم گذشت زمان است.

یکی از مسایلی که بازارهای سرمایه را از انواع دیگر تصمیم‌گیری‌های گروهی متمایز می کند، وجود گسترده افرادی است که معاملات را بر اساس حدس و گمان انجام می دهند. در واقع، اگر این گونه افراد امروز سهام یک شرکت را خریداری می کنند، به این دلیل نیست که فکر می کنند این شرکت آینده درخشانی دارد، بلکه هدفشان این است که فرد یا افرادی را پیدا کنند که سهام خودشان را با قیمت بیشتر به آن‌ها بفروشند. کسانی هم که سهام این شرکت فرضی را می خرند، هرگز نمی توانند بفهمند که آیا خرید خوبی انجام داده اند یا خیر؟ آن هم به این دلیل ساده که بازار بورس پیوسته در جریان است و نتایج مشخص و قابل ارزیابی همواره در حاله‌ای از ابهام باقی می ماند و دقیقاً به همین علت، یعنی خاتمه نیافتن فرآیند در یک زمان معین است که سهام یک شرکت ناگهان سر به آسمان می کشد و بعد هم بالا و بالاتر می رود، چون در یک مقطع زمانی ممکن است فرد متقاعد شود که در آینده‌ای نامشخص، سهام شرکت مزبور ارزنده خواهد شد. فراموش نشود که این درازمدت بودن و دیربایی، یکی از مختصات ویژه بازار سرمایه است.

محرك‌های بازار سرمایه

در بازارهایی مثل بازار سهام، دو عامل محرک



در زمان وقوع حباب در بازار بورس، ارتباط درست بین قیمت سهام و ارزش واقعی آن به کلی از هم گسسته می شود.

وقتی که گفته می شود «خرد جمعی» از بینش بهتر و لاجرم از کارایی بالاتری برخوردار است، منظور این نیست که آنچه جمع می گوید، الزاماً به طور کامل درست و منطبق بر واقعیت است، بلکه مقصود این است که آنچه جمع می گوید، از پاسخ حتی زبده‌ترین افراد همان جمع نیز به واقعیت نزدیک‌تر و قابل اعتمادتر است.

شد؟ در اینجا باید معلوم شود که وقتی صحبت از «دقت» می کنیم، مبنای مقایسه چیست؟ و چه کسی می تواند قیمت واقعی را با «دقت» لازم تعیین نماید؟

نقد خرد جمعی

وقتی که گفته می شود «خرد جمعی» از بینش بهتر و لاجرم از کارایی بالاتری برخوردار است، منظور این نیست که آنچه جمع می گوید، الزاماً به طور کامل درست و منطبق بر واقعیت است، بلکه مقصود این است که آنچه جمع می گوید، از پاسخ حتی زبده‌ترین افراد همان جمع نیز به واقعیت نزدیک‌تر و قابل اعتمادتر است. اما شاید

فرض کنید صحبت از سرمایه‌گذاری در یک کمپانی دارویی با سهامی به ارزش مجموعاً ۲۸۰ میلیارد دلار است. طبق فرمول‌های اقتصادی، در صورتی این سرمایه‌گذاری صحیح است که این شرکت ظرف دو دهه آینده بتواند ۲۸۰ میلیارد دلار پول نقد ایجاد کند. بدیهی است که کشف زود هنگام این امر، به غایت مشکل است و علت آن هم وجود عوامل و متغیرهای کاملاً ناشناخته‌ای است که در آینده شکل می گیرند و بر موضوع اثر می گذارند. بنابراین، یک معجزه خواهد بود اگر بتوان با استفاده از اطلاعات مالی و وضعیت مدیریت فعلی شرکت، بیست سال آینده را پیش‌بینی کرد.

«فیشر بلک» اقتصاددان، در تعریف از یک بازار مبتنی بر واقعیت می گوید: «اگر قیمت‌هایی که بازار بورس برای سهام یک شرکت معین کرده، بین ۵۰ تا ۲۰۰ درصد قیمت واقعی باشد، می توان گفت که بازار مناسب عمل کرده است.» به عنوان مثال، اگر قیمت واقعی یک کمپانی ۱۰ میلیارد دلار باشد و بازار قیمتی معادل پنج میلیارد دلار (۵۰ درصد) تا ۲۰ میلیارد دلار (۲۰۰ درصد) برای آن در نظر بگیرد، می توان گفت که این بازار مناسب عمل کرده است. حال سوال این است که اگر خرد جمعی قیمت شرکتی را بدون دقت لازم تعیین کرد، آیا باز هم می توان برای تصمیم جمع ارزشی قابل

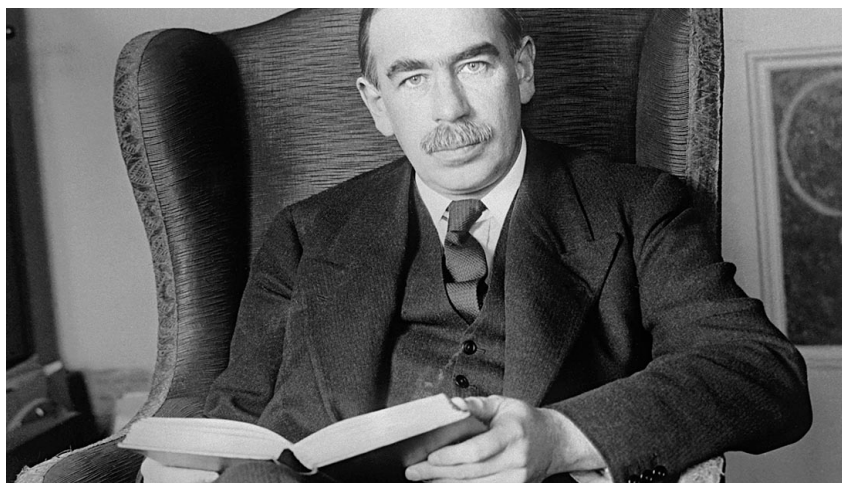
است، اما چرا؟

وقتی که فردی سهام شرکتی را خریداری می‌کند، در واقع، بخشی از درآمدهای آتی شرکت را در اختیار می‌گیرد، به این معنی که اگر یک سهم از سهام شرکتی خریداری شده باشد، چنانچه در آینده درآمدی معادل دو دلار برای هر سهم عاید آن شرکت شود، این دو دلار نصیب خریدار آن سهم خواهد شد، اما در این میان چیز دیگری هم خریداری شده و آن هم عبارت است از حق فروش دوباره آن سهم به کسی که نظر خوش‌بینانه‌تری نسبت به آینده آن شرکت دارد و به همین دلیل

است که نفر دوم همان سهم را به قیمت بیشتری نسبت به آنچه روز نخست خرید شده، خواهد خرید. نکته دیگر این که در بازار تجارت کالا، تقریباً همواره جنسی که خریداری می‌شود، کاهش ارزش خواهد داشت، نه افزایش، اما در بازار بورس قضیه برعکس است، یعنی سهمی که خریداری شده، در اغلب موارد با گذشت زمان و در بلندمدت، درست مثل خرید اجناس عتیقه افزایش ارزش خواهد داشت. در موقع خرید سهام، اگر با استفاده از روابط اقتصادی مشخص شود که ظرف بیست سال آینده،

هر سهم حداقل به عنوان مثال ۶۰ دلار عایدی خواهد داشت. قاعدتاً خریدار حاضر است که امروز سهام آن شرکت را به قیمت ۶۰ دلار خریداری کند، اما در عمل وقتی که افراد دست به خرید سهام می‌زنند، چندان توجهی به این نکته نمی‌شود، بلکه نگاه افراد به دست دیگران است و بیشتر توجه معطوف به این امر است که دیگران در مورد عایدی این شرکت در آینده چه فکری می‌کنند. به عبارت دیگر، در این مرحله واقعیت‌های اقتصادی کنار گذاشته می‌شوند و ملاک تصمیم، قضاوت دیگران است. بنابراین، در بازار سهام، تصمیم‌گیری‌ها به نحو عجیبی وابسته به یکدیگر شده‌اند، یعنی وقتی که شخصی تصمیم به خرید سهام می‌گیرد، به طور مرموزی نظر دیگران برایش مهم است و نمی‌تواند به طور مستقل فکر کند و تصمیم بگیرد.

«جان مینارد کینز» معتقد است چیزی که بازار بورس را عجیب می‌کند، تنها این نیست که اغلب سرمایه‌گذاران می‌خواهند بدانند که



این پدیده، تمامی شرایطی که ضامن سلامت تصمیم‌گیری جمع هستند، یعنی استقلال افراد، تنوع آرا و برخورداری از قضاوت شخصی، همه از میان رخت بر بسته‌اند. اما به راستی چه می‌شود که ناگهان هیولای حباب ظاهر می‌شود یا بازار سقوط می‌کند و بورس سهامداران برای فروش و خروج از سهم اتفاق می‌افتد؟ چرا ناگهان خرد جمعی سهامداران را به خطا می‌برد و «جنون جمعی» حادث می‌شود؟

جنون جمعیت و رفتار توده‌وار

به نظر می‌رسد که این تعبیر نخستین بار توسط «جان مینارد کینز» اقتصاددان برجسته انگلیسی، به کار گرفته شده‌اند. این مفهوم اشاره به زمانی دارد که افراد در تصمیم‌گیری‌های خود در بازارهای مالی تحت تأثیر کامل تصمیمات دیگران هستند و بر این اساس بازار دچار حباب یا نوسانات غیرعادی می‌گردد. در واقع، دارایی‌ها در این شرایط به طور صحیح قیمت‌گذاری نمی‌شوند.

اما نخستین چیزی که در نگاه اول به پدیده سقوط و حباب در بازار بورس جلب توجه می‌کند، این است که در عالم اقتصاد، آنجا که پای خرید، فروش و تجارت در میان است، هرگز این‌گونه اتفاقات نمی‌افتند. به عبارت دیگر، در عالم تجارت، هرگز با این پدیده مواجه نخواهیم شد که افزایش قیمت یک کالا نظر عموم را به خود جلب کند و افراد برای خرید آن حریص شوند، بلکه عکس این قضیه صادق است. پس به این ترتیب، می‌توان گفت که پدیده ظهور حباب، مختص بازار بورس

«جان مینارد کینز» معتقد است چیزی که بازار بورس را عجیب می‌کند، تنها این نیست که اغلب سرمایه‌گذاران می‌خواهند بدانند که یک «سرمایه‌گذار متوسط» چگونه فکر می‌کند، بلکه یک سرمایه‌گذار متوسط می‌خواهد بداند که سرمایه‌گذاران متوسط دیگر چگونه فکر می‌کنند.

ترس و طمع در هر مقطع وجود دارند. در بازار بورس وقتی که فردی سهامی را می‌فروشد، معتقد است که احتمال پایین آمدن قیمت آن سهام در آینده بسیار بیشتر از احتمال افزایش آن است. از سوی دیگر، کسی که آن سهام را می‌خرد، نظری مخالف دارد و احتمال بالا رفتن قیمت را بیشتر می‌داند، اما تردید نیست که در نهایت نظر یکی از آن دو نفر درست خواهد بود. برای اثبات این که کدام یک از این دو نظر صحیح است، هزاران عامل مجهول در طول زمان دخالت خواهند کرد. یکی از این هزاران عامل مجهول، عامل انسانی است، یعنی میلیون‌ها نفری که در بازار حضور دارند و هر لحظه به طور مثبت یا منفی بر بازار اثر می‌گذارند. عامل مجهول دیگر، عامل حباب‌هاست. در زمان وقوع حباب در بازار بورس، ارتباط درست بین قیمت سهام و ارزش واقعی آن به کلی از هم گسسته می‌شود. سقوط بازارهای بورس و ایجاد پدیده حباب، نمونه کاملی از موارد خطای تصمیم جمعی است. به هنگام بروز

یک «سرمایه‌گذار متوسط» چگونه فکر می‌کند، بلکه یک سرمایه‌گذار متوسط می‌خواهد بداند که سرمایه‌گذاران متوسط دیگر چگونه فکر می‌کنند. حتی از این هم فراتر، یک سرمایه‌گذار متوسط می‌خواهد بداند که سایر سرمایه‌گذاران متوسط در مورد فکر سرمایه‌گذاران متوسط چگونه می‌اندیشند و سپس همان فکر را چگونه ارزیابی می‌کنند. نکته مهم دیگر این است که در روزهای عادی، وابستگی به فکر دیگران کم‌تر است، ولی در موقع ظهور حباب یا سقوط بازار بورس، این وابستگی به شدت افزایش یافته و جنون جمعیت عینیت می‌یابد.

لازم به ذکر است که سقوط بازار سهام پدیده‌ای است عکس حباب، با این تفاوت که به طور ناگهانی و غیرمنتظره پدید می‌آید و به هنگام سقوط، سرمایه‌گذاران برعکس حالت حباب، به طور جمعی و ناگهانی به این نتیجه می‌رسند که سهام رو به سرازیر شدن گذاشته و هیچ چیز نمی‌تواند آن را نجات دهد. از این رو است که فروش ناگهانی در مقیاس وسیع آغاز می‌شود. رازی که هنوز اقتصاددانان موفق به کشف آن نشده‌اند، همین است که چرا پدیده سقوط بازار این چنین سریع است؟

ارزشی اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی

تردیدی نیست که سرمایه‌گذاران امروز بیش از هر زمان دیگری در تاریخ از اطلاعات بهره‌مند هستند. البته باید این نکته را در نظر داشت که در بازارهای کارا عدم تقارن اطلاعاتی به حداقل ممکن می‌رسد، اما بر اساس همین فرضیه می‌بایست متذکر شد که حتی در پیشرفته‌ترین بازارهای مالی جهان نیز مفهومی به نام بازار کارا به شکل کامل و قوی وجود ندارد و این موضوع باعث می‌شود که عدم تقارن اطلاعاتی منجر به کسب نتایج غیرمعمول گردد.

اما در بین اطلاعاتی که امروز سرمایه‌گذاران در اختیار دارند، یکی هم آن است که در چه زمانی پدیده حباب در بازار اتفاق افتاده است. با وجود این آگاهی و احتمال، انسان از خود سوال می‌کند: پس چطور ممکن است که باز هم این اتفاق روی می‌دهد؟ افرادی که در درون حباب قرار گرفته‌اند، متوجه نیستند که در وضعیت مزبور به سر می‌برند.

استدلال این است که حتماً فردی در میان جمع پیدا می‌شود که سهام آن‌ها را بخرد. در بازار بورس، با ظهور پدیده حباب، افراد هرگز احساس نمی‌کنند که در حال گران خریدن هستند، چرا که معاملات همچنان در گردش است و کسی نمی‌تواند نقطه پایان این خط را ببیند. لذا به نظر افراد وضعیت عادی است و چون شرکت‌ها واقعاً معتبرند، لذا قیمت سهامشان به طور دایم بالا می‌رود. بنابراین، اگر قبول داشته باشیم که نهایتاً «عقل جمعی» تصمیم می‌گیرد، پس باید بپذیریم که مجموعاً بازار بورس صحیح عمل می‌کند و اشکال وقتی پدید می‌آید که افراد یک‌باره دست از افکار مستقل خود می‌کشند و همگی ناگهان به این نتیجه می‌رسند که جمع درست عمل می‌کند، لذا هر فرد تابع جمع می‌شود و تنوع آرا از میان می‌رود. به عبارت دیگر، خرد جمعی زمانی به پایین‌ترین سطح خود تنزل می‌کند که مردم مثل تصاویر یکدیگر در آینه عمل کنند و همه از یک فکر تبعیت نمایند.

از سوی دیگر، تردیدی نیست که اطلاعات فی‌نفسه چیز باارزشی است و به همین علت، یکی از چالش‌های اقتصاد مدرن، اطمینان‌یافتن از این امر است که سرمایه‌گذاران از اطلاعات کافی برخوردار باشند، اما تجربه نشان می‌دهد که داشتن همین اطلاعات در زمان صعود ناگهانی ارزش سهام (حباب) و سقوط بازار بورس، نوعی از آگاهی است که منجر به بدتر کردن اوضاع می‌شود. از طرف دیگر، غیر از مسأله خود اطلاعات، نحوه رساندن اطلاعات به افراد نیز می‌تواند تأثیر عمیقی بر روند اوضاع بازار داشته باشد.

اثر منفی اطلاعات اضافی

تجربه‌ای در این زمینه وجود دارد حاکی از اینکه اطلاعات اضافی و آگاهی بیش از حد ممکن است منجر به تصمیم‌گیری غلط شوند. در این تحقیق که در دانشگاه MIT صورت گرفته، ابتدا دانشجویان به دو گروه مساوی تقسیم شدند و با مشخص کردن تعدادی سهام، از آنان خواسته شد تا با مراجعه به اطلاعاتی که به آن‌ها داده می‌شود، قیمت سهام

را پس از گذشت زمانی معین مشخص کنند. یک گروه، تنها در جریان نوسان‌های قیمت قرار می‌گرفت و گروه دیگر، علاوه بر نوسان‌های قیمت، اطلاعات مالی شرکت و دلایل آن نوسان‌ها را نیز دریافت می‌نمود. نتیجه این بود: گروه با اطلاعات کم‌تر، بسیار دقیق‌تر از گروه دیگر عمل کرد! تنها دلیلی هم که دانشگاه برای این امر پیدا کرد، آن بود که اطلاعات اضافی گاه باعث می‌شوند که اطلاعات اصلی تحت‌الشعاع قرار گیرند و شخص بر اساس داده‌هایی که از درجه اهمیت کم‌تری برخوردارند، تصمیم‌گیری نماید. به عبارت دیگر، گروهی که اطلاعات اضافی دریافت می‌کرد، به محض دریافت هر خبر مالی جدید، دست به خرید یا فروش می‌زد و به این ترتیب، به آسانی از واقعیت دور می‌افتاد.

بنابراین، وقتی که مسایل اقتصادی، اجتماعی و نیز سیاسی به مرحله تصمیم‌گیری می‌رسند، گروه‌ها سخت به اطلاعات اتکا می‌کنند. در این لحظات، هرگونه اطلاعاتی که انگشت اشاره‌اش به سمت و سویی معین باشد، باعث حرکت توده‌های مردم در آن جهت می‌شود، اما گروه‌ها وقتی باهوش و ذکاوت عمل می‌کنند که اطلاعات هر فرد از گروه، جنبه شخصی برای خود آن فرد داشته باشد. در این صورت است که با روی هم نهادن این اطلاعات شخصی و اختصاصی، جمع به طور حیرت‌انگیزی به واقعیت نزدیک می‌شود، اما در بازار بورس متأسفانه این اطلاعات جنبه شخصی ندارند و شدیداً بین افراد جمع مشترکند، یعنی رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، نقش مؤثری را در همگرایی افکار در بازار بورس بازی می‌کنند. به همین علت، در زمان داغی بازار، کم‌تر صدایی در مخالفت با روند خارج از قاعده بازار بلند می‌شود و در هنگام سقوط نیز کم‌تر کسی است که بگوید تا این حد بدبینی صحیح نیست، یعنی تفکر فردی به کلی از میان جمع رخت برمی‌بندد، افراد منطق خود را به کلی از دست می‌دهند و گیج و مبهور دست به اعمال غیرمنطقی می‌زنند، لیکن واقعیت این است که آن‌ها کاری جز تبعیت از جمع نمی‌کنند. ■

گلگشت



مولانا:

حیلت رها کن عاشقا، دیوانه شو، دیوانه شو
و اندر دل آتش درآ، پروانه شو، پروانه شو
باید که جمله جان شوی، تا لایق جانان شوی
گر سوی مستان می‌روی، مستانه شو، مستانه شو

رقص

تصویر من از زندگی، یک رقص است. این ذات رقصیدن است که لذت بخش است. ما با رقصیدن نمی‌خواهیم به جایی برسیم. موقع رقصیدن، به گذشته و آینده فکر نمی‌کنیم، بلکه فقط در زمان حال هستیم. کسی که می‌رقصد، لزوماً نیازی به همراه و تماشاگر ندارد و به تنهایی هم از این کار لذت می‌برد. در رقصیدن، به دنبال هیچ پاداشی نیستیم و فقط بخاطر لذت بردن، آن را انجام می‌دهیم.

رقص زمانی زیباست که در آن هماهنگی وجود داشته باشد. زندگی نیز همین‌گونه است. یکی سلامتی را فدای کار می‌کند. یکی خانواده را فدای قدرت و ثروت می‌کند. دیگری جایی برای تفریح در زندگی نمی‌گذارد. همه اینها عدم هماهنگی است، اما اگر زندگی‌مان رقص‌گونه باشد، همه چیز را در هماهنگی و تعادل نگه می‌داریم.

(مصطفی ملکیان)

باشم [منظور کتاب مقدس است] که به جای فهم عمل کند، اگر کشیشی داشته باشم که به جای وجدانم عمل کند و اگر پزشکی داشته باشم که به من بگوید که چه چیزهایی را بخورم و چه چیزهایی را نخورم و... در این صورت، نیازی ندارم که به خودم زحمت بدهم. اصلاً احتیاجی ندارم که ببیندیم. تا وقتی پول دارم، دیگران جور مرا می‌کشند، اما قییم‌هایی که از سر خیرخواهی، سرپرستی انسان‌های صغیر را بر عهده گرفته‌اند، خیلی زود در می‌یابند که بخش اعظم نوع بشر برداشتن گام به سوی بلوغ ذهنی را نه تنها دشوار، بلکه بسیار خطرناک می‌داند! بنابراین، قییم‌ها پس از آن که گاوان خود را رام کردند و مطمئن شدند که این زبان‌بسته‌های مطیع و سربه‌راه بدون یوغی که بر گردن دارند، گامی بر نخواهند داشت، آنان را برحذر می‌دارند که مبادا این یوغ را از گردن خود بیفکنند و آزادانه گام بردارند! چون در آن صورت، خطر آنان را تهدید خواهد کرد! اما این خطر واقعاً چندان بزرگ نیست، زیرا پس از آن که آنان چند بار زمین خوردند، قطعاً سرانجام راه رفتن را فرامی‌گیرند.

اما یک بار زمین خوردن، انسان‌ها را چنان ترسو و وحشت‌زده می‌کند که دیگر نمی‌کوشند تا بر پای خود بایستند و بی کمک دیگران گام بردارند. از این رو، برای فرد دشوار است که از صغیربودن که فطرت او شده، خود را بیرون آورد. او از صغیربودن خویش خرسند است و در وضع کنونی‌اش، از به کار بردن فهم خود واقعاً ناتوان است، زیرا تاکنون هیچ کس اجازه چنین کاری را به او نداده است. به همین علت، شعار روشنگری این است: در به کارگیری فهم خویش دلیری ورز!

نقل از آکادمی علوم انسانی - @sibawayhis



روشنگری چیست؟

امانوئل کانت، فیلسوف شهیر آلمانی می‌گوید: روشنگری، بدرآمدن آدمی است از نابالغی خود کرده‌اش. نابالغی، یعنی ناتوانی در به کار بردن فهم خود بدون رهنمود دیگری. نابالغی هنگامی خود کرده است که علت آن نه کاستی فهم، بلکه کاستی عزم و دلیری در به کار بردن فهم خویش بدون رهنمود دیگری باشد.

پس شعار روشنگری این است: در به کارگیری فهم خویش دلیری ورز! تنبلی و بزدلی دلایلی هستند که بخش بزرگی از انسان‌ها، زمانی طولانی پس از آن که طبیعت آنان را به بلوغ جسمی رسانده و از یوغ قیومت دیگران آزاد کرده، همچنان با خرسندی در همه عمر صغیر می‌مانند. و نیز به همین دلایل است که برای دیگران بسیار آسان است که خود را قییم آنان کنند.

چه راحت است صغیربودن! آدم صغیر پیش خود چنین استدلال می‌کند: اگر کتابی داشته

گلگشت

در فواید آزادی بیان و آزادی پس از بیان

فردریک کبیر که از سال ۱۷۴۰ تا ۱۷۸۶ بر کشور آلمان حکومت می‌کرد، معتقد به آزادی اندیشه بود و رشد فکری مردم را در گرو آن می‌دانست. مشهور است که او یک روز سوار بر اسب با همراهانش از یکی از خیابان‌های برلین می‌گذشت. گروهی از مخالفان اعلامیه تند و تیزی علیه او بر دیوار چسبانده بودند. فردریک آن را به دقت خواند و گفت: بی‌انصاف‌ها چقدر اعلامیه را بالا چسبانده‌اند، ما که سوار اسب هستیم، آن را به راحتی خواندیم، ولی افراد پیاده برای خواندنش به زحمت می‌افتند. آن را بکنید و پایین‌تر بچسبانید تا راحت‌تر خوانده شود!

یکی از همراهان با حیرت گفت: اما این اعلامیه بر ضد شما و اساس امپراتوری است. فردریک با خنده پاسخ داد: اگر حکومت ما واقعاً به مردم ظلم کرده و آنقدر بی‌ثبات است که با یک اعلامیه چندخطی ساقط شود، همان بهتر که زودتر برود و حکومت بهتری جای آن را بگیرد، اما اگر حکومت ما بر اساس قانون و نیک‌خواهی و عدالت اجتماعی و آزادی بیان و قلم است، مسلم بدانید آنقدر ثبات و استحکام دارد که با یک اعلامیه از پا نیفتد.

https://t.me/A_daghtar

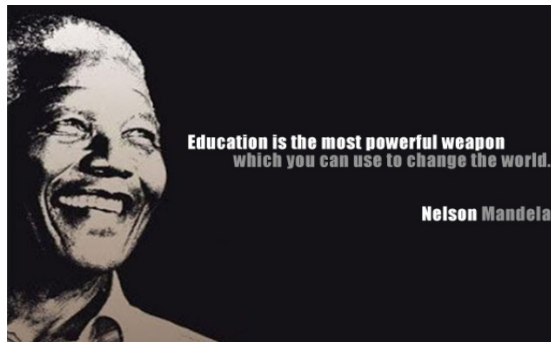


درس‌هایی از نلسون ماندلا

داشت. می‌گفت: بهترین روش شناخت یک کشور، شناخت وضعیت زندان‌های آن است. همیشه در حال یادگیری بود و معتقد بود که آموزش، مؤثرترین روش تغییر جهان است. هم انسان شریفی بود و هم سیاستمدار بود. می‌گفت: مرا با موفقیت‌هایم نسنجید، بلکه با تعداد دفعاتی که سقوط کردم و دوباره برخاستم، ارزیابی کنید.

ماندلا می‌گفت: وقتی که به شخصی قدرت بی‌پایان و غیرقابل مهار می‌دهید، با این عمل، یک قدرت را از وی می‌ستانید و آن هم قدرت عدالت‌ورزیدن است و اینگونه است که خود شما یک دیکتاتور می‌سازید. قدرت و لذت از قدرت بسیاری از رهبران آفریقایی را آلوده کرد، اما ماندلا فراتر از همه آنها عمل کرد و چهره ماندگار تاریخ شد. فقط پنج سال رییس جمهور بود و هر چه از او تمنا کردند، کاندیدای دوره دوم ریاست جمهوری نشد.

ماندلا نام بیوگرافی خود را گذاشت: راه طولانی آزادی! (دکتر محمود سربخ قلم)



با مخالف به صلح برسید، باید با او کار کنید و با او شریک شوید. معتقد بود که سخت‌تر از تغییر جامعه، تغییر خودت است. به طور واقعی و پایدار، متواضع و از خود گذشته بود. ذاتا باورنسیب بود و دیگران هیچوقت احساس حيله‌گری از جانب او ندیدند. او در پی شوکت فردی نبود و ایرادها و اشتباهات خود را مخفی نمی‌کرد. کنترل عمیقی بر احساسات و رفتار خود داشت. معتقد بود که تا فقر از میان نرود، آزادی بدست نمی‌آید. توان قابل توجهی در اجماع‌سازی میان نیروهای مختلف سیاسی را

نلسون ماندلا، فعال سیاسی، آزادیخواه و نخستین رییس جمهور آفریقایی جنوبی، مدت ۲۷ سال برای مبارزه با نژادپرستی تلاش کرد. ۲۷ سال زندانی کشید و ۱۸ سال آن را در زندانی با ابعاد ۲/۱*۲/۷ متر گذراند.

او معتقد بود که نفرت، مانع فکر کردن منطقی می‌شود، لذا پس از آزادی از زندان، از مردم خواست تا از سفیدپوستان انتقام نگیرند و آنها را ببخشند. او از طریق احترام به انسان‌ها، به دستاوردهای بزرگی دست یافت. به مردم گفت: اگر می‌خواهید



ماشین در برابر انسان

یادگیری ماشینی چه تفاوتی با یادگیری انسان‌ها دارد؟ و آیا می‌توان ماشین‌ها را جایگزین انسان کرد؟

منبع: سایت رسمی مجمع جهانی اقتصاد

نویسنده: اسکات دیوید

مترجم: سید حسین علوی لنگرودی

آیا تاکنون از خودتان پرسیده‌اید که چه چیزهایی را نمی‌دانید که باید از آنها آگاهی داشته باشید؟ و اینکه چطور باید آن چیزها را بدانید؟ راستی، شما چگونه چیزهای مختلف را یاد می‌گیرید؟

انسان‌ها از طریق الگوهای پرسش‌سازی و جستجو برای یافتن پاسخ اقدام به یادگیری می‌کنند و در این میان، از ابزارهای متنوعی همچون جستجو در اینترنت، مطالعه کتاب، پرس‌وجو از افراد آگاه و انجام مطالعات و پژوهش‌های میدانی نیز بهره می‌برند، اما تاکنون از خودتان پرسیده‌اید که یک ماشین یا روبات چگونه یاد می‌گیرد و به دامنه دانسته‌هایش

می‌افزاید؟ آیا ماشین‌ها هم می‌توانند مانند انسان‌ها از ابزارهای مختلف برای یادگیری استفاده کنند، یا اینکه وضعیت کاملاً منفعلی در یادگیری دارند و برای افزایش دانسته‌های خود به انسان‌ها نیاز دارند؟

برای یافتن پاسخ این سوالات کفایت سری به اینترنت و موتورهای جستجو بزنید و موضوعی یا کتابی را برای جستجو کردن در آنها وارد کنید: پس از چند ثانیه با هزاران وبسایت پیشنهادی روبرو می‌شوید که توسط ماشینی به نام «موتور جستجو» یا اینترنت به شما پیشنهاد می‌شوند. به فرض شما وارد سایت آمازون می‌شوید و کتاب

مورد نظرتان را در آنجا جستجو می‌کنید. سایت آمازون علاوه بر پیدا کردن کتاب مورد نظرتان، یک سری کتاب‌های دیگر را نیز به شما پیشنهاد می‌کند که اتفاقاً به طور دقیق و کامل همسو و مرتبط با موضوع کتاب مورد نظرتان هستند. در گوگل و فیسبوک و لینکدین هم وضع به همین منوال است و جستجوهای شما در این ابرسایت‌ها خیلی زود شخصیت، علاقمندی‌ها و نیازهای شما را برای ماشین‌ها روشن می‌سازند و در این زمان است که ماشین‌ها خیلی زیرکانه و هوشمندانه همان چیزهایی را به شما پیشنهاد می‌کنند که دلخواه شما و مورد نیازتان است و در

هوش مصنوعی می‌تواند به تحقق بسیاری از رؤیاهای دیرین بشر کمک شایانی نماید و محدودیت‌های موجود در زندگی انسان را کم‌رنگ‌تر و یا ناپدید سازد.

واقع، این ماشین‌ها هستند که یادگیری شما را کنترل می‌کنند و به آن سمت و سو می‌بخشند. ماشین‌ها قادرند با بی‌نهایت الگوریتم‌هایی که در اختیار دارند، دقیقاً بر نقطه حساس انسان‌ها انگشت بگذارند و بدین ترتیب، سازمان‌های انسانی را مدیریت کنند.

هوش مصنوعی هم‌اکنون در اوج شکوفایی است و سرمایه‌گذاران در این عرصه به سودهای فوق‌العاده‌ای دست می‌یابند. در این میان، حوزه «یادگیری ماشینی» نیز از جمله حوزه‌هایی است که به شدت مورد علاقه و توجه شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران قرار گرفته است. در یادگیری ماشینی تلاش می‌شود تا با تقویت هوشمندی کامپیوترها از طریق پردازش حجم بیشتری از اطلاعات، کاربردهای جدیدی برای آنها در نظر گرفته شود، از جمله در تشخیص تصاویر موجود در عکس‌ها، فیلترکردن پیام‌های ناخواسته و خطرناک و تبلیغات هدفمندتر اینترنتی. برخی از شرکت‌ها پا را از این هم فراتر نهاده‌اند و می‌کوشند تا از پیشرفت‌ها در زمینه هوش مصنوعی برای تحقق رویاهایی همچون «ماشین خودراننده» و «دستیار شخصی مصنوعی» که قادر به فهم و اجرای فرامین پیچیده و متنوعی است، استفاده کنند. در نتیجه چنین پیشرفت‌های همه‌جانبه و سریعی است که امروزه دیگر نمی‌توان هوش مصنوعی را فقط به روبات‌ها و یا گجت‌ها محدود کرد و دامنه هوش مصنوعی روز به روز در حال وسیع‌تر شدن است. به عبارت بهتر، هوش مصنوعی می‌تواند به تحقق بسیاری از رویاهای دیرین بشر کمک شایانی نماید و محدودیت‌های موجود در زندگی انسان را کم‌رنگ‌تر و یا ناپدید سازد.

آیا یک روبات را می‌توان جایگزین یک انسان کرد؟

یکی از سوالاتی که ذهن بسیاری را به خود مشغول داشته، این است که با توجه به فراگیر شدن تکنولوژی‌های دیجیتال و گسترش اتوماسیون کاری و سپرده‌شدن اغلب کارها به ماشین‌ها، آیا می‌توان کلیه وظایف یک انسان را به یک ماشین و به عبارت روشن‌تر، به یک روبات سپرد؟ و آیا یک روبات هوشمند و پیشرفته بهتر از یک انسان باتجربه می‌تواند مسایل را تجزیه و تحلیل نماید و تصمیمات درست‌تری بگیرد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها باید گفت که در دورانی که ویژگی بارز آن تحولات سریع و شگفت‌انگیز تکنولوژی است و هر روزه شاهد خبرهای جدیدی در زمینه پیشرفت در عرصه روباتیک و هوش مصنوعی هستیم، طبیعی است که روبات‌ها و ماشین‌ها برای انجام کارهای حساس و مهم کاندیدا شوند. روبات‌ها می‌توانند حجم عظیمی از کارها را در مدت زمان بسیار طولانی انجام دهند و هیچ‌گاه هم از انجام کارهای تکراری و کسالت‌بار برای انسان خسته نمی‌شوند و کارها را با دقت بسیار انجام می‌دهند. به خاطر وجود همین ویژگی‌هاست که امروزه از روبات‌ها برای انجام عمل‌های جراحی حساس، ساختن خودرو، جابجا کردن محموله‌ها در انبار، نظافت هتل‌ها و سروکردن نوشیدنی برای مشتریان در کافی‌شاپ‌ها و مواردی از این قبیل استفاده می‌شود.

با این همه، سیاست‌گذاران و متخصصان عرصه هوش مصنوعی و علوم روباتیک به دنبال گسترده‌تر کردن چتر فعالیت‌ها و کارکردهای روبات‌ها و ورود به حوزه‌های جدیدی هستند که شاید همین الآن هم فکر کردن به آنها غیر منطقی و گاه مضحک به نظر برسد. یکی از اولویت‌های پژوهشی اصلی در ارتباط با ماشین‌ها و یادگیری ماشینی این است که روبات‌ها و ماشین‌هایی را طراحی کنیم که درک بهتری از رفتار انسان داشته باشند و در مرحله بعد بتوانند رفتار انسان را

تقلید کنند و به عبارت بهتر، رفتاری انسان‌گونه داشته باشند. به عقیده بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران دنیای روباتیک و هوش مصنوعی، نسل آینده روبات‌ها را ماشین‌های قدرتمندی تشکیل خواهند داد که قادرند در موقعیت‌های سخت و پیچیده به خودی خود تصمیم بگیرند و سپس تصمیمات اتخاذ شده را به اجرا درآورند. در این میان، هر چه یک روبات از توانایی‌های بالاتری در تجزیه و تحلیل موقعیت‌ها و بررسی داده‌ها برخوردار باشد، قادر خواهد بود که کارهای پیچیده‌تر و حساس‌تری را بر عهده بگیرد و در نتیجه، خیال انسان‌ها را از انجام آن کارها آسوده کند تا آنها بتوانند وقت‌شان را صرف کارهای مولد و نرم کنند. اما آیا این موضوع در مورد مدیرعاملی یک شرکت یا سازمان نیز صدق می‌کند؟ و آیا می‌توان زمام امور یک شرکت با صدها و یا هزاران نفر کارمند و کارگر و مدیر را به یک روبات سپرد؟

یک روبات به جای مدیرعامل؟!

مزیت‌ها و نکات مثبت بسیاری را برای به‌کارگیری یک روبات به عنوان مدیرعامل یک شرکت می‌توان برشمرد: اول اینکه روبات‌ها می‌توانند تصمیمات بهتر و مسوولانه‌تری را اتخاذ نمایند، چرا که آنها نسبت به حواشی و تردیدها و وسواس‌های فکری که ممکن است دامن انسان‌های در معرض تصمیم‌گیری را بگیرند، بی‌اعتنا هستند و تنها بر اساس واقعیات و منطق، یک تصمیم را اتخاذ می‌کنند. باید پذیرفت که مدیرعاملی که جلسه پرتنش را با اعضای هیأت مدیره برگزار کرده‌است، توانایی ذهنی‌اش برای تصمیم‌گیری درست تا حد زیادی کاهش می‌یابد و ممکن است در زمان اتخاذ تصمیم دست به کاری بزند که بعدها از انجام آن پشیمان شود. به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری‌های او تحت‌الشعاع حواشی و عوامل مزاحم بیرونی قرار بگیرد، در حالی که چنین چیزی در مورد روبات‌ها و ماشین‌های هوشمند روی نخواهد داد. از سویی دیگر، روبات‌ها در زندگی خود با اتفاقات

با وجود تمام مزیت‌ها و برتری‌هایی که ربات‌های مدیرعامل می‌توانند نسبت به مدیرعامل‌های انسانی داشته باشند، اما باز هم ظرافت‌ها و مهارت‌هایی در نقش‌آفرینی انسان به عنوان یک مدیرعامل وجود دارد که باعث حفظ برتری انسان بر ماشین می‌شود.

و همیشه بهترین تصمیم ممکن را گرفته باشد و به همین دلیل هم شاهد دوره‌های اوج و افول متعدد در تمام شرکت‌ها حتی موفق‌ترین آنها بوده و هستیم، اما با ورود مدیران عامل رباتیک، می‌توان شرایطی را تصور کرد که در آن شرایط، ثبات و همگونی در تصمیمات مدیریت عامل در بلندمدت تحقق یابد و همه کارها بر اساس نظمی مثال‌زدنی انجام شوند.

سوالی که ممکن است در اینجا مطرح شود، این است که آیا رباتی که بر صندلی مدیرعاملی یک شرکت بزرگ تکیه زده‌است، قادر است با سایر مدیران و کارکنان در درون شرکت و یا با مدیران عامل سایر شرکت‌ها و یا مشتریان ارتباط برقرار کند و به عنوان مثال، در جلسات مشترک با آنها حضور یابد و به صحبت‌هایشان گوش دهد و با آنها مذاکره کند؟ پاسخ این سوال به طور حتم مثبت است، چرا که پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه افزایش سطح هوشیاری

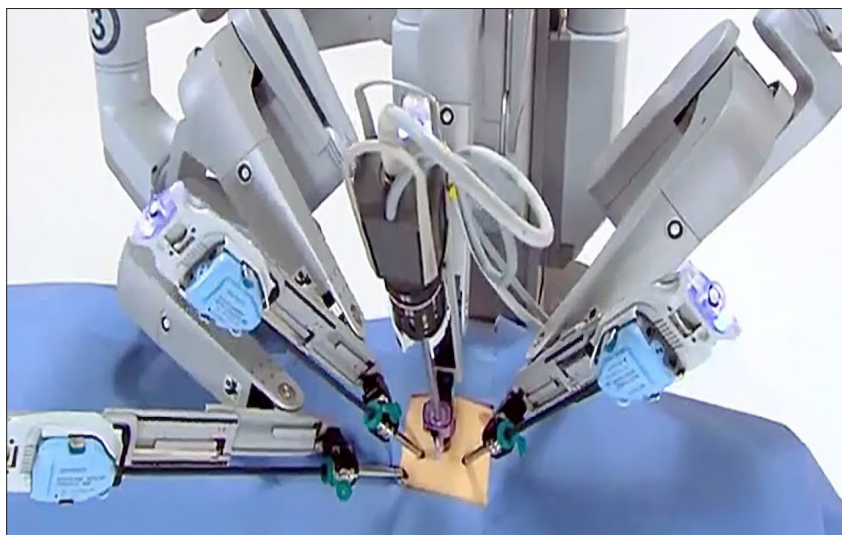
روبات‌ها می‌توانند حجم عظیمی از کارها را در مدت زمان بسیار طولانی انجام دهند، هیچ‌گاه از انجام کارهای تکراری و کسالت‌بار خسته نمی‌شوند و در عین حال، کارها را هم با دقت بسیار انجام می‌دهند.

غیرمنتظره که برای همه انسان‌ها رخ می‌دهد، مواجهه نمی‌شوند و به همین دلیل هم هست که تصمیمات اتخاذشده توسط روبات‌ها از حالت متوازن و پایداری برخوردار است و در راستای تحقق هدف یا اهداف مشخصی اتخاذ می‌شود، در حالی که این مسأله در مورد انسان‌ها به‌ندرت اتفاق می‌افتد و اغلب مدیران عامل بر اساس موقعیت‌های بیرونی و عوامل خارجی تصمیمات خود را تغییر می‌دهند.

دومین برتری یک مدیرعامل رباتیک بر مدیرعامل انسانی، به خستگی‌ناپذیری و فارغ‌بودن آنها از فاکتور زمان مربوط می‌شود. یک مدیرعامل رباتیک می‌تواند در بیست و چهار ساعت شبانه‌روز و هفت روز هفته بدون وقفه کار کند و حاصل تفکرات و تجزیه و تحلیل‌های خود را در قالب تصمیمات درست و معقول در اختیار ما قرار دهد، در حالی که چنین چیزی در مورد انسان‌هایی که وظیفه خطیر مدیرعاملی را بر عهده می‌گیرند، غیرممکن است و حتی زنده‌ترین و توانمندترین مدیرعامل هم پس از چند ساعت کار متوالی دچار خستگی شده و بهره‌وری‌اش تا حد زیادی کاهش می‌یابد. به علاوه، یکی از مهم‌ترین کیفیت‌ها و توانمندی‌های یک مدیرعامل در ثبات قدم و نوسان‌ناپذیری او نهفته است، در حالی که کمتر مدیرعاملی را می‌توان پیدا کرد که در تمام عمر کاری‌اش در اوج باشد

و درک مفاهیم توسط روبات‌ها، باعث شده‌است تا این نقطه ضعف بنیادین روبات‌ها و ماشین‌ها به تدریج برطرف گردد. بنا به گزارش رسمی مؤسسه تحقیقاتی دیپولیت که از موسسات فعال در زمینه تحقیقات بر روی یادگیری ماشینی و هوش مصنوعی است، در حال حاضر، امکان اتوماسیونی‌کردن ۲۳ درصد فعالیت‌ها و کارهایی که به درجات بالای تعامل و برقراری ارتباطات فرد به فرد نیاز دارند، فراهم آمده و می‌توان انجام این کارها را به ماشین‌ها و روبات‌ها سپرد. بنابراین، مذاکره کردن یک روبات با شما و درک کامل تمام آنچه شما می‌گویید توسط او، پدیده عجیب و غیرقابل پذیرشی نخواهد بود.

استفاده از یک مدیرعامل رباتیک برای شرکت در جلسات مذاکره با مشتریان و شرکا، می‌تواند موقعیت شرکت یا سازمان شما را از جهات مختلف مستحکم سازد، چون از یک سو، طرف مقابل خود را با مدیرعاملی مصمم و نفوذناپذیر مواجه می‌بیند که با خونسردی و تسلط همیشگی و تزلزل‌ناپذیری با آنها مذاکره می‌کند و از سویی دیگر، آنها می‌بینند با کسی طرف هستند که تمام اطلاعات را به دقت تجزیه و تحلیل کرده و درک کاملی از شرایط و موقعیت دارد. علاوه بر این، چنین مدیرعاملی می‌تواند هر جا که مشتریان یا شرکای شما بخواهند و در هر موقع از شبانه‌روز، بر سر میز مذاکره حاضر شود و کارهایش را انجام دهد. این ویژگی تا حد زیادی از هزینه‌هایی مانند هزینه سفر و رفت و آمد مدیرعامل و هزینه‌های اقامت در هتل و غیره می‌کاهد.

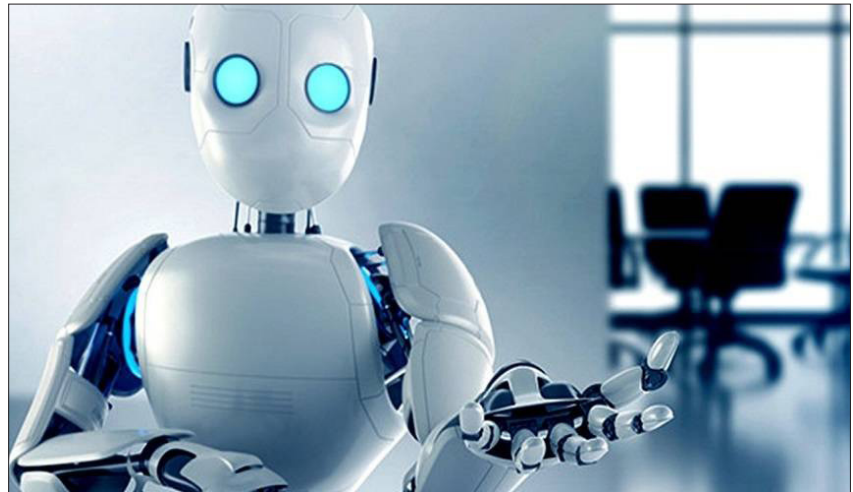


می‌تواند توجیه‌پذیر و درست تلقی گردد، اما اغراق و بزرگنمایی در مورد آن نیز درست نیست، چرا که باعث کندشدن پیشرفت‌ها در دنیای مدیریت و محدودماندن نقش‌آفرینی روبات‌ها و ماشین‌ها در دنیای کسب و کار خواهد شد و این، یعنی فاصله‌گرفتن حوزه کسب و کار و مدیریت از مزایای پرشمار پیشرفت‌های تکنولوژیکی.

افق‌های پیش رو

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، باید به ورود و عرض اندام روبات‌ها در دنیای کسب و کار و مدیریت گردن بگذاریم، چرا که این امر به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران و آینده‌شناسان، امری حتمی و گریزناپذیر است. در گزارش اخیر مجمع جهانی اقتصاد با عنوان «آینده مشاغل» که در جریان برگزاری اجلاس ۲۰۱۷ داووس ارایه گردید، پیش‌بینی شده‌است که تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۲۵ درصد مشاغلی که هم اکنون توسط انسان‌ها انجام می‌شوند، به روبات‌ها سپرده شوند و به صورت اتوماسیونی و بدون دخالت انسان انجام شوند. بدیهی است که این مسأله شامل برخی از مشاغل و پست‌های مدیریتی نیز خواهد شد. پیش‌بینی آینده‌شناسان حکایت از آن دارد که تا سال ۲۰۳۰ این درصد به بیش از ۵۰ درصد خواهد رسید و سهم مشاغل مدیریتی در این افزایش چشمگیرتر خواهد بود.

به هر حال، این جهش بزرگ در دنیای مدیریت، بیم‌ها و امیدهای بسیاری را نیز به دنبال خود آورده‌است: امید از این بابت که کیفیت مدیریت به واسطه پیشرفت‌ها در زمینه هوش مصنوعی ارتقا یابد و علاوه بر آن، سود هنگفتی را نیز نصیب شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران نماید و آنها را به سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در این زمینه ترغیب کند. از سویی دیگر، بیم‌ها و نگرانی‌هایی در ارتباط با چگونگی کنار آمدن کارکنان، شرکا و مشتریان با پیامدهای منفی و پیش‌بینی نشده ناشی از حضور و نقش‌آفرینی افسارگسیخته فرآورده‌های هوش مصنوعی در بدنه مدیریتی شرکت‌ها و سازمان‌ها.



روبات‌های مدیرعامل در واقع، همکار و همیار مدیرعامل‌های انسانی هستند و نه رقیب آنها.

تکیه‌زدن آنها بر مسند مدیرعاملی شرکت‌ها را باید نه به عنوان یک تهدید، بلکه به مثابه یک فرصت نگاه کرد. روبات‌های مدیرعامل در واقع، همکار و همیار مدیرعامل‌های انسانی هستند و نه رقیب آنها. روبات‌ها می‌توانند با پوشش دادن به نقاط ضعف و تاریک انسان‌ها، از آنها یک آبرانسان بسازند، نه اینکه خود تبدیل به آبرانسان شوند. روبات‌ها به مدیران یاد می‌دهند که چگونه می‌توان دقیق‌تر بود و با مسایل با نهایت مسوولیت‌پذیری برخورد کرد. آنها همچنین به مدیران کمک می‌کنند تا خود را از انجام وظایف سخت و خسته‌کننده معمول خلاص کنند و عمده توجه خود را به فعالیت‌های نرم و روابط انسانی با کارکنان معطوف نمایند.

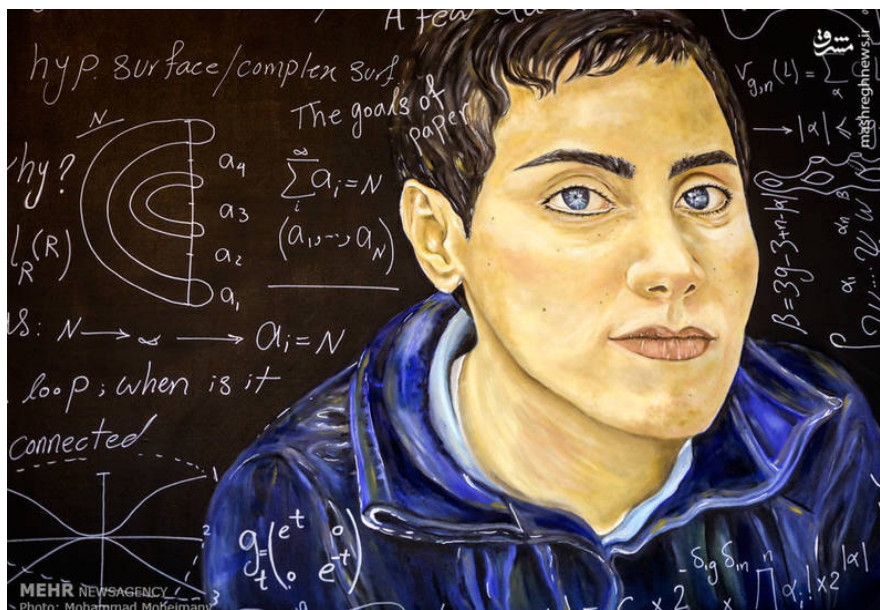
با این همه، بعضی‌ها از ورود گسترده و محکم‌تر شدن جای پای روبات‌ها در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری در شرکت‌ها و سازمان‌ها انتقاد می‌کنند و از این حرکت با عنوان «کودتای روبات‌ها» یاد می‌کنند. آنها از این بیمناک هستند که با قرارگرفتن زمام امور در دستان روبات‌ها و حاکم‌شدن آنها بر امور کارمندان و روابط بین شرکت‌ها با مشتریان‌شان، به تدریج شرکت‌ها و سازمان‌ها تحت سیطره روبات‌ها قرار بگیرند و در نتیجه، از کنترل انسان‌ها خارج شوند که این مسأله می‌تواند پیامدهای منفی و بسیار خطرناکی به دنبال داشته باشد. اگر چه این نگرانی تا حدودی

آیا می‌توان زمام امور یک شرکت با سدها و یا هزاران نفر کارمند و کارگر و مدیر را به یک روبات سپرد؟

مدیریت روبات‌ها: تهدید یا فرصت؟

با وجود تمام مزیت‌ها و برتری‌هایی که روبات‌های مدیرعامل می‌توانند نسبت به مدیرعامل‌های انسانی داشته باشند، اما باز هم ظرافت‌ها و مهارت‌هایی در نقش‌آفرینی انسان به عنوان یک مدیرعامل وجود دارد که باعث حفظ برتری انسان بر ماشین می‌شود. به عنوان مثال، این فقط از عهده یک انسان بر می‌آید که در موقعیت‌های پرچالش و پیش‌بینی‌نشده، تصمیمات خارق‌العاده بگیرد و با کمک‌گرفتن از قوه خلاقیت و ابتکار خود، یعنی همان چیزی که روبات‌ها در حال حاضر از آن نصیبی ندارند، به مصاف چالش‌های پیش رو برود و موانع موجود را یکی پس از دیگری از سر راه بردارد. واقعیت این است که روبات‌ها و ماشین‌ها همه چیز را از دریچه الگوریتم‌ها و برنامه‌های تعریف‌شده و قالب‌بندی‌شده می‌نگرند، در حالی که دنیای مدیریت مملو از موقعیت‌هایی است که در آنها بایستی از قوه خلاقیت استفاده کرد و مسایل خاص را حل نمود.

بنابراین، ورود روبات‌ها به دنیای مدیریت و



عشق با ریاضی

متنی بی نهایت زیبا از زنده یاد خانم پرفسور مریم میرزاخانی*

کلمه ریاضی به فارسی، یعنی ورزش، یعنی راه و اعداد، یعنی وسیله نقلیه، یعنی پیدا کردن راه حل های درست مسایل زندگی! ریاضی، اعداد، علامت ها و بنوعی الفبا و حرف های هدفمند دارد. عشق با ریاضی هم، یعنی ورزیدگی و مهندسی دقیق اعداد. اینک به شرح یک مطلب فوق العاده می پردازیم که شاید ارزش فکر کردن را داشته باشد:

ABCDEFGHIJKLMNOPQRSTUVWXYZ

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶

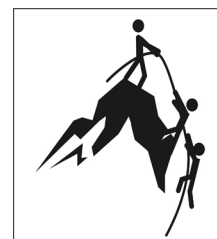
حروف و اعداد بالا با هم برابر می باشند. حالا چند سوال:

* آیا برای موفقیت و خوشحالی تنها «تلاش سخت» کافی است؟

Hard work = تلاش سخت

H + a + r + d + w + o + r + k

۸ + ۱ + ۱۸ + ۴ + ۲۳ + ۱۵ + ۱۸ + ۱۱ = ۹۸٪



* آیا «دانش» ما را ۱۰۰ درصد به موفقیت می رساند؟

Knowledge = دانش

K + n + o + w + l + e + d + g + e

۱۱ + ۱۴ + ۱۵ + ۲۳ + ۱۲ + ۵ + ۴ + ۷ + ۵ = ۹۶٪



* مریم میرزاخانی (۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۶ - ۲۳ تیر ۱۳۹۶) ریاضی دان ایرانی و استاد دانشگاه استنفورد بود. میرزاخانی در سال ۲۰۱۴ به خاطر کار بر روی موضوع «دینامیک و هندسه سطوح ریمانی و فضاهای پیمانه ای آنها» برنده «مدال فیلز» شد، که بالاترین جایزه در ریاضیات است. وی تنها زن و اولین ایرانی برنده این مدال است.

* عشق چطور؟

عشق = Love:

L + o + v + e

۱۲ + ۱۵ + ۲۲ + ۵ = ۵۴٪

خیلی از ما فکر می‌کردیم که اینها مهم‌ترین عوامل موفقیت و خوشبختی می‌باشند، اما ریاضی می‌گوید: نه، نیستند! پس چه چیز ۱۰۰ درصد را می‌سازد:



* پول؟

پول = Money:

M + o + n + e + y

۱۳ + ۱۵ + ۱۴ + ۵ + ۲۵ = ۷۲٪

باز هم کافی نیست. پس برای رسیدن به اوج چه باید کرد؟ بله،



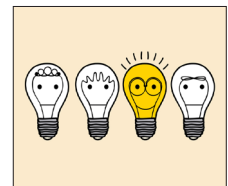
* نگرش! باید نگرش‌مان را به جهان و زندگی بهبود ببخشیم!

نگرش = Attitude:

A + t + t + i + t + u + d + e

۱ + ۲۰ + ۲۰ + ۹ + ۲۰ + ۲۱ + ۴ + ۵ = ۱۰۰٪

آری، اگر نگرش و نگاه‌مان همراه با معرفت، محبت، صداقت، شجاعت، مثبت و با ریاضی (ورزش) باشد، زندگی ۱۰۰ درصد زیباتر خواهد شد!



ضوابط همکاری تحریری با مجله توسعه

مجله انجام خواهد شد. * سطح دوم، ویرایش محتوایی است. این سطح از ویرایش مربوط به مطالبی است که بنا به نظر دبیر سرویس مربوطه، یا غیر صحیح‌اند، یا ناقص، یا مبهم. چون در این حالات، ویرایش محتوایی ضرورت می‌یابد، لذا مراتب به اطلاع تهیه‌کننده محترم خواهد رسید تا رأساً نسبت به رفع نقص و اعمال اصلاحات لازم اقدام نماید.

(۷) ضمناً شایسته است که فایل‌های الکترونیکی متن، نمودارها و تصاویر مورد نظر هم ضمیمه شوند.

کمیسیون انتشارات

(۳) حجم مناسب برای چاپ هر مطلب در هر شماره، پنج صفحه ۴ است. چنانچه حجم مطالبی بیش از این مقدار بود، باید توسط نویسنده محترم یا خلاصه شود، یا به چند بخش تقسیم شود. (۴) در ابتدای مطلب، خلاصه و چکیده‌ای از آنها درج شود. (۵) در پایان مطلب، فهرست مآخذ ذکر شود. (۶) ویراستاری مطالب دریافتی در دو سطح انجام می‌شود: * سطح اول، اصلاحات عبارتی و بکاربردن علایم نوشتاری است. این نوع ویرایش که هدفش بهتر و روان‌تر شدن متن مطالب ارسالی، بدون تغییر در محتواست، توسط مسوولان امر در

کمیسیون انتشارات سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران، ضمن تشکر از همکاری که برای انتشار بهتر مجله توسعه به صورت‌های مختلف مساعدت می‌فرمایند، از آنان درخواست دارد تا برای افزایش مطلوبیت و کیفیت مطالب تهیه شده برای این مجله، ضوابط زیر را مورد توجه قرار دهند: (۱) مطالب تهیه شده تا حد امکان در محدوده وظایف و مسوولیت‌های قانونی سندیکا بوده و به وظایف صنفی و اجرایی اعضای سندیکا مربوط باشند (۲) مطالب تکراری نباشند، مگر در مواردی که حاوی نکات بدیع و تازه‌ای هستند.

«سواد» چیست؟

تعریف سواد، باسوادی و بیسوادی از گذشته‌های دور تا امروز و راهکارهای بهبود آن

«عالم بی عمل، درخت بی ثمر است.»



مناسب.

طبیعی است که چون طبق این تعریف، باسواد بودن به یادگیری مهارت‌های فوق‌الذکر وابسته شده بود، قاعدتاً سیستم آموزشی کشورها هم باید متناسب با این مهارت‌ها تغییر رویه می‌داد، اما متأسفانه سیستم آموزشی کشور ما، بی‌اعتنا به این تحولات، هیچگونه اقدامی در زمینه آموزش مهارت‌های فوق نکرد.

۴) و اما چهارمین و جدیدترین تعریف از سواد و باسوادی به طور خلاصه این است که «علم با عمل معنا می‌شود.» همانطور که قبلاً هم اشاره شد، در تعریف جدید «یونسکو»، توانایی ایجاد تغییر، ملاک باسوادی قرار گرفته‌است، یعنی شخصی باسواد تلقی می‌شود که بتواند با استفاده از خواننده‌ها و آموخته‌های خود، تغییری را در زندگی خود ایجاد کند. در واقع، این تعریف مکمل تعریف قبلی است، زیرا صرفاً دانستن یک موضوع را کافی ندانسته، چون دانستن یک موضوع به معنای عمل به آن نیست، بلکه مهارت‌ها و دانش‌های آموخته‌شده وقتی ارزش دارند که باعث ایجاد تغییر معنادار در زندگی شوند. آنگاه می‌توان گفت که این فرد، انسانی باسواد است. و این دقیقاً همان تعبیر لطیفی است که از صدها سال پیش در فرهنگ خودمان ساری و جاری بوده، ولی متأسفانه خودمان به آن اعتنایی نداشته‌ایم، یعنی: عالم بی عمل، درخت بی ثمر است.

با استفاده از کانال تلگرامی سخنرانی‌ها

@sokhanranihaa

هم در مفهوم سواد تغییر ایجاد کرد. در این تعریف سوم، کلاً ماهیت سواد تغییر یافت و داشتن ۱۲ نوع توانایی و مهارت‌های گوناگون مصداق باسواد بودن شناخته شد. با این حساب، کسی که در یک رشته دانشگاهی موفق به دریافت مدرک دکترا می‌شود، تنها حدود پنج درصد باسواد است! این مهارت‌ها عبارتند از: ۱) سواد عاطفی، به معنای توانایی برقراری روابط عاطفی با خانواده و دوستان، ۲) سواد ارتباطی، به معنای توانایی برقراری ارتباط مناسب با دیگران و دانستن آداب اجتماعی، ۳) سواد مالی، به معنای توانایی مدیریت مالی خانواده، دانستن روش‌های پس‌انداز و توازن دخل و خرج، ۴) سواد رسانه‌ای، بدین معنا که فرد بداند کدام رسانه معتبر و کدامیک نامعتبر است، ۵) سواد تربیتی، به معنای توانایی تربیت فرزندان به نحو شایسته، ۶) سواد رایانه‌ای، به معنای دانستن مهارت‌های راهبری رایانه، ۷) سواد سلامتی، به معنای دانستن اطلاعات مهم در باره تغذیه سالم و کنترل بیماری‌ها، ۸) سواد نژادی و قومی، به معنای شناخت نژادها و قومیت‌ها بر اساس احترام و تبعیض نگذاشتن، ۹) سواد بوم‌شناختی، به معنای دانستن راه‌های حفاظت از محیط زیست، ۱۰) سواد تحلیلی، به معنای توانایی شناخت، ارزیابی و تحلیل نظریه‌های مختلف و ایجاد استدلال‌های منطقی بدون تعصب و پیش‌فرض، ۱۱) سواد انرژی، به معنای توانایی مدیریت مصرف انرژی، ۱۲) سواد علمی، یعنی علاوه بر داشتن سواد دانشگاهی، توانایی بحث یا حل و فصل مسایل با راهکارهای علمی و عقلانی

«سواد» واژه‌ای عربی است با معانی بسیار، یکی

از آنها هم «کتابت»، یا «نوشتن» است. بدیهی است که این واژه و معانی و موارد مصرف آن، در طول تاریخ و در عرض جغرافیای فرهنگی جهان، دچار تغییر و تحولاتی شده، تا اینکه به تازگی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، تعریف جدیدی از آن ارائه داده‌است. طبق این تعریف، سواد به معنای توانایی «تغییر» (Change) است و باسواد هم کسی است که بتواند با استفاده از خواننده‌ها و دانسته‌های خود، تغییری را در زندگی خود ایجاد کند.

در ادامه و بعد از مروری کوتاه بر تعاریف «سواد» در دوران معاصر، نکاتی را در باره ایجاد تغییر در زندگی بر اساس دانسته‌ها و راهکارهای دست‌یابی به این مهم، مطرح خواهیم کرد.

۱) توانایی خواندن و نوشتن، اولین تعریف از سواد است که از مدت‌ها پیش مورد قبول اکثر جوامع بوده و در اوایل قرن بیستم توسط «یونسکو» هم پذیرفته و ارائه شده‌است.

۲) در اواخر قرن بیستم، سازمان ملل متحد تعریف دومی از سواد را ارائه کرد. در این تعریف جدید، علاوه بر توانایی خواندن و نوشتن به زبان مادری، توانایی استفاده از رایانه و دانستن یک زبان خارجی هم اضافه شد. قاعدتاً طبق این تعریف، بسیاری از دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی کشور ما، بی‌سواد محسوب می‌شوند، چون دانش زبان خارجی بیشتر افراد کم است.

۳) سازمان ملل متحد در دهه دوم قرن ۲۱، باز

کرونا چه بر سر اقتصاد جهان آورده است؟



ویروس کرونا، شرکت‌های هواپیمایی پروازهای خود را کاهش داده‌اند و مشتریان هم سفرهای خود را لغو کرده‌اند. بسیاری از کشورها هم محدودیت‌های مسافرتی وضع کرده‌اند تا بلکه شیوع ویروس را مهار کنند.

*** قیمت نفت:** همزمان با وضع محدودیت‌های ناشی از شیوع کرونا و خانه‌نشینی مردم، تقاضا برای نفت هم کاهش یافت، تا جایی که قیمت نفت خام برنت که در اروپا و سایر جهان به عنوان شاخص استفاده می‌شود، به پایین‌ترین حد از ۱۸ سال پیش تا کنون رسید. البته به تازگی با برداشته شدن ممنوعیت تردد در بعضی از کشورها و بالاتر رفتن تقاضا، قیمت نفت به طور نسبی رشد داشته‌است.

*** اعتماد مصرف‌کننده:** با خانه‌نشینی مردم، تعداد مشتریان مراجعه‌کننده به واحدهای تجاری، به طرز بی‌سابقه‌ای کاهش داشته، ولی طبق اعلام مؤسسه تحقیقاتی «شاپرتراک» اخیراً شمار عابران در خیابان‌ها در بعضی از شهرها دوباره افزایش داشته، ولی پژوهشی دیگر نشان می‌دهد که مصرف‌کنندگان هنوز هم نسبت به بازگشت به فروشگاه‌ها نگران‌اند.

دوره رشد و گسترش یکی از بزرگترین اقتصادهای جهان پایان یافته‌است. گرچه نحوه ارائه اطلاعات در این زمینه، در کشورهای مختلف متفاوت است، با وجود این، آمارها به طور کلی، نشان‌دهنده وخیم‌تر شدن وضعیت این شاخص در کشورهای گوناگون می‌باشند. البته گاهی نشانه‌هایی از بهبود وضعیت بازار کار در جهان به چشم می‌خورد، ولی بعضی از کارشناسان هشدار داده‌اند که ممکن است سال‌ها طول بکشد تا وضعیت استخدام نیروی کار به حالت قبل از این همه‌گیری بازگردد.

*** خطر رکود:** بی.بی.سی. به نقل از صندوق بین‌المللی پول اعلام کرده‌است که اقتصاد جهان در سال جاری میلادی سه درصد کوچکتر شده. به گفته این نهاد، رکود فعلی از زمان «رکود بزرگ» سال ۱۹۳۰ تا کنون، بدترین تجربه تاریخی در این زمینه است، ولی انتظار می‌رود که رشد جهانی در سال میلادی آینده به ۵/۸ درصد برسد، البته در صورتی که شیوع ویروس در نیمه دوم سال ۲۰۲۰ کاهش یابد و کنترل شود.

*** صنایع وابسته به گردشگری:** یکی از بخش‌های شدیداً صدمه‌خورده، صنایع گردشگری و خدمات وابسته به آن است، چون در اثر شیوع

همه‌گیری جهانی کرونا، مردم ۱۸۸ کشور جهان را به طور جدی درگیر بیماری کرده‌است. گرچه تأثیر اقتصادی شیوع این ویروس بر اقتصاد جهان نیز از جنبه‌های مختلف قابل توجه و بررسی است، اما در اینجا که نشان‌دهنده بررسی‌های صندوق بین‌المللی پول است، تنها به برخی از این آثار اشاره شده‌است:

*** بازار بورس:** با افزایش شمار مبتلایان به کووید ۱۹، همه بازارهای شاخص بورس در جهان، از جمله «داو جونز»، «فوتسی» و «نیکی»، شاهد افت شدید بوده‌اند. لازم به ذکر است که سهام «داو جونز» و «فوتسی» از سال ۱۹۸۷ تا کنون، بیشترین افت را در سه ماهه اول سال ۲۰۲۰ داشته و در پاسخ به این افت شدید، بانک‌های مرکزی در بسیاری از کشورها نرخ سود بانکی را کاهش داده‌اند. البته بازارهای جهانی با دخالت دولت‌ها تا حدودی در وضعیت بهتری هستند، ولی بعضی از تحلیلگران معتقدند که به علت نگرانی از موج‌های بعدی شیوع این ویروس، بازارها هنوز شکننده‌اند.

*** افزایش شمار بیکاران:** طبق اعلام صندوق بین‌المللی پول، در آمریکا درصد بیکاران به ۴/۱۰ درصد رسیده و این وضعیت، نشان می‌دهد که

تشخیص زلزله و سونامی با فیبر نوری

حتی قادرند نور منتشرشده از جانوران زیر دریا مانند جلبک‌های سمی را نیز دریافت کنند. اما یک تیم تحقیقاتی از «دانشگاه رایس» و «دانشگاه برکلی کالیفرنیا» قابلیت مهم‌تر این شبکه کابلی را کشف کرده‌اند و آن هم چیزی نیست جز تشخیص لرزه‌های زمین زیر دریا. محققان مزبور در سال میلادی گذشته، با انجام یک آزمایش چهارروزه و با استفاده از ۱۹ کیلومتر شبکه کابلی زیر دریا، حرکات کف دریا را مطالعه کردند و طی این آزمایش توانستند در مارس ۲۰۱۸، زلزله‌ای ۳/۵ ریشتری را در شهر گیلوری در کالیفرنیا شمالی تشخیص بدهند. آنها همچنین طی این آزمایش‌ها توانستند یک گسل جدید را در کف اقیانوس کشف کنند. شایان ذکر است که این فناوری، می‌تواند در نهایت با کشیدن نقشه خطوط گسل در مناطق دور از دسترس دانشمندان، به مطالعات مربوط به فعالیت‌های لرزه‌ای در کف اقیانوس کمک کند و این اتفاق چیزی مانند درخشش لامپ‌های خیابانی در منطقه‌ای از کف دریاست.



بر نداشته‌اند.

به گزارش «بیزینس اینسایدر» دانشمندان به‌تازگی با قراردادن یک شبکه کابلی به طول ۹۱۴/۴ کیلومتر در عمق دریای «خلیج مونتری» توانسته‌اند زندگی زیر دریا را مطالعه کنند. این کابل‌ها که در فاصله ۵۱ هزار متری از سطح اقیانوس آرام قرار دارند، صداهایی مانند صدای بلند دلفین و ناله‌های عمیق یک نهنگ را هم می‌توانند ضبط کنند. این کابل‌ها

محققان امیدوارند که با استفاده از کابل‌های فیبرنوری که در کف دریاها قرار می‌گیرند، بتوانند روش جدیدی را برای پیش‌بینی لرزه‌های زمین پیدا کنند. لازم به یادآوری است که پیش از این، همواره از غیرقابل پیش‌بینی بودن زمین لرزه صحبت می‌شد، اما با وجود این، محققان هیچ وقت از تلاش برای یافتن راهی جهت پیش‌بینی زود هنگام زلزله و جلوگیری از وقوع این فاجعه انسانی، دست

نزول ریسک اعتباری ایران به ضعیف‌ترین رتبه

آن اقتصاد است و نقش قابل توجهی هم در تسهیل تجارت، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری خارجی دارد. متأسفانه در آخرین گزارش این سازمان از ریسک اعتباری ۲۰۱ کشور جهان، ریسک اعتباری ایران از شش به هفت تنزل یافته که ضعیف‌ترین رتبه اعتباری است. لازم به ذکر است که بعد از برجام، رتبه اعتباری ایران از هفت به شش و در سال ۹۶ به رتبه پنج ارتقا یافته بود و این در حالی است که طی سال‌های ۸۵-۱۳۸۰ رتبه اعتباری کشور در بهترین وضعیت چهار دهه اخیر خود، یعنی در رتبه چهار قرار داشت.



OECD

معنای کمترین ریسک و رتبه «هفت» به معنای بیشترین ریسک می‌باشند. به عبارت دیگر، رتبه اعتباری هر کشور در این طبقه‌بندی نشان‌دهنده شدت ریسک‌های کلان موجود در

«سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی» (OECD) کشورهای جهان را در هفت طبقه ریسک تحت عنوان «رتبه اعتباری» طبقه‌بندی می‌کند. در این رتبه‌بندی، رتبه «یک» به

نظارت بر فاضلاب، برای تشخیص زودهنگام انتشار کرونا



برای یافتن راهی برای اندازه‌گیری مرتب میزان آلودگی در سراسر شبکه تصفیه فاضلاب تلاش می‌کنند

«پروفسور دیوید گراهام» از «دانشگاه نیوکاسل» نیز که در توسعه این تست شرکت دارد، می‌گوید: با اثر انگشت ژنتیکی، راحت می‌توانیم بگوییم که آیا چیزی در فاضلاب هست، یا نه، ولی ما می‌خواستیم دقت بیشتری در تست‌ها داشته باشیم تا کارمان از نظر اپیدمی‌شناسی، که مسأله مرگ و زندگی را تعیین می‌کند، مؤثر باشد.

او در ادامه توضیح داد که در حال حاضر، حدود هفت تا ده روز طول می‌کشد تا ابتلای یک فرد به این بیماری مشخص شود، اما با کمک تست فاضلاب، می‌توان حداقل یک هفته زودتر گفت که آیا کسی در یک ناحیه مبتلا هست، یا نه.

که افراد آلوده به ویروس کرونا، آن را از طریق مدفوع دفع می‌کنند. همین شناخت باعث علاقه محققان به «اپیدمی‌شناسی از طریق فاضلاب» شد و شبکه‌ای از پژوهشگران از دانشگاه‌های مختلف، از جمله «نیوکاسل»، «بانگور» و «ادینبورو» برای نمونه‌برداری از آب واردشده به مراکز تصفیه فاضلاب با شرکت‌های آب و فاضلاب به همکاری پرداختند.

«دکتر سینگر» در این رابطه می‌گوید: با نمونه‌برداری از بخش‌های مختلف شبکه فاضلاب، می‌توانیم به تدریج رد شیوع تا یک ناحیه کوچک جغرافیایی را بگیریم. این امر به مقام‌های بهداشت عمومی امکان می‌دهد تا به سرعت در بخش‌هایی که در معرض بیشترین خطر گسترش آلودگی هستند، مداخله کنند. به همین دلیل، محققان اکنون

«ویکتوریا گیل» خبرنگار علمی بی.بی.سی. نیز، گزارش داده‌است که تست کرونا از طریق شبکه فاضلاب، می‌تواند جهش در میزان ابتلا به این ویروس را تا ده روز زودتر از تست‌های موجود پزشکی شناسایی کند.

طبق این گزارش، محققان تحت سرپرستی «مرکز بوم‌شناسی و آب‌شناسی بریتانیا» مشغول کار برای تهیه یک تست استاندارد برای شمارش ویروس کرونای موجود در نمونه‌های شبکه فاضلاب هستند. «دکتر اندروسینگر» محقق ارشد این مطالعه، می‌گوید: هرچه زودتر نشانه‌های آلودگی پیدا شوند، مداخله می‌تواند زودتر انجام شود و این، یعنی زندگی در بحران کنونی خیلی قابل تحمل‌تر خواهد شد. لازم به ذکر است که در مراحل نخست همه‌گیری کووید-۱۹، تحقیقات نشان داده بودند

رشد ۳۹/۷ درصدی پایه پولی

خرداد ۱۳۹۸ نسبت به پایان سال ۱۳۹۷، فقط ۳/۳ درصد بود.

یکی از نکات مهم در مورد رشد این متغیر پولی این است که حجم پایه پولی در پایان خرداد ۱۳۹۹ نسبت به پایان خرداد ۱۳۹۸، به حدود ۳۹/۷ درصد رسیده، این در حالی است که نرخ رشد پایه پولی در خرداد ۱۳۹۸ نسبت به خرداد ۱۳۹۷، حدود ۲۵/۵ درصد بوده است.

معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران گفت: طبق اعلام بانک مرکزی و بر اساس محاسبات اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی این بانک، حجم پایه پولی در پایان خرداد ۱۳۹۹ به ۳۸۳/۵ هزار میلیارد ریال رسیده که در مقایسه با پایان سال ۱۳۹۸، حدود ۸/۸۸ درصد رشد نشان می‌دهد. شایان ذکر است که رشد پایه پولی در



دانشمند جوان و نابغه

معتبر علمی- پژوهشی داشت و یک اختراع ثبت شده نیز از خود به جا گذاشت. او در سال ۱۳۸۵ به عنوان پژوهشگر جوان ممتاز «انجمن رمز ایران» در مقطع کارشناسی برگزیده شد و در دومین کنفرانس بین المللی «ایکتا ۲۰۰۶» هم به عنوان جوان ترین محقق انتخاب شد و در «یازهمین کنفرانس بین المللی انجمن کامپیوتر ایران» به عنوان جوان ترین محقق برگزیده شد. این دانشجوی جوان و نابغه فقید که چندی پیش بر اثر ناراحتی ستون فقرات درگذشت، یک کتاب به عنوان «آموزش الگوریتمها» تألیف کرده و همچنین دو بخش برای دایره المعارف Encyclopedia of Mobile Computing & Commerce Handbook of on secure Multimedia Distribution را نوشته است. زمینه های تحقیقاتی مورد علاقه وی نیز نهم نگاری اطلاعات، برنامه نویسی تلفن همراه و سیستم های تفکیک کاربران انسانی از ماشین بود. مطمئناً اگر او فوتبالیست بود، همه او را می شناختند، اما اکنون...



نابغه دانشکده علوم ریاضی بود که به عنوان دانشجوی نمونه کشوری سال ۸۶، دارنده رتبه اول جشنواره جوان خوارزمی در سال ۸۵ و پژوهشگر ممتاز «انجمن رمز ایران» شناخته شد. او در طول دوره کارشناسی خود، موفق به ارائه ۸۰ مقاله علمی در کنفرانس های بین المللی شد و ۱۳ مقاله چاپ شده در مجلات

«محمد شیرعلی شهرضا» نام جوانی است که با همه دردها و مشکلات جسمانی، تا آخرین لحظات زندگی خود دست از کسب علم و دانش برنداشت و مدال های افتخار را یکی پس از دیگری به گردن آویخت. وی متولد سال ۱۳۶۵ و از دانشجویان ممتاز دانشگاه صنعتی شریف و دانشجوی

بیش از چهار هزار نیروگاه پشت بامی در کشور

درآمد پایداری برای این خانواده ها داشته باشد و از مهاجرت هم پیشگیری خواهد کرد. طبق گفته وی: در برخی از نقاط که پیشتر این نوع نیروگاه ها در آنها احداث شده، روند مهاجرت معکوس شکل گرفته و روستاییانی که منازل خود را ترک کرده بودند، اکنون به روستاها بازگشته اند و به تولید برق از این نیروگاه ها پرداخته اند. لازم به ذکر است که «سازمان انرژی های تجدیدپذیر و بهره وری انرژی برق» برق تولیدی از این نوع نیروگاه ها را خریداری می کند و در نتیجه، سبب محرومیت زدایی از مناطق محروم نیز خواهد شد.



نیروگاه های کوچک آبی و زیست توده هستند و اکثر آنها هم با سرمایه گذاری بخش خصوصی انجام شده اند. مقام مزبور پیش از این هم گفته بود که احداث نیروگاه پشت بامی خورشیدی، می تواند

چندی پیش، سخنگوی «سازمان انرژی های تجدیدپذیر و بهره وری انرژی برق» (ساتبا) در یکی از صفحه های اجتماعی نوشت: اکنون بیش از چهار هزار نیروگاه کوچک پشت بامی توسط مردم در سطح کشور ایجاد شده است. وی افزود: در حال حاضر، تعداد ۱۲۰ نیروگاه تجدیدپذیر در کشور ساخته شده و ظرفیت این نیروگاه ها جمعاً ۸۵۰ مگاوات است که ۸۰۰ مگاوات آن از محل تجدیدپذیرهاست و ۵۰ مگاوات نیز از محل صرفه جویی حاصل شده است. سخنگوی مزبور در ادامه افزوده است: ۵۵ نیروگاه خورشیدی و ۱۹ نیروگاه بادی و بقیه

برنده جایزه ادیسون ۲۰۲۰

شرکت‌های تولیدکننده نام‌آشنا در صنعت شیرآلات صنعتی است و اکوسیستم دیجیتال (Plantweb) هم راهکاری است برای کمک به شرکت‌ها جهت پاک‌داشتن در مسیر تحول دیجیتال. این اکوسیستم با بهره‌گیری از پورتفولیوی گسترده متشکل از تکنولوژی، نرم‌افزار و خدمات، بهبود عملکرد در زمینه‌های تولید، قابلیت اطمینان، ایمنی و مدیریت انرژی را امکان‌پذیر می‌سازد. تمامی این بهبودها نیز از طریق توانمندسازی پرسنل با استفاده از بینش‌های نوین و اطلاعات کاربردی انجام می‌شوند.



طبق گزارش <http://valve-iran.com/> plantweb مدیر اجرایی «جوایز ادیسون» در این زمینه گفته‌است: پس از بررسی‌های جامع و دقیق، «ادیسون» به عنوان برترین نوآور و تغییردهنده قواعد بازی (Game-changing) انتخاب شده‌است.

طراحی انسان‌محور اعطا می‌شود، به احترام یکی از تأثیرگذارترین مخترعان دنیا، یعنی «توماس ادیسون» به نام وی نام گذاری شده‌است. لازم به توضیح است که شرکت امرسون یکی از

اکوسیستم دیجیتال (Plantweb) شرکت امرسون برنده «جایزه توماس ادیسون» در سال ۲۰۲۰ شد. این جایزه که به بهترین نوآوران دنیا در زمینه توسعه محصول و خدمات، بازاریابی و

جمع‌آوری زباله‌های دریایی به کمک روبات

خارج از محیط ساحل منتقل می‌کند. «ساتو کو سینو» استادیار دانشگاه کیوشو، در این مورد می‌گوید: امروزه پاک‌سازی زباله‌های دریایی در سواحل ژاپن، به امری بسیار مهم و سخت تبدیل شده، چرا که انبوه پلاستیک‌ها و زباله‌ها علاوه بر آلوده‌سازی آب دریا، بستر نامناسبی را برای رشد و ادامه زندگی موجودات دریایی فراهم کرده‌اند و همزمان غواصان و صیادان نیز در جریان کارهای روزانه‌شان دچار مشکل شده‌اند. وی افزود: در همین راستا ما در تلاشیم تا به کمک فناوری، این مشکل را برای همیشه حل کنیم و با کمک روبات‌های هوشمند، بار آلودگی در محیط آب را تا حد بسیاری تقلیل دهیم.



گفتنی است که ژاپنی‌ها تلاش برای حذف و پاک‌سازی زباله‌های دریایی را از یک دهه پیش شروع کرده‌اند و حال با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، از جمله پهپادها و روبات‌های هوشمند، تلاش می‌کنند تا این رویه را تسریع بخشند و زباله‌ها را از سواحل و آب‌های آزاد به‌گونه‌ای فناورانه پاک‌سازی کنند.

این روبات تمامی زباله‌های جمع‌آوری شده را در سبد انتهایی خود قرار داده و به طور همزمان ۱۵ کیلوگرم زباله را حمل می‌کند. ضمناً این سیستم با تجهیز به فناوری تشخیص چهره، افراد را شناسایی کرده و به طور خودکار در کنار آنها به حرکت در می‌آید و زباله‌های قرارداده شده در سبد انتهایی را به

روبات چهارچرخ BC-Robop در سواحل ژاپن مستقر شده و در مدت ۹۰ دقیقه زباله‌های دریایی را جمع‌آوری می‌کند. این روبات با طولی برابر ۱/۴ متر و وزنی معادل ۲۰۰ کیلوگرم طراحی و ساخته شده تا مشکل جمع‌آوری زباله‌های سواحل ژاپن را برای همیشه حل و فصل کند.

نظام مالیاتی هوشمند، راه نجات اقتصاد کشور است

در حوزه توسعه اقتصادی کشور را منوط به وجود یک نظام مالیاتی مدرن، عدالت‌محور و قابل اعتماد دانست و گفت: مهم‌ترین رویکرد نظام مالیاتی، تغییر قواعد بازی به گونه‌ای است که اقدامات و برنامه‌ها و قوانین و مقررات این دستگاه، برای بنگاه‌های اقتصادی قابل‌فهم، قابل‌اطمینان، پایدار و تضمین‌شده باشد و یقین دارم که با عقلانیت و تدبیر و توجه ویژه به خرد جمعی، امکان تحول در قواعد و فرآیندها وجود دارد و با این رویکرد، می‌توانیم فضایی جدید با عملکردی مطلوب و متفاوت از قبل ایجاد کنیم.

معاون وزیر اقتصاد سپس تصریح کرد: راه اصلی نجات اقتصاد کشور، حرکت در مسیر مالیات هوشمند بوده و «سازمان امور مالیاتی» به عنوان موتور محرکه این جریان، زمانی یک سازمان محبوب خواهد بود که منصفانه، عادلانه و بر پایه علم و آگاهی عمل کند. وی در پایان با بیان اینکه نظام مالیاتی هوشمند، باید بر سیستمی یکپارچه، مؤدی‌مدار و داده‌مبنای استوار باشد، گفت: نظام مالیاتی مطلوب و محبوب، باید شاخص‌هایی همچون اعتماد‌ذی‌نفعان، هوشمندی، اقتدار، قانون‌مداری و ایمنی را دارا باشد.



سازمان امور مالیاتی کشور

عادلانه و واقعی را وصول کنیم. بدیهی است که این امر ضمن جلب رضایت ذی‌نفعان، به ارتقای تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی نیز می‌انجامد.

رییس کل «سازمان امور مالیاتی» سپس به ضرورت اصلاح نظام درآمدی کشور و دستیابی به یک اقتصاد پایدار و درون‌زا با اتکای کامل بر درآمدهای مالیاتی تأکید کرد و گفت: تحقق چنین هدفی، با حمایت همه‌جانبه ارکان مختلف نظام، مشارکت حداکثری مردم و کارآمدسازی نظام مالیاتی امکان‌پذیر است. وی در ادامه تحقق اهداف کلان ترسیم‌شده

رییس کل «سازمان امور مالیاتی ایران» گفت: با استقرار نظام مالیاتی هوشمند، وصول کارا و عادلانه و ارتقای تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی میسر می‌شود.

به گزارش «جهان‌صنعت» به نقل از «سازمان امور مالیاتی ایران» امیدعلی پارسا با تأکید بر امر هوشمندسازی سیستم و فرآیندهای مالیاتی، تصریح کرد: باید به سمتی برویم که در چارچوب یک سیستم نوین و هوشمند و البته با رعایت اصل ساده و قابل‌فهم بودن فرآیندها، بهترین خدمات را ارائه دهیم و به جایی برسیم که بتوانیم مالیات

مشارکت مطلوب بخش خصوصی در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر

گفت: نرخ رشد انرژی‌های تجدیدپذیر مطلوب است، اگرچه در نگاه اول زیاد به نظر نمی‌رسد، اما از رشد خوبی برخوردار بوده‌اند و این امر با مشارکت بخش خصوصی حتماً توسعه صدچندان خواهد یافت. وی کنارکشیدن بخش دولتی از موضوع تولید انرژی‌های تجدیدپذیر را در راستای فرصت‌بخشیدن بیشتر به توان مطلوب بخش خصوصی در این زمینه اعلام و خاطرنشان کرد: وزارت نیرو مطمئن است که بخش خصوصی با توجه به عملکرد مطلوب در این حوزه، از رشد کمی و کیفی مناسبی برخوردار خواهد بود.

صادق‌زاده، معاون سابق وزیر نیرو، با بیان این مطلب گفت: نیروگاه‌هایی که در سال ۹۶ و قبل‌تر به بهره‌برداری رسیده‌اند، برای تعدیل نرخ ارزش مشکل دارند. معاون سابق وزیر نیرو در باره تعدیل نرخ ارزش رسمی به نرخ ارز در سامانه ETS نیز گفت: با موافقت رسمی وزیر نیرو، این مشکل دیگر وجود نخواهد داشت. وی در ادامه یادآور شد که بر اساس مذاکرات صورت‌گرفته، به‌زودی سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر از منابع حاصل از عوارض برق به ۷۰ درصد افزایش می‌یابد. صادق‌زاده همچنین ضمن اشاره به ظرفیت‌های بخش خصوصی در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر



وزارت نیرو با اطمینان از پتانسیل و قابلیت‌های مطلوب بخش خصوصی، پای خود را از مشارکت در فعالیت‌های مربوط به تولید انرژی‌های تجدیدپذیر کنار کشید. به گزارش تاسیسات نیوز، سید محمد

محیط زیست تهران و مسأله مهاجران

هدایت و انتقال بخارات حاصل از تبخیر بنزین) در پمپ بنزین‌هاست. این طرح پیش از سال ۱۳۹۰ مطرح شده، اما متأسفانه وزارت نفت هنوز اقدام کافی برای اجرایی کردن آن انجام نداده است.

بنا به گزارش مندرج در روزنامه اطلاعات، معاون نظارت و پایش محیط زیست استان تهران در پاسخ به این پرسش که ارتقای استاندارد خودروها به یورو ۵ چقدر می‌تواند در کاهش آلاینده‌ها، از جمله ذرات معلق موثر باشد؟ گفت: شاخص استاندارد هوایی که تنفس می‌کنیم، نسبت به استانداردهای بین‌المللی خیلی عقب است. از این رو، ارتقای استاندارد خودروها به یورو ۵ مسأله‌ای ضروری است.

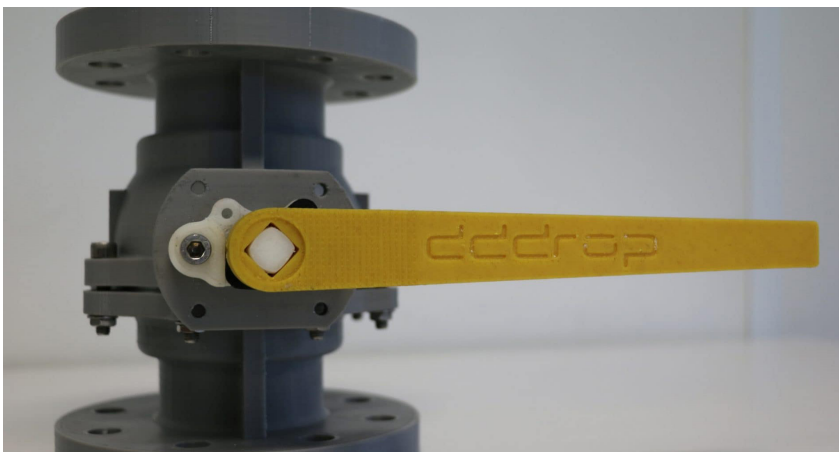
گنجایش زیستی ۱۲ میلیون نفر جمعیت را ندارد. با این حال، هر سال ۲۰۰ هزار نفر هم به علت مهاجرت به آن اضافه می‌شود، یعنی هر چهار سال یک‌بار یک استان سمنان به تهران اضافه می‌شود!

با توجه به افزایش تعداد روزهایی که غلظت آلاینده ازون، هوای تهران را در شرایط ناسالم برای گروه‌های حساس قرار داده، محمدرستگاری، معاون نظارت و پایش محیط زیست استان تهران در گفتگو با ایسنا گفت: ازون، آلاینده ثانویه است که از ترکیب آلاینده‌های اولیه تولید می‌شود و یکی از راه‌های کاهش انتشار آلاینده‌های اولیه و پیش‌ساز ازون هم اجرای طرح «کهاب» (کاهش،



معاون نظارت و پایش محیط زیست استان تهران، یکی از دلایل آلودگی هوا و انتشار آلاینده‌ها را ازدیاد جمعیت تهران دانست و تصریح کرد: مسأله این است که حدود ۲۰ درصد از کل جمعیت کشور در یک درصد وسعت کشور، یعنی در تهران مستقر شده‌اند، در حالی که شهر تهران

نقش پرینترهای سه‌بُعدی در تولید شیرآلات صنعتی



قابل تولید می‌باشند. ضمناً همانطور که قبلاً هم اشاره شد، با این که استفاده از فناوری پرینت سه‌بُعدی در حوزه تولید شیرآلات صنعتی از چندی پیش آغاز شده، اما هنوز راه زیادی در پیش است و انتظار می‌رود که استفاده گسترده‌تر از این فناوری در صنعت تولید شیرآلات در آینده فرایندهای تولید در این صنعت را دگرگون کند و فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را پیش روی تولیدکنندگان قرار دهد.

می‌توانید از پرینترهای سه‌بُعدی استفاده کنید؟ او به ماکت‌های روی کمدش اشاره می‌کند و با لبخند و آرامشی خاص می‌گوید: به این صورت! وی در ادامه اضافه می‌کند: اینها تنها تعداد محدودی از نمونه‌هایی هستند که ما با استفاده از چاپگرهای سه‌بُعدی تولید کرده‌ایم. این مدل‌ها سبک و ارزان قیمت‌اند و حمل و نقل آنها هم آسان است.

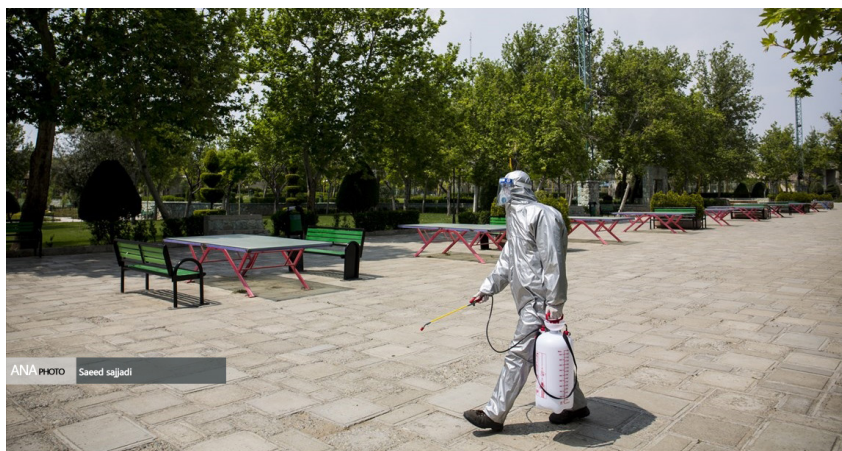
لازم به ذکر است که البته در حال حاضر، بیشتر مدل‌های شیرآلات تولیدشده بدین شیوه، از جنس پلاستیک هستند، اما برخی از قطعات فلزی شیرآلات نیز با استفاده از پرینتر سه‌بُعدی

پرینترهای سه‌بُعدی به‌راستی انقلابی در تولید قطعات و اشیاء محسوب می‌شوند، چون می‌توانند بسیاری از فرایندها را تسهیل نمایند و به تبع آن، هزینه‌های تولید را کاهش دهند. به همین علت، امروزه در صنایع مختلفی از پرینترهای سه‌بُعدی استفاده می‌شود، با این حال، هنوز راه درازی در پیش است تا استفاده از این دستگاه‌های جادویی به مرحله بلوغ خود برسد و به عنوان دستیارانی خبره به کمک انسان‌ها بیایند.

در چند سال اخیر هم خبرهای مختلفی در مورد پرینترهای سه‌بُعدی از گوشه و کنار دنیا به گوش می‌رسید که شاید برخی از آنها شگفت‌آور و غیرقابل باور به نظر برسند. یکی از ادعاهای شگفت‌انگیز در مورد این دستگاه‌ها هم برنامه کشور امارات متحده عربی برای ساخت خانه‌هایی با کمک آنهاست. از این‌ها که بگذریم، سوال شاید عجیب و غریبی که ذهن ما را به خود درگیر کرده، این است که آیا این دستگاه‌ها در صنعت شیرآلات نیز با استقبال روبرو خواهند شد؟ پاسخ این سوال مثبت است، چون وقتی که از مدیر بازاریابی یک شرکت تولیدکننده شیرآلات صنعتی با استفاده از این تکنولوژی، سوال می‌شود: با توجه به جثه عظیم این شیرآلات، چگونه

ساخت دستگاه تازه برای ضدعفونی کردن

یک اکسیدکننده قوی توانایی ازبین بردن میکروارگانیسم‌هایی مانند انواع باکتری، قارچ و ویروس را دارد و «ازونایزرهای ضدعفونی هوا» برای ضدعفونی بیمارستان‌ها، ادارات، اتاق جلسات و کنفرانس‌ها، مجالس، بانک‌ها، هوای منزل یا محل کار، هتل‌ها، اماکن عمومی، قطار و پایانه‌های مسافربری مناسب است. ضمناً دستگاه «ازونایزر» عموماً به صورت پرتابل و با وزن کم است که بدون نیاز به مصرف مواد شیمیایی، از اکسیژن موجود در هوای پیرامون، گاز ازون را به صورت آنسایت تولید می‌کند و سهولت استفاده از «ازونایزر» و پوشش کامل تمامی نواحی، ریسک خطای نیروی انسانی را در انجام عملیات ضدعفونی به حداقل رسانیده و اثربخشی عملیات ضدعفونی را تضمین می‌کند. در واقع، گاز ازون می‌تواند به تمامی سطوح، منافذ، ترک‌ها، فیلترهای تهویه و غیره برسد و آنها را ضدعفونی کند. قدرت اکسایش بالا، سرعت بالای ضدعفونی و یکنواختی ضدعفونی نیز از دیگر مزایای استفاده از ازون می‌باشند.



فناوری‌های مبتنی بر پلازما در حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی، با توجه به وضعیت کنونی کشور و اهمیت ضدعفونی کردن نقاط پرخطر، توان خود را در عرضه انواع «ازونایزر و دستگاه‌های ضدعفونی‌کننده» متمرکز کرده تا بتواند رسالت خود را در راستای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا و حفظ سلامت هموطنان ایفا کند. شایان ذکر است که ازون به عنوان

محققان ایرانی در یک شرکت دانش‌بنیان در برج فناوری «دانشگاه صنعتی امیرکبیر» موفق به تولید دستگاه «ازونایزر» شده‌اند، دستگاهی که برای ضدعفونی کردن اماکن مختلف به کار می‌رود.

به گزارش روابط عمومی این دانشگاه، شرکت دانش‌بنیان «شاره فراز پایدار» تحت مدیریت «فریبرز رشیدی» با سابقه ۱۰ ساله در حوزه

فرهنگ و زندگی

ممکن است به خاطر تغییرات عمده در جوامع، اقتصاد، و محیط زیست رو به پایان باشد. بر اساس برآوردهای منتشرشده در مجله علمی Lancet، جمعیت کره زمین تا سال ۲۰۶۴، شاید به حدود ۹/۷ میلیارد نفر برسد که تقریباً دو میلیارد نفر بیشتر از جمعیت امروز است، ولی این رقم تا پایان قرن جاری میلادی احتمالاً به ۸/۸ میلیارد نفر کاهش خواهد یافت. لازم به ذکر است که البته این برآورد «موؤسسه سنجش و ارزیابی سلامت» با پیش‌بینی بخش جمعیت «سازمان ملل متحد» که جمعیت جهان را تا سال ۲۱۰۰ حدود ۱۰/۹ میلیارد نفر تخمین می‌زند، مغایرت دارد.



بخش انگلیسی صدای آمریکا، نتایج این پژوهش تازه را منتشر کرده و نتیجه گرفته‌است که عصر افزایش جمعیت بشر

پژوهش‌های تازه حاکی از آنند که جمعیت جهان از اواسط قرن میلادی جاری به بعد، ممکن است کاهش یابد.

موج گرمای سیبری و تغییرات اقلیمی



یک مطالعه علمی به این نتیجه رسیده است که موج گرمای بی‌سابقه در سیبری، بدون تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت انسانی، تقریباً غیرممکن بوده است. یادآوری می‌کند که دمای این منطقه روسیه در فاصله ماه‌های ژانویه و ژوئن امسال بیش از پنج درجه سانتیگراد بالاتر از میانگین بوده و در روز ۲۰ ژوئن، دما در شهر کوچک «ورخویانسک» از ۳۸ درجه سانتیگراد هم فراتر رفته است! این حد بالاترین میزان دمایی است که تا کنون در داخل مدار شمالگان ثبت شده است. بدین سبب، گمان می‌رود که دمای قطب شمال با سرعتی دو برابر میانگین جهانی در حال افزایش باشد. در این رابطه تیمی بین‌المللی از اقلیم‌شناسان،

تحت هدایت «سازمان هواشناسی بریتانیا» متوجه شد که احتمال وقوع چنین موج گرمایی، بدون تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت انسانی، در هر ۸۰ هزار سال یک بار خواهد بود. این مطالعه در ادامه نتیجه‌گیری می‌کند که اگر گرمایش ناشی از تصاعد گازهای گلخانه‌ای اتفاق نیفتاده بود، وقوع چنین رویدادی، تقریباً غیرممکن بود.

پژوهشگران سپس در یک بیانیه خبری، یافته‌های خود را «گواه غیرقابل تردید در باره تأثیر تغییرات اقلیمی بر سیاره» توصیف کردند. «پروفیسور پیتر استات» از «سازمان هواشناسی بریتانیا» نیز در این باره می‌گوید: این قاطعانه‌ترین نتیجه‌گیری در زمینه وجود یک رابطه علت و معلولی میان تغییرات اقلیمی و رویدادهای عمده آب و هوایی است. محققان مزبور همچنین می‌گویند که حرارت جاری در سیبری، به بالابردن میانگین دمای زمین و تبدیل آن به دومین دوره گرم ژانویه تا مه کمک کرده است و جالب اینکه آنچه در قطب اتفاق می‌افتد، به قطب محدود نمی‌شود، بلکه یک رشته رویدادهای شدید آب و هوایی را می‌توان به

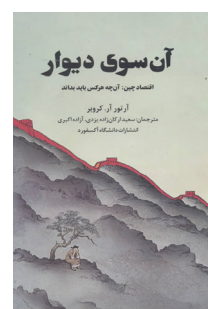
تغییرات در قطب شمال نسبت داد. رویداد موسوم به «هیولایی از شرق» که در زمستان ۲۰۱۸ اتفاق افتاد، از این دست رویدادها بود. توضیح اینکه در آن سال، وزش هوای قطبی باعث افت دما به زیر صفر درجه برای چندین روز در بریتانیا شد و برخی از نواحی هم شاهد بارش بیش از نیم متر برف بودند. بر اساس برخی تخمین‌ها، آن توفان زمستانی که جان ده نفر را گرفت، بیش از یک میلیارد پوند هم خسارت به بار آورد.

روی هم رفته، موج گرمای امسال سیبری نشان می‌دهد که شرایط تا چه حد می‌تواند شدید باشد و آنچه که خیلی از دانشمندان را نگران می‌کند، این است که اقلیم جدیدی که در حال ورود به آن هستیم، به آن معنی است که بسیاری از نقاط سیاره اکنون در حال تجربه کردن شرایطی هستند که وراثت چیزی است که اکوسیستم‌های بومی - یا در واقع جوامع انسانی - برای تحمل آن تکامل یافته‌اند.

<https://www.bbc.com/persian/science53426505>

آن سوی دیوار

(اقتصاد چین: آنچه هر کس باید بداند)



کتاب «آن سوی دیوار» (اقتصاد چین: آنچه هر کس باید بداند) اثری است از آرتور آر. کروبر به ترجمه آزاده اکبری و سعید ارکان‌زاده یزدی که توسط انتشارات امین‌الضرب - آینده‌نگر منتشر شده است.

هدف از تألیف این کتاب، شرح جزئیات دقیق و همه‌جانبه راجع به وضعیت اقتصادی و سیاست‌های توسعه‌یافتگی چین است و به طور کامل و گسترده نشان می‌دهد که چین چگونه توانست با اتخاذ

سیاست‌ها و اجرای برنامه‌های توسعه، به جایگاه کنونی در اقتصاد و سیاست جهانی دست یابد. یکی از ویژگی‌های قابل توجه این کتاب هم تأکید بر نقش و اهمیت بخش خصوصی در دستیابی به اهداف کلان مندرج در برنامه‌های توسعه است. شایان ذکر است که بخش دولتی، قسمت بزرگی از مدل رشد چین را در بر می‌گیرد، چون با وجود کاهش مستمر سهم بازار این بخش در اقتصاد چین، باز هم این سهم از لحاظ معیارهای بین‌المللی خیلی بالاست و در واقع، بنگاه‌های دولتی به عنوان ابزار مهم دولت در سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصاد کلان، جریان یافتن منابع و توسعه تأسیسات زیربنایی، بشمار می‌آیند، اما با وجود این، ظهور و حضور فعالانه بخش خصوصی در سه دهه گذشته، بیش از هر عامل دیگری در افزایش نرخ رشد اقتصادی و پایدارسازی آن در چین نقش داشته، تا جاییکه می‌توان منشأ همه دستاوردها در زمینه بهره‌وری و اشتغال در اقتصاد داخلی چین

از سال ۱۹۷۸ تا کنون را در تخصیص دوباره منابع از بخش دولتی به بخش خصوصی پیدا کرد. اکنون نیز بخش خصوصی بیشترین سهم از تولید ناخالص داخلی، اشتغال، سرمایه‌گذاری ثابت، تولید صنعتی، وام‌های بانکی جدید و مازاد تجاری چین را به خود اختصاص می‌دهد.

در این کتاب، ابتدا ساختارهای سیاسی و اقتصادی چین و همچنین روایت‌هایی تاریخی از فرایند توسعه این کشور طی سالیان اخیر ارائه شده، سپس در فصل‌های بعدی، ابعاد مختلف اقتصاد چین - از توسعه روستایی و روند شهری شدن گرفته تا احداث تأسیسات زیربنایی و انرژی - به‌دقت شرح داده می‌شود و رویهم‌رفته، می‌توان این کتاب را یکی از منابع مهم برای شناخت و درک واقعیت‌های اقتصادی و سیاسی چین بشمار آورد، منبعی که حقایق را به زبانی ساده و با تحلیل‌هایی مستند به آمار و اطلاعات در اختیار مخاطب گذاشته است.

عوارض کووید-۱۹ بر مغز



عصبی جدی به دنبال شیوع کووید-۱۹ را گزارش نکرده و فقط یک مورد بیمار ابتلا به کووید-۱۹ همراه با اختلال در عملکرد مغز و به دنبال آن، مرگ را گزارش کرده‌است. در مطالعه‌ای دیگر که طی آن، تعدادی از بیماران مبتلا به کووید-۱۹ کالبدشکافی شدند، نشان داده شد که کووید-۱۹ می‌تواند اختلالات مغزی متعددی را در برخی از بیماران ایجاد کند که باعث پیچیده‌تر شدن روند بیماری خواهد شد. شواهد همچنین بیان می‌کنند که پاسخ عصبی التهابی سلول‌های مغز، می‌تواند به بیماری‌های عصبی و روانی و اختلالات شناختی حاد و مزمن منجر شود. از این رو، باید در طراحی استراتژی‌های درمانی و برای الگوی توانبخشی مبتلایان به کووید-۱۹، جنبه‌های عصبی و روانی حمله و بروسه نیز در نظر گرفته شود. به طور کلی، گرچه هنوز وجود عوارض بلندمدت و اختلالات روانی ماندگار در اثر این بیماری قطعی نشده و شواهد در این زمینه‌ها اندک است، اما لازم است که در ارزیابی بیماران توسط کادر درمان، علائم اختلالات عصبی مانند سردرد، اختلال هوشیاری، اختلال در حس بویایی و چشایی، بی‌حسی و گزگز شدن اندام‌ها و سایر علائم نیز در نظر گرفته شوند و مورد ارزیابی قرار گیرند.

۲۱۴ نفر از بیماران بستری در یکی از بیمارستان‌های چین انجام شد، نشان داد که ۴۰ درصد از بیماران علائم عصبی، مثل اختلال آگاهی، آسیب‌دیدگی عضلات اسکلتی و بیماری‌های حاد مغزی داشتند. البته این علائم در بیمارانی که شدت بیماری در آن‌ها بیشتر بود، دیده شد.

یافته‌های مطالعه‌ای دیگر نشان می‌دهد که کووید-۱۹ با زجر حاد تنفسی همراه است. از این رو، احتمال تهاجم ویروس از ریه و مجاری هوایی به ساقه مغز وجود دارد و این امر می‌تواند یکی از دلایل نارسایی حاد تنفسی باشد. مطالعه‌ای دیگر، عوارض

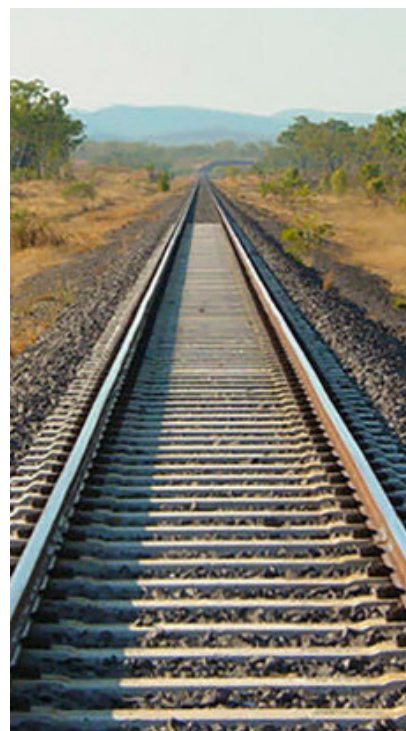
محققان «مؤسسه ملی تحقیقات سلامت» و «دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران» می‌گویند: بررسی شواهد نشان می‌دهد که ابتلا به کووید-۱۹ می‌تواند بر مغز و سیستم عصبی تأثیرگذار باشد، اما با توجه به جدید بودن این بیماری، عوارض بلندمدت و اختلالات روانی ماندگار بیماری، قطعی نشده‌اند و شواهد در این زمینه‌ها اندک است.

به گزارش ایسنا، محققان مزبور با بررسی شواهد موجود به این پرسش پاسخ داده‌اند که آیا کووید-۱۹ عوارض مغزی به همراه دارد و آیا این عوارض ماندگارند؟ آن‌ها در پاسخ می‌گویند: مطالعه‌ای که روی

ریل‌گذاری آینده صنعت نفت با تدوین چهار سند تا افق ۱۴۲۰

کنیم. به گفته زنگنه، اولین سند مربوط به مصرف سوخت حمل و نقل تا افق ۱۴۲۰ است که سندی بین‌بخشی است و شامل بهینه‌سازی خودروها، اصلاح ساختار حمل و نقل درون‌شهری و برون‌شهری کشور و نوع خودروهایی است که ساخته می‌شوند. وی تأکید کرد: سندهای بعدی به ترتیب مربوط به عرضه و تقاضای گاز تا افق ۱۴۲۰، سند تولید نفت تا ۱۴۲۰ و سند مربوط به پتروشیمی است که ریل‌گذاری برای آینده به شمار می‌روند. وی ادامه داد: همچنین کمک به صنایع پایین‌دستی، توجه به ساخت داخل، حمایت از صادرات خدمات فنی و مهندسی و مشکلات دانشگاه نفت نیز مورد ارزیابی قرار گرفتند. به گفته مهندس زنگنه، کمک برای تأمین منابع نفت برای سرمایه‌گذاری‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا صنعت نفت پیشران اقتصاد است و اگر منابع مورد نیاز برای توسعه آن تأمین شود، بخش‌های دیگر صنعت کشور و بخش پیمانکاری فعال خواهند شد.

وزیر نفت با اشاره به تدوین چهار سند در بخش‌های مختلف نفت و گاز، شامل چشم‌انداز تولید نفت، گاز، پتروشیمی و مصرف سوخت تا افق ۱۴۲۰، گفت: این اسناد، ریل‌گذاری صنعت نفت برای آینده است. بنا به گزارش ایرنا، مهندس بیژن زنگنه بعد از جلسه با «کمیسیون انرژی» مجلس در جمع خبرنگاران حاضر شد و با اشاره به اینکه این جلسه یکی از جلسات بالارزش، مفید، پخته و حرفه‌ای بود، ادامه داد: در این جلسه پایه خوبی برای همکاری‌های مؤثر در کشور در زمینه انرژی بنا شد. وی در ادامه با تأکید بر اینکه حل برخی موارد حتی نیازمند قانون جدید نیست، گفت: حمایت‌های سیاسی و همدلی، می‌تواند کارها را در کشور پیش ببرد. به طور مثال، در پتروپالایشگاه‌ها نمایندگان عضو «کمیسیون انرژی» استقبال کردند و قرار شد حمایت سیاسی انجام شود. وی سپس یکی از دغدغه‌های «کمیسیون انرژی» را بهینه‌سازی مصرف سوخت‌های مایع و گاز دانست و افزود: قرار شد تا چهار سند را به کمیسیون تقدیم



پیشنهاد بخش خصوصی برای گذر از بحران



پس از بررسی در جلسات مشترک این دو کمیسیون و تأیید از سوی هیأت ریسه اتاق تهران، به عنوان راه حل بخش خصوصی برای به گردش درآمن منابع مالی بنگاه‌ها در اختیار دولت قرار گیرد.

دومین راهکار پیشنهادی نمایندگان بخش خصوصی در حوزه انرژی هم استفاده از روش‌های اعتباردهی با استفاده از صندوق‌های ضمانت اعتبار است. بر اساس نظریه کارشناسان و طراحان این مدل اقتصادی برای رفع مشکلات مالی بنگاه‌ها، این مکانیزم نیز دارای چالش‌هایی از منظر بخش خصوصی و نظام بانکی است، اما با حل و فصل این چالش‌ها، می‌توان به سازوکار واقعی از تأمین مالی بنگاه‌ها در بلندمدت دست پیدا کرد.

که تا پایان سال ۱۳۹۸ ایجاد شده است، بوسیله تسویه بدهی‌های بانک‌ها و مؤسسات غیربانکی به بانک مرکزی تا مبلغ استفاده نشده جزء (۲) بند (و) تبصره (۵) قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور تا سقف سیصد هزار میلیارد ریال به صورت جمعی - خرجی بوسیله انتشار اسناد تسویه خزانه تسویه کند.

به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، رضا پدیدار، رییس «کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران» تصریح کرد: این کارگروه پس از شور و مشورت، به دو مدل «وراق اسناد تسویه خزانه نوع دوم» و «صندوق ضمانت اعتبار» به عنوان راهکارهای کوتاه مدت و بلندمدت برای وصول مطالبات معوق از دولت و دریافت خطوط اعتباری از بانک‌ها دست یافته است تا

اعضای کمیسیون‌های «انرژی و محیط زیست» و «بازار پول و سرمایه» اتاق تهران راه حل گذر از بحران کنونی برای بنگاه‌های فعال در بخش انرژی کشور را پیاده‌سازی راهکار کوتاه مدت «تهاتر فرآورده‌های نفتی و اوراق تسویه پیش‌بینی شده در قانون بودجه سال ۹۹» دانستند.

یادآوری می‌کند که بر اساس قانون بودجه ۱۳۹۹ به دولت اجازه داده شده است که در صورت درخواست متقاضیان، مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی را که در چهارچوب قوانین و مقررات تا پایان سال ۱۳۹۸ ایجاد شده و همچنین مطالبات نهادهای عمومی غیردولتی، صندوق‌های بازنشستگی، بانک‌ها، قرارگاه خاتم‌الانبیاء، پیمانکاران محرومیت‌زدایی قرارگاه خاتم‌الانبیاء، پیمانکاران خصوصی سازمان نوسازی و تجهیز مدارس، شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه و وابسته به آن‌ها و نیز شرکت‌های دولتی تابعه وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی و شرکت‌های آب و فاضلاب استانی و شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران بابت یارانه قیمت‌های تکلیفی از سوی دولت در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط تا پایان سال ۱۳۹۶ را با بدهی اشخاص یادشده به بانک مرکزی یا بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی

پیش روی ممنوع!

پیامدهای نوسان تراز آب دریاست. سطح آب دریاچه خزر در زمستان سال ۹۸ به کمترین میزان طی ۳۰ سال اخیر رسید. بر اساس این ارزیابی، میانگین تراز آب در این سال با کاهش ۱۳ سانتی‌متری نسبت به سال ۲۰۱۸ رو به رو شد. سرپرست «مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر» در این خصوص گفت: کاهش سطح آب، چندین علت متفاوت دارد که در وهله اول ناشی از کم شدن آب ورودی رودخانه ولگاگراد به دریای خزر است. او افزود: از سوی دیگر، افزایش میانگین دمای سطح آب دریای خزر نیز علت دیگری دارد. در سال ۲۰۱۹ میلادی نسبت به سال ۲۰۱۸ میانگین دمای آب دریای خزر حدود دو دهم درجه سانتیگراد و نسبت به میانگین بلندمدت یک درجه

سرپرست «مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر» گفت: تاسیسات صنعتی، علت اصلی گرم شدن آب دریای خزر است و در نتیجه، دریای خزر بستر خود را پس می‌گیرد. به گزارش گروه اجتماعی خبرگزاری برنا، خانم معصومه بنی‌هاشمی نسبت به گرم شدن آب دریای خزر و پیش روی برای بهره‌برداری از آن هشدار داد. گفتنی است که تراز آب دریای خزر در گذشته نه‌چندان دور، بارها در محدوده ۲۴ متر تا ۲۸ متر نوسان داشته است. تفاوت مساحت سطح دریا در این دو تراز، حدود ۶۰ هزار کیلومتر مربع و تفاوت حجم آب دریا دو هزار کیلومتر مکعب است. تغییر در پارامترهای فیزیکی و شیمیایی آب، تغییر زیستگاه جانداران و سپس تغییر در تراکم و تنوع زیستی، از دیگر



گرمتر شد. بنی‌هاشمی سپس با تشریح علل گرم شدن آب دریای خزر گفت: در این راستا آنچه که مشخص است، این است که علت اصلی گرم شدن سطح دریا، وجود تاسیسات صنعتی در اطراف آن است. بنابراین، هر گونه توسعه تاسیساتی در حاشیه دریای خزر، به دلیل پس‌روی در کشورهای حاشیه

دریای خزر، به خصوص در استان مازندران که از لحاظ جمعیتی بالاترین تراکم جمعیتی را بین استان‌های شمالی کشور دارد، باید بر اساس اطلاعات دقیق پژوهشی باشد. سرپرست «مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر» در پایان افزود: پس‌روی دریای خزر نباید به عنوان آزادسازی دریا و فرصتی

برای ساخت تاسیسات و تجهیز امکانات تلقی شود، به این علت که این بخش جزئی از بستر دریا بوده و احتمال پیش‌روی مجدد آب دریای خزر و باز پس‌گیری این بستر وجود دارد. به گفته او در سال ۹۹ هنوز آماری مبنی بر کاهش و یا افزایش سطح آب دریای خزر وجود ندارد.

ایجاد نهاد مستقل برای تنظیم روابط بخش خصوصی و دولت

میزان مورد انتظار نرسیده و حداکثری نشده، باید تدابیری اتخاذ شود تا این سهم ارتقا یابد. جنیدی سپس به موضوع واگذاری شرکت‌های متعلق به صنعت نفت پرداخت و با تأکید بر اینکه واگذاری از طریق مذاکره، به عنوان اولویت آخر در شیوه‌های واگذاری باید در نظر گرفته شود، حضور مؤسسات مالی-اعتباری و بانک‌ها در صنعت نفت را نیز رد کرد و گفت: این حضور می‌تواند منشأ آفت باشد، چرا که نباید مؤسسات مالی-اعتباری را به سمت بنگاهداری سوق داد.

خانم جنیدی در ادامه با تأکید بر اهمیت استقلال و بی‌طرفی کامل نهاد تنظیم‌گر، گفت: اگر قرار است که نهاد تنظیم‌گر، مقررات‌گذاری، نظارت و اختلاف‌ها را رفع کند، پس باید نهادی مستقل و کاملاً بی‌طرف باشد، چون در غیر این صورت، انجام وظیفه از سوی این نهاد با چالش مواجه خواهد شد. استقلال و بی‌طرفی نهاد حل‌وفصل‌کننده اختلاف، یک نکته راهبردی بود که مورد توجه و تأکید خانم لعیا جنیدی قرار گرفت. معاون حقوقی رییس‌جمهور در این باره با اشاره به اینکه نهاد حل‌وفصل‌کننده اختلاف‌ها، آخرین پناهگاه و ملجأ بخش خصوصی در مقابل دولت است، گفت: وقتی که این نهاد در سلسله مراتب اجرایی ذی‌نفع باشد، یا در شرکت‌های دولتی سهام داشته باشد، به طور قطع، بی‌طرفی‌اش محل تأمل است. لذا در صورت ایجاد یک نهاد تنظیم‌گر، باید در این مورد فکر اساسی کرد.



ایفای نقش تنظیم‌گری از سوی دولت، مستلزم حضور فعال و اثرگذار یک بخش خصوصی قوی است، به اهمیت وجود بخش خصوصی قوی در شرایط حاضر و اعمال تحریم‌ها علیه ایران اشاره کرد و گفت: کشورهای مختلف دنیا به این وفاق رسیده‌اند که دولت باید ناظر باشد، در شرایط شکست بازار ورود کند و منافع شهروندان را محافظت نماید. معاون حقوقی رییس‌جمهور سپس با بیان اینکه در شرایط تحریم‌های فعلی، کشورهای تحت اعمال تحریم‌های ثانویه نیز راحت‌ترند که با بخش خصوصی ایران همکاری کنند، به تشریح سهم بخش خصوصی از صنعت نفت پرداخت و با بیان اینکه وزارت نفت باید سهم بخش خصوصی از صنعت نفت را اعلام کند، گفت: در صورتی که سهم بخش خصوصی هنوز به

معاون حقوقی رییس‌جمهور در همایش صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی گفت: نهاد مستقل برای تنظیم روابط بخش خصوصی و دولت باید ایجاد شود. بنا به گزارش «جهان صنعت» در جریان برگزاری چهاردهمین همایش سالانه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی با شعار «آینده صادرات در تنگنای چالش‌های داخلی و بین‌المللی»، خانم لعیا جنیدی، معاون حقوقی رییس‌جمهور، امیرحسین زمانی‌نیا، معاون امور بین‌الملل وزارت نفت و سعید شیرکوند، معاون نظارت اقتصادی و زیربنایی معاون اول رییس‌جمهور سخنرانی کردند.

خانم لعیا جنیدی در باره نقش تنظیم‌گری دولت در حوزه نفت سخن گفت و با بیان اینکه